

مروارید حکمت و یاقوت سخن

کتابخانه



بود دل‌ها را به سوی خود می‌کشد. کلمات قصار آن نیز ضامن سعادت دنیا و آخرت است که طالبان حقایق را به دیدن گمشده خود ارشاد می‌کند و فرزندان را به راه سیاست و سیادتشان رهبری می‌کند. کتابی که دارای چنین ارزشی است، جا دارد که اندیشمندان در پیشگاهش زانو بزنند و کاوشگران آن را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.»

«بعد از انقطاع وحی الهی، کتابی از نظر اعتماد مانند نهج البلاغه تدوین نشده است. کتابی که راه صحیح علم و عمل را به انسان نشان می‌دهد و پرتویی از علم الهی بر آن تابیده و بوی عطر سخنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از آن می‌تراود. نهج البلاغه صدف مرواریدهای حکمت و گنجینه یاقوت‌های سخن است. مواعظی که در خطبه‌های آن دیده می‌شود، تار و

شنبه ۱۳ تیر ۱۳۸۸
۱۱ رجب ۱۴۳۰، ۴ جولای ۲۰۰۹
شماره ۱۸۸، پیاپی ۸۳۹
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرناچاپ

www.ketabehafteh.ir



تلاشم
روشنگری
عمومی است
۲۳



جذب دانشجو
در مقطع دکترای
نهج البلاغه
۱۹



نمونه‌ای از
سبک‌گزینی
در داستان
۶

دوستان معین

به دیدارش می‌روند

مراسم سی و هشتمین سالگرد درگذشت محمد معین، یکشنبه ۱۴ تیر بر سر آرامگاه این استاد فقید ادبیات برگزار می‌شود. این مراسم که قرار بود روز پنج‌شنبه، ۱۸ تیرماه، برگزار شود، به گفته مهدخت معین، دختر استاد معین، روزیکشنبه، چهاردهم تیرماه، در آستانه اشرفیه بر سر آرامگاه وی برگزار خواهد شد. به گفته او در این مراسم، دوستان، خانواده و جمعی از شاگردان وی حضور خواهند یافت.

مراسم سی و هشتمین سالگرد درگذشت محمد معین در حالی برگزار می‌شود که در حال حاضر او در چند ماه اخیر خانواده به وضعیت نامعلوم تبدیل خانه‌اش به موزه نگارند. همچنین از انتشار بدون اجازه آثار او گله کرده‌اند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

تنهایی اهل قلم به ضرر جامعه خواهد بود

صفارهرندی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: «در شورای انقلاب فرهنگی، فضایی به نام خانه پیشکسوتان پیش‌بینی شده تا ارتباط فرهنگی، معنوی، آموزشی و تعامل عاطفی را بین دو نسل برقرار کند.» وی گفت: «راه‌اندازی این خانه، به معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واگذار شده است؛ اما بسیاری از دستگاه‌های

دیگر هم باید در اجرایی شدن آن مشارکت داشته باشند.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «چنین فضاهایی می‌تواند خلأهایی را که دوران سالخوردگی در زندگی اهل قلم و هنرمندان وجود دارد، جبران کند.» وی در پایان گفت: «تنهایی این افراد، آفتی برای جامعه است؛ چرا که آحاد جامعه از انزوای هنرمندان ضرر خواهند کرد و پیشکسوتان عرصه فرهنگ و هنر را نیز دچار افسردگی می‌کند.» مهدی آذریزدی در ۸۷ سالگی به دلیل کهولت سن به دفعات در بیمارستان بستری شده است. مجموعه کتاب «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» شناخته‌شده‌ترین اثر مهدی آذریزدی است که بیشتر مردم، وی را با این مجموعه می‌شناسند. آذریزدی در سال ۱۳۰۱ در محله خرمشاه یزد متولد شد و بیش از ۴۵ اثر در زمینه قرآنی و قصه‌های کودکان و نوجوانان به رشته تحریر درآورده و دارای لوح سپاس از سازمان علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) است. «قصه‌های تازه از کتاب‌های کهن»، «مثنوی بچه‌های خوب»، «شعر قند و عسل»، «لبخند و مثنوی معنوی مولوی»، از جمله آثار مهدی آذریزدی‌اند.



محمد حسین صفارهرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، عصر سه‌شنبه، نهم تیرماه و پس از ملاقات با مهدی آذریزدی، نویسنده پیشکسوت حوزه کودک و نوجوان در بیمارستان آتیه تهران، گفت: «بی‌توجهی به اهل فرهنگ، به ویژه، پیشکسوتان این عرصه، به ضرر جامعه است و مسوولان فرهنگی کشور و آحاد جامعه باید نیازهای عاطفی و معنوی هنرمندان را بیشتر درک کنند.» وی ادامه داد: «اقدامات حمایتی برای حل مشکلات هنرمندان و اهل قلم در دوران سالخوردگی، امری واجب و بدیهی است. بخشی از این اقدامات، در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی پیش‌بینی شده و باید بیش از این تقویت شود. از جمله این گونه اقدامات، می‌توان به سازوکارهایی مانند صندوق حمایت از نویسندگان و هنرمندان اشاره کرد که بنیان آن از سال‌ها قبل گذارده شده و در سال‌های اخیر، آن را تقویت کردیم.» صفارهرندی همچنین گفت: «این صندوق‌ها کارکردهای گوناگون و عمده‌ای دارند که از جمله آن‌ها می‌توان خدمات بیمه‌ای برای نویسندگان و هنرمندان را نام برد و البته، این کار، حداقل خدمتی است که می‌شود برای اهل قلم و هنرمندان انجام داد.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تصریح کرد: «به یاد آوردن هنرمندان و نویسندگان تنها در روزهای بیماری، کافی نیست و فایده‌ای ندارد. ما باید این استوانه‌های تجربه و دانش را حفظ کنیم و راهکارهای انتقال این ذخیره معنوی را به نسل بعد به دست آوریم.»

محمد حقوقی آرام گرفت

محمد حقوقی، شاعر و منتقد ادبی که هفته گذشته از دنیا رفت، صبح چهارشنبه در قطعه نام‌آوران باغ رضوان اصفهان آرام گرفت.

مراسم خاکسپاری محمد حقوقی با حضور سیمین بهبهانی، جواد مجابی، فریبرز رییس‌دانا، مدیر انتشارات نگاه، ناشر آثار وی و جمعی از علاقه‌مندان در قطعه نام‌آوران باغ رضوان اصفهان برگزار شد.

محمد حقوقی، شاعر و منتقد ادبی، به علت نارسایی‌های قلبی و کلیوی عصر دوشنبه ۸ تیر در ۷۲ سالگی در بیمارستان خورشید شهر اصفهان درگذشت.

محمد حقوقی، متولد ۱۳۱۶ در اصفهان، از جمله نویسندگان گروه ادبی جنگ اصفهان بوده است. عمده آثار حقوقی در نقد و معرفی شاعرانی نظیر نیما یوشیج، سهراب سپهری، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث و فروغ فرخزاد بوده است. همچنین هشت مجموعه شعر از او به یادگار مانده است. وی بر مجموعه شعرهای بسیاری از شاعران ایران نقد یا مقدمه نگاشته است. برخی از کارشناسان بر این باورند که نقد فرمی شعر، با آثار حقوقی به جریان نقد شعر فارسی معرفی شده است. نظرات برخی از شاعران و منتقد درباره این شاعر فقید را در صفحه ۳ بخوانید.

اگر مفاهیم عالیّه قرآن در این قالب هنری فوق ممتاز ارایه نشده بود، پیشرفت نداشت. دیگر چیزی بالاتر از مفاهیم قرآن و توحید هست؟ خدای تعالی برای این مفاهیم، از بیان طبیعی نبی اکرم (ص)، که یک بیان بشری است، استفاده نکرد؛ بیان معجز نشانی را به کار گرفت، تا حداکثر زیبایی در آن باشد.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسوولان انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۶۴/۷/۱۸

«قرآن در قرآن» منتشر می شود

کتاب «قرآن در قرآن» درباره ابعاد مختلف کتاب آسمانی دین اسلام به قلم محمد اخوان از سوی انتشارات مرسل به زودی منتشر می شود. حسینعلی پورمدنی، مدیرمسئول انتشارات مرسل، ضمن بیان این خبر، عنوان کرد: «این اثر در ۱۰ فصل تالیف شده که فصل اول آن با عنوان «عجاز قرآن» آیات مختلف درباره معجزه و معجزه بودن قرآن را بررسی می کند.»

وی درباره دیگر فصول کتاب توضیح داد: «فصل دوم به نحو بدیعی به اثبات قرآن به عنوان یک پایه گذار علوم قرآنی پرداخته و فصل سوم با عنوان «حقانیت قرآن» اساسی ترین تمایز میان حق و باطل را بیان کرده است.» پورمدنی با اشاره به دیگر مباحث این اثر یادآور شد: «قرآن کتاب هدایت»، «اوصاف قرآن»، «جهان بینی قرآنی»، «ایدئولوژی قرآنی» و «مخالفان قرآن» در این نوشتار بررسی شده است. چاپ اول کتاب «قرآن در قرآن» در ۷۸۰ صفحه، قطع رقعی و بهای ۸۵۰۰ تومان به زودی از سوی انتشارات مرسل منتشر می شود.

ایستگاه قرآنی فرهنگسرای سالمند

فرهنگسرای سالمند در هفتمین دوره جشنواره فرهنگی تابستان که از سوی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در تمامی مراکز فرهنگی هنری شهر برگزار می شود، شنبه ها ایستگاه قرآنی برگزار می کند.

به گزارش روابط عمومی فرهنگسرای سالمند، هدف از برگزاری این برنامه، غنی سازی اوقات فراغت کودکان و آشنایی بیشتر آنها با ارکان دین مبین اسلام است. این ایستگاه با عنوان «نماز بخوانید، هدیه بگیرید» روزهای شنبه از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹:۳۰ در بوستان خیام برگزار می شود. در این برنامه علاوه بر آموزش صحیح خوانی نماز و قرآن به کودکان، هدایایی برای ترغیب آنها به انجام فرایض دینی اهدا می شود.

۳۱۳ رمز ان احکام قرآنی

احکام و معارف ناب محمدی (ص) در جلد دوم کتابی با عنوان «آشنایی با احکام و معارف به شیوه ۳۱۳ رمز» به قلم سید مهدی قاسمی منتشر شد. این کتاب که در ادامه جلد اول تدوین شده، شماره رموز آن از ۳۱۴ آغاز می شود و احادیثی را درباره فواید گریه، وصف خدا، رستگاری، یادگیری مسائل خمس، اطلاعاتی درباره پیامبر (ص) و امامان (ع) بیان می کند.

از جمله رمزهایی که در این کتاب مطرح شده اند می توان به «چرا به دنیا آمده ام؟»، «اتحاد؛ انسان از چه درست شده است»، «ارتش؛ یادگیری احکام دین»، «بر عصمت فاطمه؛ نام های حضرت فاطمه زهرا (س)»، «چند تحریف از امام حسین (ع)» و «سمد؛ چند چیز را پنهان کن» اشاره کرد. جلد دوم کتاب «آشنایی با احکام و معارف به شیوه ۳۱۳ رمز» از سوی انتشارات قاف مشهد الرضا (ع) در شمارگان سه هزار نسخه، ۳۳۶ صفحه و بهای ۲۸۰۰ تومان روانه بازار کتاب شده است.

مشاور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

مصلا، بهترین گزینه برای نمایشگاه کتاب است

وی با اشاره به بررسی های کارشناسانه و موفقیت روند برگزاری نمایشگاه در چند سال اخیر در مصلا می نامد. وی تصریح کرد: «با توجه به مسائل ذکر شده، در شرایط فعلی، مصلا بهترین و مناسب ترین مکان برای برگزاری نمایشگاه کتاب است.»

وی همچنین گفت: «قرار بود مسوولان شهر تهران - شهرداری و شورای شهر - محلی را برای برگزاری نمایشگاه بین المللی، طراحی و آماده سازی کنند که شورای سیاست گذاری نمایشگاه کتاب، معاونت اجرایی را موظف به پیگیری آن کرده تا همراه با پیگیری این مساله، علاوه بر محل موجود، فضاهای دیگر نهادها را نیز دنبال کنیم.»

قبادی در پایان گفت: «البته هنوز به طور رسمی برگزاری نمایشگاه در مصلا می نامد. این امر قطعاً شده و به زودی مکان برگزاری نمایشگاه بیست و سوم اعلام می شود.»



پاسخی شایسته دهد.»

معاون اجرایی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران افزود: «همچنین، باید محل برگزاری نمایشگاه از نظر ایاب و ذهاب، امکانات لازم را داشته باشد و مزاحمتی برای شهر نیز ایجاد نکند.»

رئیس مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی خبر داد

تأسیس نمایندگی فروش کتاب در نمایشگاه بین المللی قرآن

ارشاد اسلامی مجوز گرفته اند می توانند ارائه شوند، اما از آنجا که نمایشگاه قرآن قواعد خاص خودش را دارد، در این نمایشگاه برای عرضه کتاب ها علاوه بر مجوز، سطح و کیفیت مطالب و محتوای کتاب ها هم ملاک است به همین دلیل آثار از این جهت هم ممیزی می شوند و با عرضه آن دسته از کتاب هایی که در تراز کار نمایشگاه هستند موافقت می شود.»

خواجه پیری درباره دلایل وضع این قانون گفت: «افرادی که به نمایشگاه قرآن می آیند غالباً به دنبال کتاب های منتخب حوزه دین هستند، چون به هر حال کتاب های دیگر را در بازار خارج از نمایشگاه هم می توانند تهیه کنند، پس وقتی به نمایشگاه می آیند قاعدتاً به دنبال این هستند که کتاب های تخصصی مورد نیازشان را برای یک سال خریداری کنند؛ از این رو ضمن احترام به همه کسانی که در کار تالیف، ترجمه و انتشار کتاب هستند باید بگویم در نمایشگاه قرآن تنها آن مواردی که متناسب با نیاز و خواسته جامعه قرآنی است عرضه می شود و این قاعده دائمی نمایشگاه قرآن است.»

وی یادآور شد: «وقتی یک ناشر همه نوع کتابی به نمایشگاه بیاورد کنترل موارد مجاز در نمایشگاه کار بسیار دشواری می شود همچنان که در نمایشگاه های قبلی بارها کتب غیر مجازی را می دیدیم که گاه حتی مجوز انتشار از سوی وزارت ارشاد را هم نداشتند و همین امر، کار نظارت را با دشواری هایی روبه رو می کرد.»

رئیس مرکز توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی با یادآوری این که قیمت غرفه های نمایشگاه قرآن از چهار سال پیش تاکنون هیچ تغییری نکرده است، درباره ناشرانی که به دنبال یافتن نمایندگی فروش هستند گفت: «ناشرانی که می خواهند نمایندگی فروش بدهند می توانند با فروشگاه هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی برای فروش کتاب هایشان قرارداد ببندند.»

دعوت از ناشران برای شرکت در نمایشگاه کتاب مدارس

موسسه فرهنگی منادی تربیت در دوازدهمین دوره طرح ۳۰ هزار نمایشگاه کتاب در ۳۰ هزار مدرسه از ناشران دعوت به همکاری کرد. براساس فراخوان این موسسه ناشران می توانند برای شرکت در این طرح ملی با ارائه یک جلد از هر عنوان کتاب منتشر شده سال ۸۵ به بعد، به دبیرخانه این موسسه در این نمایشگاه شرکت کنند.

این نمایشگاه ها از سوی موسسه فرهنگی منادی تربیت وابسته به معاونت پرورشی و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش و با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همزمان در ۷۰۰ منطقه آموزش و پرورش کشور در هفته کتاب (آبان ماه) برگزار می شود.

مهلت مراجعه ناشران برای شرکت در این نمایشگاه از ۱۴ تیر تا ۷ مرداد به نشانی تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۲۶ و شماره های تماس ۸۸۸۹۴۲۹۱ و ۸۸۸۹۷۸۷۰۹۷۸۸ تعیین شده است.

مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی کشور امسال برای نخستین بار فروشگاه بزرگی را در نمایشگاه قرآن دایر می کند تا ناشرانی که به هر دلیلی نمی توانند در نمایشگاه شرکت کنند بتوانند کتاب هایشان را برای فروش در اختیار این فروشگاه قرار دهند.

محمدعلی خواجه پیری، رئیس مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی کشور در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام این خبر، گفت: «ناشرانی که به هر دلیلی نمی توانند در نمایشگاه قرآن شرکت کنند می توانند کتاب هایشان را به صورت امانی در اختیار مرکز قرار دهند تا با قراردادی که مرکز با آنها می بندد کتاب ها را برایشان به فروش برساند.»

وی افزود: «ناشران ممکن است به دلایل مختلف از جمله استقرار در شهرستان ها یا کم بودن عناوین کتاب هایشان، حضور در نمایشگاه برایشان به صرفه نباشد. این ناشران می توانند در صورتی که کتابشان در ممیزی انتخاب شده باشد، با مرکز قرارداد ببندند تا فروشگاه مرکز آثارشان را به فروش برساند.»

خواجه پیری در پاسخ به این سوال که آیا ناشران باید در ازای این خدمات مبلغی به مرکز بپردازند گفت: «چون نمایشگاه به دنبال منفعت بردن نیست فقط هزینه های عوامل اجرایی و غرفه فروشگاه به صورت تمام شده دریافت می شود.» خواجه پیری همچنین با اشاره به این که این فروشگاه، کتاب ها را به صورت موضوعی عرضه می کند، از مشروط بودن حضور تمامی ناشران غرفه دار به ارائه آثاری که مختص انتشارات خود آنهاست خبر داد و اظهار داشت: «امسال دومین سالی است که حضور ناشران در نمایشگاه قرآن مشروط به این است که هر ناشری صرفاً کتاب های منتشر شده خودش را ارائه کند.»

خواجه پیری در مقایسه نمایشگاه بین المللی کتاب و نمایشگاه بین المللی قرآن تصریح کرد: «در نمایشگاه کتاب اغلب کتاب هایی که از وزارت فرهنگ و

پس از سه سال وقفه

گلستان قرآن به خانواده مطبوعات بازگشت

از غدی، حجت الاسلام صادقی رشاد، علیرضا مختارپور، دکتر مهدی گلشنی و دکتر علی اکبر ولایتی، برخی از عناوین این مجله را تشکیل می دهند. در این مجله همچنین بررسی پرونده سریال یوسف پیامبر (ع) با عنوان «خاطره خوش جمعه شب ها» مروری دارد بر چگونگی ساخت این مجموعه تلویزیونی. گفت و گو با فرج الله سلحشور کارگردان مجموعه یوسف پیامبر و گفت و گو با مصطفی زمانی بازیگر نقش یوسف (ع) به همراه آثار و نوشتاری از حجت الاسلام محسن قرائتی و حجت الاسلام رسایی از جمله عناوین این بخش است.

مجله گلستان قرآن با مدیر مسئولی دکتر محمدعلی خواجه پیری و شورای سردبیری حجت الاسلام سعید بهمنی، مهندس میثم نیلی و مهندس علیرضا معاف در قالب ماهنامه منتشر می شود.



دویست و سی و هشتمین شماره مجله گلستان قرآن به صاحب امتیازی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز هماهنگی، توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی کشور، ویژه ادیبهشت و خرداد منتشر شد.

این نشریه که با وقفه ای نسبتاً طولانی بار دیگر با فعالیت گروهی جدید منتشر شده است، به گفته دست اندرکارانش، بر آن است تا با نگاهی علمی و در عین حال در اسلوبی جذاب برای مخاطبان، مباحث تخصصی و در عین حال کاربردی را از کتاب آسمانی، پیش روی خوانندگان قرار دهد.

گفتاری از محمدحسین صفار هرنندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، گفت و گوهایی با سید احمد خاتمی، محمدرضا سرشار، آیت الله مصباح یزدی، حجت الاسلام غلامرضا فیضی و آثار و نوشتاری از آیت الله جوادی آملی، حسن رحیم پور

مرگ محمد حقوقی جامعه ادبی را سوگوار کرد

محمد حقوقی، شاعر و منتقد ادبی عصر روز دوشنبه هشتم تیرماه به دلیل ناراحتی قلبی و کلیوی در سن ۷۲ سالگی درگذشت.

حقوقی متولد ۱۳۱۶ اصفهان، از جمله نویسندگان گروه ادبی جنگ اصفهان بود و عمده آثار او در نقد و معرفی شاعرانی نظیر نیماوشیح، سهراب سپهری، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث و فروغ فرخزاد بود. به باور صاحب نظران و کارشناسان، کتاب «شعر نو از آغاز تا امروز» مهم ترین کتاب محمد حقوقی است که او را به عنوان چهره‌ای برجسته در حوزه ادبیات معرفی کرده است. از جمله دیگر آثار او می توان به کتاب های «گنجشک ها و گیلان ها» (شعرهای عاشقانه)، «فصل های زمستانی»، «شرقی ها»، «باشب با زخم با گرگ»، «گریزهای ناگزیر»، «خروس هزار بال» و «از صدا تا سکوت» اشاره کرد.

پیکر این هنرمند و منتقد ادبی ۹ صبح روز چهارشنبه دهم تیرماه با حضور جمعی از هنرمندان و دوستان در وی تشییع و در زادگاهش (اصفهان) به خاک سپرده شد. محمد شمس لنگرودی، جواد مجابی، محمود معتقدی، یونس تراکمه و محمد علی بهمنی از جمله کسانی هستند که پس از مرگ حقوقی درباره جایگاه وی در ادبیات معاصر ایران اظهار نظر کرده اند. بخشی از سخنان این هنرمندان که از طریق رسانه های مختلف منتشر شده در پی می آید.

محمد شمس لنگرودی، شاعر و منتقد ادبی: حقوقی جزو معدود چهره های موثر در شناخت شعر نو در ادبیات معاصر بود. کار او را باید از دو جنبه بررسی کرد. یکی جنبه کارهای تحقیقاتی او و

«اشک های زرافه» منتشر می شود

رمان پلیسی «اشک های زرافه» اثر الکساندر مک کال اسمیت، نویسنده بریتانیایی، به فارسی ترجمه شد که پس از طی مراحل اداری انتشار، در ایران منتشر می شود.

این رمان را میرعلی غروری به فارسی ترجمه کرده است و ترجمه او از سوی انتشارات هرمس و در ادامه رمان های پلیسی این انتشارات، منتشر می شود. مک کال اسمیت، این رمان را در سال ۲۰۰۰ میلادی و با نام «Tears of the Giraffe»، نوشته و منتشر کرده است. این کتاب دومین رمان از سری رمان های «اولین آژانس کارآگاهی زنان»، این نویسنده است.

نخستین رمان از این مجموعه سال گذشته با ترجمه همین مترجم و با نام «دفتر کارآگاهی شماره یک بانوان» از سوی همین ناشر منتشر شده است. ترجمه فارسی غروری از «اشک های زرافه» در ۲۵۶ صفحه روانه بازار کتاب ایران می شود.

«چشم» ناباکوف گشوده شد



رمان «چشم» اثر ولادیمیر ناباکوف، نویسنده روسی به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد. این کتاب را محمد علی مهمان نوازان به فارسی ترجمه کرده و ترجمه او توسط موسسه انتشاراتی مروارید منتشر شده است. این رمان به زودی روانه کتابفروشی های ایران می شود.

داستان این رمان همزمان با جنگ های داخلی روسیه و مرگ لنین اتفاق می افتد. ناباکوف در «چشم» داستان فردی را نقل می کند که از روسیه گریخته و به آلمان مهاجرت کرده است و در کنار نقل داستان زندگی او به مسائل سایر مهاجران اهل روسیه می پردازد. نویسنده این کتاب را در سال ۱۹۳۰ نوشت. ترجمه انگلیسی این رمان ۳۵ سال بعد در ۱۹۶۵ میلادی با عنوان «The Eye» به چاپ رسید. «چشم» را پسر ناباکوف با همکاری خود نویسنده به انگلیسی ترجمه کرده است. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۸۲ توسط مترجمی به



دیگری اشعارش که البته اعتبار او بیشتر به کارهای تحقیقاتی اش برمی گردد. تحقیقات او متکی بر مطالعات گسترده روی ادب پارسی و معاصر بود که توانست بسیار آموزنده باشد.

جواد مجابی، شاعر و منتقد ادبی: به گمان من محمد حقوقی شایسته عنوان بقیة الشعرا است به این معنا که او هم از بازماندگان شاعران بزرگ ایران است و هم یادآور آنها. او در قصایدش شاعری مسلط به زبان فارسی است. در شعرهای نو او نیز تخیل مهارنشده شاعری که دیدگاه جهانی دارد دیده می شود. جز اینها، او به عنوان منتقد ادبی مهمی

«سلاخ خانه شماره ۵» استمرار می یابد

انتشار همه داستان های کورت ونه گات در ایران

همه داستان های منتشر نشده کورت ونه گات با سرپرستی علی شیبه علی به فارسی ترجمه و در ایران منتشر می شود.

داستان های منتشر نشده ونه گات در زبان فارسی که به گفته این مترجم، عنوان آن ها به ۱۶ تا ۱۷ رمان می رسد، در کاری گروهی از سوی انتشارات سبزان منتشر خواهد شد. با انتشار خبر مرگ کورت ونه گات جونیور در سال ۲۰۰۷، توجه مخاطبان ادبیات داستانی در ایران به این نویسنده مطرح آمریکایی بیش از پیش شد و انتشار ترجمه آثار او رقابت هایی را بین ناشران رقم زد به طوری که به گفته شیبه علی، ترجمه هایی گاه باشتاب و کم دقت از آثار این نویسنده صاحب سبک به دست داده شد.

علی اصغر بهرامی از معدود مترجمان ایرانی است که از چند سال پیش آثار ونه گات را به فارسی ترجمه کرده و در واقع معرف ونه گات در زبان فارسی است؛ از همین رو شیبه علی تأکید دارد که هرگز سراغ آثاری از ونه گات که علی اصغر بهرامی ترجمه کرده است، نمی رود. او نخستین علت را احترام به حقوق مادی و معنوی مترجمی می داند که زودتر به ترجمه آثار این نویسنده اقدام کرده است و دلیل دیگر را پرهیز از موازی کاری و اهتمام به انتشار آثار عرضه نشده در زبان فارسی ذکر می کند.

این مترجم جوان با این حال امیدوار است که ناشران دیگر هم جانب انصاف و اخلاق را رعایت کنند و به انتشار ترجمه از آثاری که این انتشارات در دست دارد، اقدام نکنند و یاد آور می شود، برای در دست گرفتن ترجمه آثار ونه گات سراغ نشراق و روشنگران و مطالعات زنان که پیش تر آثار این نویسنده را منتشر کرده بودند، رفته و پس از کسب اطلاع از این که آنها فعلا تصمیمی برای انتشار آثار ونه گات ندارند، کار ترجمه چند اثر این نویسنده را به دست گرفته است.

نام بهمن خسروی به فارسی ترجمه شد و آن را انتشارات شوقستان چاپ کرد. نسخه های این ترجمه در بازار کتاب ایران به پایان رسیده و تجدید چاپ نشده است. ترجمه اخیر دومین ترجمه از این رمان است که در ایران منتشر می شود. این رمان کوتاه که حجم آن اندکی از ۱۰۰ صفحه فراتر می رود، مانند سایر کتاب های اولیه ناباکوف چند شخصیت اهل روسیه را تصویر می کند که از این کشور مهاجرت کرده اند. ماجرای «چشم» پس از خودکشی رهبری یکی از فرقه های سیاسی مهاجر روسیه آغاز می شود. در این داستان فرض بر آن گذاشته می شود که خودکشی موفقیت آمیز بوده است، اما چشمان این سردسته سیاسی پس از مرگ نیز باقی می ماند و به مشاهده رفتار اعضای فرقه پس از مرگ خود می نگرد. ولادیمیر ولادیمیرویچ ناباکوف در سال ۱۸۹۹ میلادی در سن پترزبورگ متولد شد و تا سال ۱۹۱۷ زندگی کرد. او شاعر، نویسنده رمان، داستان کوتاه و منتقد ادبی بوده است. وی هنگامی که تنها ۱۵ سال سن داشت، قبل از پایان مدرسه دو جلد کتاب شعر چاپ کرد. این نویسنده تحصیلات خود را در دانشگاه کمبریج پی گرفت و چند سال بعد از تبعید اجباری به اروپا، در سال ۱۹۴۰ میلادی به آمریکا مهاجرت کرد. از این نویسنده در مجموع ۱۸ رمان، هشت مجموعه داستان کوتاه، هفت مجموعه شعر و ۹ نمایشنامه منتشر شده است.

در «ایبنا» بخوانید

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دست یابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

یادداشت هایی از اهل قلم

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از خانواده کتاب دوستان به دید مخاطبان خود می گذارد، این هفته یادداشت هایی را از بهنوش اخلاصی، کتابدار، حسن سپهرفر، پژوهشگر و مسئول بخش مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی آذربایجان غربی، علی آقاییاری، خبرنگار اداره کل کتابخانه های آذربایجان شرقی، فاطمه سعدونی، کارشناس کتابداری پزشکی و کتابدار کتابخانه شهید چمران سوسنگرد، حافظ موسوی، شاعر و منتقد ادبی و آناهید خزیر، خبرنگار حوزه کتاب در بخش تاریخ و جغرافیا را برای انتشار برگزید. اخلاصی از ایجاد بخش کودک در کتابخانه ها و نقش آن در توسعه فرهنگی نوشته و سپهرفر یادداشت خود را اختصاص داده است به طبقه بندی اجتماعی از دیدگاه فرهنگ کتابخوانی. آقاییاری یادداشتی با نام «اهدایان فروتن کتاب» در اختیار «ایبنا» گذاشته و اهدای کتاب را رسم و سنتی پسندیده و دیرینه دانسته است. سعدونی درباره میلان کوندرا، نویسنده اهل چک قلم زده و در یادداشت خود او را یک «روان شناس» لقب داده است و موسوی به مناسبت درگذشت شاعر فقید، محمد حقوقی، از این شاعر نوشته است. خزیر هم به مناسبت اولین سالگرد درگذشت عبدالعظیم رضایی، او را پدر تاریخ ایران باستان لقب داده و درباره او نوشته است.

آنچه در سرای اهل قلم گذشت

در هفته گذشته سرای دائمی اهل قلم هر روز میزبان جلسه ای بود که با حضور منتقدان و نویسندگان منعقد و به بحث درباره کتاب گذشت. گزارش مشروح تمام این نشست ها از سوی خبرگزاری کتاب منتشر شده است.

جدیدترین نشست از سلسله جلسه های شاهنامه پژوهی، نشست و نقد و بررسی کتاب «عکسی در آینه دلم» اثر محسن پرویز، نقد و بررسی رمان «زمانی که اسم من کی آکو بود» اثر لیندا سوپارک با ترجمه ناهید هاشمی، از جمله جلسه های هفته گذشته سرای اهل قلم بودند که می توانید آن چه در این جلسه ها گفته و شنیده شد را در «ایبنا» بخوانید.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته آخرین اخبار از آمار انتشار کتاب در حوزه های مختلف در ایران، مهم ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را در معرض دید جهان انگلیسی زبان قرار داد.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی های می گذارند، گفت و گوهایی با پدید آورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی اند که می توان آنها را در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) یافت.

شماره‌های جدید ماهنامه‌های تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب‌های ماه فلسفه، هنر، تاریخ و جغرافیا و علوم و فنون منتشر شد.

بیست و یکمین شماره کتاب ماه فلسفه (خرداد ۸۸) در شش بخش نقد و بررسی، جستار، گزارش مولف، گزارش مترجم، معرفی تحلیلی و پیشخوان سامان یافته که مباحث مهم این بخش‌ها عبارت‌اند از: ارزیابی تفسیر ابوالبرکات از عقل / دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی؛ باده عشق از منظر حکمت ذوقی / سعید کریمی؛ فلسفه در مسیحیت باستان / زهرافز لیاش؛ تکنیک، وجود آزادی / محمد زارع؛ فلسفه زیست‌شناسی؛ تاریخ فلسفه اسلامی؛ پرسش‌های بنیادین؛ پاسخ‌های بی‌پایان؛ مرگ و زندگی پس از مرگ؛ مسئله الهیات و زیبایی‌شناسی؛ صراط مستقیم؛ ابن سینا و تمثیل عرفانی.

ماهنامه هنر نیز در صد و بیست و هشتمین شماره (فروردین ۸۸) موضوعات زیر را مورد بررسی قرار داده است: تنوع نقش در گلیم‌های دست‌بافت گیلان؛ زیراندازهای ارمنی بافت ایران در قاب تصویر، نقش مایه‌های تزئینی در سنگ‌نگاره‌های صحن اتابکی آستانه مقدس حضرت معصومه (س)؛ ریشه‌یابی نقوش گیاهی مشترک در قالی‌های ایران و هندوستان؛ رباعیات خیامی و آمیزه‌های خوشنویسی؛ خط و تذهیب در قرآن‌های ایرانی موزه ملی، بخش اسلامی؛ خوشنویسی هنر مقدس از منظر ادیان.

صد و سی و دومین شماره کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (اردیبهشت ۸۸) با زیرعنوان «ایران فرهنگی» بخش‌های متنوعی را شامل شده است.

صفحه نخست کتاب ماه علوم و فنون نیز در بیست و چهارمین شماره (فروردین ۸۸) با ذکر این نکته آغاز شده است که: کتاب ماه علوم و فنون ماهنامه‌ای است که با هدف اطلاع‌رسانی در زمینه کتاب و مسائل نشر و کمک به ارتباط خلاق بین پدیدآورندگان، ناشران، کتابداران و سایر فعالان عرصه نشر و فرهنگ کشور از سوی خانه کتاب ایران منتشر می‌شود. این شماره کتاب ماه علوم و فنون در پنج بخش: مقدمه نمایه، نمایه کتاب‌ها، نمایه اشخاص؛ فهرست نشست‌ها و گفت‌وگوها و فهرست ۱۲ شماره دوم تنظیم شده است.

برنامه‌های این هفته سرای اهل قلم

برنامه‌های سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد.

در این هفته علاقه‌مندان شاهد برگزاری پنج نشست تخصصی در چهار روز از هفته خواهند بود. نشست امروز، سیزدهم تیر به ادامه سلسله نشست‌های مولوی پژوهی با عنوان «قصه‌های مولوی» با حضور دکتر بخشعلی قنبری و دکتر پرویز عباسی داکانی اختصاص دارد.

نقد و بررسی کتاب «انفجار کیک خامه‌ای» نوشته شهرام شفیع با حضور جهانگیر خسروشاهی و محمدرضا پایرامی نشست روز یکشنبه این سراسر است. روز سه‌شنبه، شانزدهم تیر نیز به دو نشست نقد و بررسی مجموعه داستان «اما از دو کوه آمده‌ایم اینجا غریبیم» با حضور احمد شاکری، عباس پیروان، علی‌الله سلیمی و مجید پورولی کلشتری و نشست تئاتر شورایی و درام کاربردی با حضور منصور براهیمی و علی ظفر قهرمانی نژاد اختصاص داده شده است.

«روان‌شناسی یادگیری و رفتار گرای» نیز موضوع نشست روز چهارشنبه این سراسر با حضور دکتر رضا زمانی و سید محمود میرسلیمی است. تمامی نشست‌های این هفته از ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار خواهد شد. سرای اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع شده و شرکت در این برنامه‌ها برای عموم آزاد است.

در نخستین نشست «صد نویسنده، صد داستان» عنوان شد

«عکسی در آینه دلم» نمونه‌ای از سبک‌گریزی در داستان



نخستین نشست از مجموعه نشست‌های «صد نویسنده، صد داستان» با نقد و بررسی کتاب «عکسی در آینه دلم» نوشته دکتر محسن پرویز عصر روز یکشنبه ۷ تیر با حضور نویسنده اثر، فیروز زنوزی جلالی و شهرام شفیع به عنوان منتقد، در سرای اهل قلم برگزار شد.

شهرام شفیع نویسنده و منتقد در ابتدای نشست با اشاره به کم‌رنگ شدن اعتماد به نفس نویسندگان در حوزه تالیف و تاکید بر نوع نقد منتخب برای این کتاب، گفت: «نوع نقد کتاب «عکسی در آینه دلم» در حوزه نقد تفسیری قرار می‌گیرد. سبک نگارش نویسنده این اثر در حوزه ادبیات سلوک قرار دارد. در این سبک، تعالی انسانی، تقرب به آسمان و معنویت دیدگاه نویسنده را تشکیل می‌دهند. در واقع نویسنده و قهرمان داستان برای رسیدن به فضائل اخلاقی در تلاشند.»

وی درباره بیان و حضور نویسنده در داستان‌ها اظهار داشت: «این داستان‌ها از جهات مختلف سهل و ممتنع‌اند و نوعی سبک‌گریزی یابی سبکی در آنها به چشم می‌خورد. به طوری که داستان‌ها بسیار روان و راحت روایت شده‌اند. در واقع، نویسنده با انتخاب این روش به جای اثبات، به دنبال حذف خودش در داستان‌هاست و فقط با تکرار مضامینی مانند صداقت و عزت نفس، دغدغه‌های ذهنی‌اش را از وضع جامعه بیان کرده است.»

شفیع درباره تمثیلی بودن این اثر تصریح کرد: «کتاب «عکسی در آینه دلم» با این تعریف، تمثیلی از خود واقعیت است. به این معنی که تکه‌ای از واقعیت را پس از انتخاب، بدون دخل و تصرف بیان کرده است. می‌توان گفت در این کتاب آشنایی زدایی، به تعبیر ناآشنا کردن پدیده‌ها و اشیاء برای مخاطب، براساس برداشتن شناسنامه آن اشیاء، وجود ندارد و در واقع در این اثر با احساس جامعه‌ای که خودش از خودش آشنایی زدایی کرده، هماهنگ و همگون می‌شویم.»

این منتقد با تاکید بر اتفاق اصلی داستان‌های این کتاب - بازشناسی حقیقت و بیان تغییرات رخ داده در شخصیت‌ها - درباره لحظه‌پردازی‌های داستان‌های کتاب «عکسی در آینه دلم» گفت: «لحظه‌پردازی‌های داستان‌ها دقیق و توأم با شناخت نسبت به زندگی نوجوانان است و با درک شرایط زندگی نوجوانان، تأثیر و تأثر اشخاص و پدیده‌ها به تصویر درآمده‌اند.»

شفیع با ارائه تعریفی از حسب حال نویسی و خاطره‌نویسی گفت: «حسب حال نویسی بیان خاطرات نویسنده درباره وقایع تاریخی است که شاهد آنها بوده با تاکید بر اهمیت وقایع، اما در خاطره‌نویسی، نقل قول همان وقایع با تاکید بر احوال شخصی نویسنده است. بر این اساس، این کتاب ترکیبی از حسب حال نویسی، خاطره‌نویسی و داستان است به طوری که این داستان‌ها برای مخاطب امروز که وقایعی مانند انقلاب را ندیده یا اطلاعات درست و نادرستی از رسانه‌های مختلف در ذهنش انباشته شده، مرجعی برای دریافت اطلاعات صحیح و کامل است.»

فیروز زنوزی جلالی، نویسنده و منتقد، ادامه نشست را با اشاره به داستان‌های «عکسی در آینه دلم»، «روزی که مسیح را دیدم»، «بوی گل، بوی او» و با مضمون انقلاب از سر گرفت و گفت: «در داستان‌های نخست این کتاب، موضوع انقلاب بسیار شفاف مطرح شده است و صحنه‌هایی از حضور امام خمینی (ره) در فرانسه حوادث پیش از انقلاب و نوع زندگی مردم در آن روزها به خوبی به تصویر کشیده شده‌اند.»

وی با تاکید بر حضور رنگ و رد پای انقلاب در داستان‌های دیگر این کتاب، اظهار داشت: «در داستان‌های دیگر، گرچه از فضای انقلاب و وقایع آن سال‌ها دور می‌شویم اما تأثیرگذاری انقلاب در

تصویر کشیدن استفاده کرده است. با این روش، شخصیت‌ها به عقب رانده شده و تصویر پیش می‌آید. برای نمونه، فضا و موقعیت‌های قبل از انقلاب و ساواک برای جوانی که از این صحنه‌ها دور بوده به خوبی تصویرسازی شده است که این موضوع، آگاهی نویسنده را از مسائل جامعه آن زمان نمایان می‌سازد.»

دکتر محسن پرویز، در پایان، با تاکید بر ابزار هدفمند نوشتن نویسندگان، اظهار داشت: «تفکر و پژوهش بر جمله‌جمله متن یک نویسنده وسیله‌ای است برای هدفمند بودن یک اثر؛ به طوری که مطالعه هر صفحه از آثار نویسندگان بزرگ دنیا، دریافت جدیدی را از آن صفحه با خود همراه می‌کند. بر همین اساس، هدف این بود که آنچه نوشته می‌شود یک حس، واقع یا تجربه را با خود همراه کند.»

آنها به چشم می‌خورد. کسانی که در داستان‌های نخست از انقلاب تأثیر گرفته‌اند، در داستان‌های دیگر به ارزش‌های معنوی اعتنای بیشتری کرده‌اند، در واقع در این داستان‌ها پیام‌های انقلاب به طور غیرمستقیم انعکاس داده شده‌اند.»

زنوزی جلالی، ضمن اشاره به هدفمند بودن انتخاب نام شخصیت‌های داستان‌ها درباره آگاهی نویسنده از شرایط مخاطبان این کتاب، گفت: «نویسنده مخاطبش را می‌شناسد و نسبت به سوال‌های موجود در ذهن او آگاهی دارد. بر این اساس می‌کوشد به سادگی سوال‌های مخاطب را پاسخ گوید.»

این منتقد درباره دریافت راحت مخاطب از بار معنایی و معنویت موجود در داستان‌ها، به حضور حس تصویری در صحنه‌های مختلف داستان‌ها اشاره و تصریح کرد: «نویسنده به جای گفتن، از به

خانه کتاب

بسمه تعالی

فراخوان نهمین دوره جایزه کتاب فصل

دیرینه‌ترین جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب‌های برتر و تشویق محققان، مترجمان و مصححان متعدد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی در کشور، نهمین دوره جایزه کتاب فصل (بهار ۱۳۸۸) را برگزار می‌کند. از ناشران، مؤلفان، مترجمان و مصححان محترم دعوت می‌شود آثار خود را که برای نخستین بار در بهار ۱۳۸۸ منتشر شده است، به دبیرخانه این جایزه ارسال نمایند.

مهلت ارسال آثار: بیست و پنجم تیر ۱۳۸۸

نشانی دبیرخانه: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان برادران مظفر و فلسطین جنوبی، شماره ۲۵، مؤسسه خانه کتاب، طبقه ۲ - دبیرخانه جایزه کتاب فصل

تلفن: ۹۹۶۹۲۱۹ | تلفکس: ۹۹۶۹۲۱۸



عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی:

حمایت از صاحبان قلم، جانبداری از اندیشه‌هاست



چهاردهم تیرماه، روز قلم نام گذاری شده است؛ روزی که یادآور تقدیر از مقام نویسندگان است، هنرمندانی که اندیشه بر ورق سپید نقش می‌زند با همان قلمی که خداوند به آن قسم یاد کرده است. نامگذاری این روز بی ارتباط با تاریخ کهن متمدن و فرهنگ ساز ایران نیست. ابوریحان بیرونی در کتاب «آثار الباقیه» خود آورده است که چهاردهمین روز از تیرماه را ایرانیان باستان، روز تیر (عطارد) می‌نامیدند. سیاره تیر یا همان عطارد، در فرهنگ ادب پارسی، کاتب و نویسنده ستارگان است. به همین مناسبت این روز را روز نویسندگان می‌دانستند و گرامی می‌داشتند.

ارزش و کرامت قلم به قدری بالاست که اختصاص تنها یک روز از سال به قلم و صاحبانش برای بزرگداشت کم است. قراردادن روزی با این عنوان در روزهای سال، تنها می‌تواند تلنگری بر یادآوری تجلیل از مقام قلم و اربابان آن باشد. قدردانی از نویسندگان و نوشته‌های سرنوشته ساز آنها و بهانه‌ای برای تشکر از زحمات سخت و طاقت فرسای آنان در خلق اثری بر پیکره ماندگار کاغذ که نه، تاریخ می‌تواند باشد.

حمایت از خالقان اثر یا همان نویسندگان، یکی از مشکلاتی است که این قشر همواره با آن روبه‌رو بوده‌اند. احساس امنیت و حمایت از سوی بخش‌های گوناگون جامعه احساسی است که می‌تواند یک استعداد را در بستری زیبا نقش زند و بیشترین تأثیر را در جامعه مخاطبان به بار نشاند.

در این زمینه، حجت الاسلام سیدعلی حسینی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و عضو هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور حمایت از نویسندگان را گامی مثبت در راستای تألیف آثار غنی و فاخر می‌داند و می‌گوید: کیفی سازی متون تألیفی در زمینه‌های گوناگون یکی از دغدغه‌های حوزه نشر است و در راستای حمایت از صاحبان قلم و اندیشه میسر می‌شود.

او می‌گوید: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های گذشته در بخش نشر کشور خدمات بسیار مطلوبی انجام داده است، از آنجا که نشر از سه حلقه مهم نویسندگان، ناشران و چاپخانه‌داران تشکیل می‌شود، حلقه نویسندگان تا حد زیادی مغفول مانده و نیازمند توجهات بیشتری است.»

در راستای حمایت از نویسندگان و باهدف توسعه تألیفات غنی و فاخر باید تدابیر بیشتری اندیشیده شود. بحث کیفیت بخشی به متون گوناگون به ویژه کتاب‌های حوزه‌های فرهنگی، مذهبی و ادبی از اهمیت فراوانی در فرهنگ سازی و نهادینه کردن ارزش‌های اجتماعی برخوردار است.

اکنون عرف جامعه نشر به گونه‌ای است که ناشران پس از دریافت آثار گوناگون از نویسندگان حوزه‌های مختلف، بدون کارشناسی به گزینش اثر می‌پردازند، متأسفانه اکثر ناشران ما ارزیابی‌های غیر کارشناسانه دارند و ناشران معدودی داریم که هسته‌های کارشناسی خبره‌ای را در عرصه‌های مختلف کتاب‌های علوم اجتماعی، فنی، مهندسی، ادبی، مذهبی و... در اختیار دارند و به خوبی از آنها استفاده می‌کنند.

حجت الاسلام حسینی در این باره می‌گوید: «متأسفانه اکثر ناشران غیر حرفه‌ای‌اند و شاید طی یک سال، انتشار کمتر از ۱۰ اثر را منتشر کنند. اینها در واقع آثاری با کیفیت‌های خیلی پایین را از نویسندگان می‌گیرند، منتشر می‌کنند و بعد با مشکلات فروش آن مواجه می‌شوند.» وی با بیان این که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نشر موجب می‌شود در چندین استان که محور نشر محسوب می‌شوند، به ویژه در استان قم، تهران و خراسان رضوی - سه قطب چاپ و نشر کشور - به صورت ویژه آثار ارائه شده را بررسی و ارزیابی کنند و به این ترتیب از بسیاری از مشکلات ناشران و نویسندگان برای مسافرت به تهران و پیگیری مراحل دریافت مجوز جلوگیری شود.

نماینده مجلس شورای اسلامی، فعالان استان‌های دیگر در راستای صدور مجوز نشر را از اقدامات موثر در زمینه تمرکززدایی می‌داند و می‌گوید: «وجود مراکز صدور نشر در استان‌های گوناگون باعث عدم اتلاف زمان برای ناشران و نویسندگان می‌شود و با توجه به این موضوع که در هریک از استان‌ها، عده زیادی از اندیشمندان، صاحب‌نظران، نویسندگان و کارشناسان این حوزه وجود دارند، در این مراکز و برای صدور مجوز نشر می‌توان از نظرات آنها نیز استفاده کرد. این موضوع و استفاده از تجارب کارشناسان گوناگون یکی دیگر از مزایای این طرح است زیرا از این طریق ارائه مجوز نشر با تسهیلات بیشتری انجام می‌شود و دقت فراوان‌تری نیز بر آثار صورت می‌گیرد.»

وی کمترین تبعات صدور مجوز نشر از سوی مراکز استان‌ها در سال‌های اخیر را از دیگر محاسن وجود این مراکز می‌داند و می‌گوید: «این موضوع به دلیل فرصت بیشتر این مراکز و دقتی است که آنها می‌توانند با کسب شناخت بیشتر از نویسندگان محلی و نحوه نگارش آنها به دست آورند. اعضای هیأت نظارت، معمولاً نویسندگان را بیشتر

می‌شناسند، چون نویسندگان بومی‌اند. البته معایبی نیز دارد که در مقابل محاسن آن قابل اغماض است.» متأسفانه در این حالت برخی ناشران زمانی که موفق به کسب جواز در محل زندگی خود نمی‌شوند، اقدام به گرفتن آن در شهر دیگری می‌کنند و این پدیده یکی از ایرادهای این طرح است.

حجت الاسلام سیدعلی حسینی در این زمینه می‌گوید: «این موضوع یکی از مسائلی است که به آن اشاره شد و شاید به نوعی هم حسن و هم در شمار معایب تعدد این مراکز باشد. این موضوع در واقع نشان دهنده توجه و دقت هیأت نظارت بر نشر استانی است که متن را به خوبی خوانده‌اند و هم بر متن و هم بر نویسنده اشراف دارند و با توجه به ضوابطی که وجود دارد مجوز نشر را نمی‌توانند صادر کنند. این افراد در صورت مواجهه با این مساله، فوراً به وزارت ارشاد مراجعه می‌کنند. در این مرکز هم با مراجعه متعدد نویسندگان و ناشران مجوز در زمان کمتری صادر می‌شود که ممکن است از برخی ایرادها چشم‌پوشی شود.»

وی با تأکید بر این که «کتاب یک محصول دائم است و مثل روزنامه نیست که تاریخ مصرف داشته باشد» می‌گوید: «در واقع شاید نسل‌های متعدد از یک کتاب استفاده کنند، به همین دلیل تألیف و ترجمه یک اثر و صدور مجوز انتشار آن دقت بیشتری را می‌طلبد. افکار و عقاید مردمی را باید راه راست هدایت کرد زیرا کوچک‌ترین اشتباه در این قضیه، بزرگ‌ترین پیامدها را در بر خواهد داشت.»

خانه کتاب

فراخوان

سومین دوره جایزه گام اول

به همت خانه کتاب برگزار می‌شود

این جایزه با هدف کشف استعدادها و تشویق هرچه بیشتر پدیدآورندگانی است که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده‌اند.

عوضوع‌های مورد ارزیابی هیأت داوران عبارتند از:

الف: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای کودکان و نوجوانان

ب: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای بزرگسالان

از تمامی نویسندگان و شاعرانی که اولین اثر خود را در سال ۱۳۸۷ در زمینه‌های یاد شده به چاپ رسانده‌اند، دعوت می‌شود سه نسخه از اثر منتشر شده را تا پایان تیر ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال نمایند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین صبا و فلسطین جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۸۰ طبقه منهای ۲، دبیرخانه جایزه گام اول. تلفن: ۶۶۴۶۰۵۱۹ - دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸



در گفت و گو با اهالی نشر و نویسندگان عنوان شد

نویسندگی، شغل دوم!

چنین اتفاقاتی کمتر می افتد.

نامگذاری روز قلم چه اثری بر وضعیت نویسندگان دارد؟

نامگذاری صرف کافی نیست اما خوشحال کننده است. اگر امروز اثری نداشته باشد، بعدها تاثیر خود را می گذارد. ممکن است این شرایط به وجود بیاید که گروهی از دست اندرکاران نشر با مسوولان درباره مشکلات خود حرف بزنند تا مسوولان برای رفع مشکلات آنها قدمی بردارند. زمانی که هفته کتاب برای نخستین بار برگزار شد، کسی فکر نمی کرد که امروز این حجم از فعالیت را پیدا کند و بتواند بر نشر کشور اثر گذار باشد اما گذشت زمان ثابت کرد که این هفته، از یک نامگذاری صرف پا فراتر گذاشته است. بنابراین روز قلم هم به مرور جای خود را باز خواهد کرد و توسط مردم شناخته خواهد شد.

محمدرضا ترکی؛ شاعر

در آمد نوشتن، گاه به گاه است



دکتر محمدرضا ترکی، شاعر مجموعه های «فصل فاصله» و «هنوز اول عشق است»، مترجم نیز هست و تاکنون دو کتاب «یادداشت های زندان» و «تاریخ و تطور علوم بلاغت»

با ترجمه او منتشر شده است. از او همچنین مجموعه ای از مقالات و یادداشت ها با عنوان «پرسه در عرصه کلمات»، مجموعه مقالات «از واژه تا صدا» و پژوهشی با عنوان «پارسای پارسی» به چاپ رسیده است. ترکی در گفت و گوی زیر به مسئله اقتصاد نویسندگی پرداخته است.

آیا در کشور ما می توان به نویسندگی و شاعری به عنوان یک شغل اصلی نگاه کرد؟

اگر نویسندگی و شاعری در کشور ما منفعتی هم داشته باشد، گاه به گاه است و نمی توان روی آن حساب کرد. دلیل آن هم روشن است؛ وقتی شمارگان آثار ادبی پایین باشد و از نظر اقتصادی سرمایه قابل توجهی در بازار نشر در جریان نباشد، طبعاً نمی شود انتظار داشت که شاعر یا نویسنده بتواند روی درآمد این مشاغل تکیه کند. البته هستند نویسندگان یا شاعرانی که کارشان بازار خوبی دارد و برایشان صرفه اقتصادی دارد اما تعداد آنها زیاد نیست. اگر بازار نشر آنقدر رونق پیدا کند که بتوان با درآمد نوشتن زندگی کرد، می توان به همین یک شغل بسنده کرد اما در شرایط فعلی شاید عاقلانه نباشد که کسی سال ها برای نوشتن یک کتاب یا انجام یک تحقیق وقت بگذارد، در حالی که قادر به تامین نیازهای روزانه خود نباشد.

در مورد شعر به طور خاص، شاعرانی هستند که شعرهایی را که از احساس و روحشان می تراود، برای مخاطبان حرفه ای می گویند اما در کنار آن در زمینه تصنیف و ترانه هم فعالند و معاش خود را از آن طریق تامین می کنند. خوشبختانه در ترانه و تصنیف، سرمایه بیشتری جریان دارد و اگر ترانه های شاعری مورد توجه قرار بگیرد، می تواند درآمد قابل اعتنايي کسب کند. تنها از همین راه است که می توان به شاعری به عنوان تنها شغل زندگی بسنده کرد. البته این حرف به این معنا نیست که همه ترانه ها با نگاه انتفاعی سروده می شوند!

ادامه در صفحه ۱۱



که تنها از همین راه ارتزاق کند. یعنی هیچ کس نمی تواند تنها از طریق نوشتن کتاب، معاش خود را تامین کند یا شغل اصلی اش نویسندگی، شاعری یا مترجمی باشد. البته بعضی این توانایی را دارند که هم کتاب تالیف کنند، هم ترجمه کنند و هم در حوزه تخصص خود، کار ویراستاری انجام دهند. تنها در این صورت است که می توان از طریق نوشتن و کارهای مرتبط با آن درآمد بهتری کسب کرد. این افراد در خانه خود کار می کنند و ناچار نیستند برای تامین درآمد کافی، شغل های دوم و سوم داشته باشند. اما تعداد این افراد کم است. بنابراین بیشتر نویسندگان ما نمی توانند فقط نویسنده باشند و باید در کنار آن کارهای دیگری هم برای تامین زندگی خود انجام دهند.

دلیل کم بودن درآمد نویسندگی چیست؟

یکی از مسائل، پایین بودن شمارگان کتاب و در نتیجه آن، حق التالیف نویسندگان است. هیچ کس نمی تواند با این حق التالیف های اندک زندگی کند. از طرف دیگر، وقتی کتابی برنده یکی از جوایز کتاب می شود، از آن تقدیر صورت می گیرد و جایزه ای هم به آن می دهند اما بعدرهای شود و برای شناساندن آن به مردم کاری انجام نمی شود. بسیاری از کتاب های برنده جایزه، به دو هزار نسخه چاپ اول محدود شده اند و کمکی به نویسنده یا ناشر آنها نمی شود. در حالی که می توان این کتاب ها را در اختیار کتابخانه های مدارس یا دانشگاه ها گذاشت تا از این طریق مخاطبان بیشتری پیدا کنند. از طرف دیگر، می توان با تبلیغ مجانی یا ارزان کتاب های برنده جایزه، زمینه را برای معرفی به مردم فراهم کرد تا در نهایت به چاپ های بعدی برسند و به طور خودکار روی بالاتر رفتن درآمد نویسندگان هم اثر بگذارد اما

اما مثلاً در کشور سوئد، یک مترجم بابت ترجمه یک کتاب از فارسی به سوئدی، ۴۰۰ هزار کرون سوئد دستمزد می گیرد که بیش از ۴۰ میلیون تومان ماست! یکی از کتاب های پرفروش در آن کشور سه و نیم میلیون نسخه فروش داشت. این در حالی است که سوئد فقط هفت میلیون نفر جمعیت دارد! در کشورهای دیگر حق کپی رایت خوبی به نویسندگان پرداخت می شود و می توانند درآمد خوبی داشته باشند و به یک شغل بسنده کنند. اما در کشور ما متأسفانه چنین شرایطی وجود ندارد و به نویسندگی باید به مثابه شغل دوم نگاه کرد.

نادر قدیانی؛ ناشر

کتاب های برنده را رها نکنیم



نادر قدیانی، مدیر موسسه انتشارات قدیانی و از فعالان نشر حوزه کودک و نوجوان است. انتشارات قدیانی تاکنون در سال های ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴ عنوان ناشر نمونه کشور را از خود کرده

است. این موسسه عناوینی مانند ناشر بر گزیده چهارمین نمایشگاه بین المللی آثار تصویرگران کتاب کودک و ناشر بر گزیده سومین جشنواره کتاب قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را نیز در کارنامه خود دارد. وی به مناسبت روز قلم، به پاسخ در مورد اقتصاد نویسندگی پرداخته است.

آیا در کشور ما می توان به نویسندگی به عنوان تنها شغل زندگی نگاه و فقط از طریق آن زندگی کرد؟ حداقل در سی سالی که به دلیل کار نشر ارتباط تنگاتنگی با نویسندگان دارم، نویسندگی را ندیده ام

نویسنده، شاعر یا مترجم حرفه ای بودن - به آن معنا که تنها منبع درآمد زندگی باشد - در کشور ما به رویایماند. پایین بودن شمارگان کتاب، اندک بودن درآمد این اقشار را در پی دارد و نتیجه این می شود که نوشتن، تنها شغل آنها نیست. بسیاری از این افراد برای گذران زندگی ناگزیر به انجام کارهایی می شوند که در برخی موارد کوچک ترین ارتباطی با رشته یا حوزه کاری آنها ندارد. این موضوع البته چندی است که مورد توجه نهادهای فرهنگی قرار گرفته است. به مناسبت ۱۴ تیر ماه که در تقویم ها به عنوان روز قلم نامگذاری شده است، از برخی دست اندرکاران نشر پرسیده ایم که چرا نمی توان به نوشتن به مثابه تنها شغل زندگی نگاه کرد و آیا تنها نامگذاری روزی برای قلم، کافی است؟

فرزاد فرید؛ مترجم

نویسندگی به مثابه شغل دوم

فرزاد فرید کتاب های زیادی را ترجمه کرده اما بیشتر از همه به خاطر ترجمه مجموعه «هنک سگ گاوچران» نوشته «جان آر. اریکسون» مشهور است که تاکنون ۱۷ جلد از آن با ترجمه



او منتشر شده است. مجموعه سه جلدی نیروی اهریمنی اش، هابیت، سه گانه ادی دیکنز، پل شکسته، گفت و گو با آل پاچینو، کنت کارلشتاین و... از دیگر ترجمه های او است. این مترجم در گفت و گوی زیر از نویسندگی به مثابه شغل سخن گفته است.

به نظر شما در جامعه ما نمی توان به نویسندگی، شاعری یا مترجمی به مثابه تنها شغل زندگی نگریست؟

نخستین مساله این است مراحل پیش از چاپ یک کتاب طولانی است و نویسنده یا مترجم نمی تواند برای درآمد آن برنامه ریزی مالی کند. مساله دوم این است که شمارگان کتاب در کشور ما پایین است و متأسفانه کتابخوانی هم در وضعیت مساعدی قرار ندارد. بنابراین طول می کشد تا یک کتاب به بازده مالی برسد. حق التالیف در کشور ما به صورت در صدی از پشت جلد تعیین می شود وقتی شمارگان پایین باشد، درآمد کمتری هم نصیب نویسنده یا مترجم می شود. در مورد ترجمه به طور خاص مساله ای وجود دارد و آن هم رعایت نشدن کپی رایت در کشور ماست. به همین دلیل، وقتی مترجمی شروع به ترجمه کتابی می کند، نمی داند که آیا این کتاب توسط شخص دیگری در حال ترجمه است یا خیر. این مساله به کار همه مترجمانی که یک کتاب مشترک را ترجمه کرده اند ضربه می زند. بیشتر مترجمان در تمام طول سال در حال کار کردند اما به خاطر دلایلی که بر شمردم، درآمد ثابتی ندارند و ناچارند کارهای دوم و سومی هم داشته باشند.

نامگذاری روزی به نام قلم چه اثراتی دارد؟

تجربه ثابت کرده است که نامگذاری روزها فایده چندانی ندارد. باید در مورد شمارگان کتاب و ارتقای کتابخوانی در جامعه کارهای بیشتری انجام داد. من با برخی نویسندگان و مترجمان کشورهای دیگر صحبت کرده ام. آنها هر روز برنامه ثابتی برای نوشتن دارند چون از نظر مالی تامین هستند از طرف دیگر، یک مترجم در کشور ما ممکن است برای ترجمه یک کتاب نهایتاً یک میلیون تومان حق الترجه بگیرد



چند گام با روزهای سخت یک ویزیتور و موزع کتاب

حرف هایم را چاپ کنید، حمایت می شوم؟



بندهای کفشش را محکم گره می زند و از پله های سنگی مشرف به حیاط قدیمی خانه اش بلند می شود. به آسمان نگاهی می کند و در دل می گوید «الهی به امید تو». مرد خانه، با توکل به خالق رزاق از خانه خارج می شود. امروز هم یک روز دیگر است و او می رود دنبال روزی زن و بچه اش. اگر چه نمی داند در صفحه امروز کتاب زندگی اش چه داستانی نوشته شده است، اما حکایت کسب و کار حلال برای او داستانی جذاب از کتاب زندگانی است، داستانی که گرچه هر روز تکرار می شود، اما هرگز تکراری نمی شود.

او خود را با عجله مقابل کتابفروشی های خیابان انقلاب تهران می رساند، در حالی که همسرش، نوای مهربانی پدر را در گوش «ابوالفضل» سه ساله؛ یکی یک دانه بابا؛ زمزمه می کند.

حکایت افراد هنگامی که در چرخه تولید، انتشار و توزیع کتاب کشورمان بار سنگینی را بر دوش می کشند، داستانی شنیدنی است. اینان، کسانی اند که کمتر از آنها نامی برده می شود و شاید بسیاری از ما و حتی کتابخوانان حرفه ای نیز هنگام مطالعه یک اثر مکتوب، به چنین دست اندرکارانی نیندیشیم. عارفی روشن ضمیر می گوید: «جای پای هیچ ابری در آسمان دیده نمی شود؛ از گیاهان زمین سراغ ابر را بگیر!»

جوانی ۲۰ ساله که به هزار و یک دلیل فرصت نکرده مدارج علمی بالا را طی کند و هنوز مهر «دیپلم ردی» بر کارنامه تحصیلی اش باقی مانده، با یک بغل انگیزه در راستای خیابان انقلاب دنبال یک لقمه نان حلال می گردد، آن هم از طریق ویزیتوری یا همان بازاریابی کتاب.

مهدی قاسمیان بعد از مدت ها کار کردن در چاپخانه شوهر خواهرش، آن روزها یعنی اوایل سال ۱۳۸۰ به حرفه ویزیتوری کتاب روی آورد. خودش می گوید: «البته پیش از این، به نوعی پخش کتاب غدیر را در دست داشتم و بیشتر کتاب های دفتر نشر معارف اسلامی را توزیع می کردم. اما پس از مدتی امتیاز آن به نشر بامداد کتاب واگذار شد و»

این گونه بود که مجبور به یادگیری کار ویزیتوری کتاب شد. از صبح تا شب ویزیتوری می کرد و دمای غروب، کتاب های مورد پسند مغازه ها را به آنها تحویل می داد. سفارش های مشتریان شهرستانی سرگردان در خیابان انقلاب تهران را هم می پذیرفت و کتاب هایشان را از طریق باربری ها برایشان می فرستاد.

البته آن روزها - به قول خود قاسمیان - کار پخش و ویزیتوری کتاب سخت تر از الان بود، اما درآمد بهتر!

خودش می گوید: «آن زمان مثل حالا نبود که هر پخش کننده ای ماشین داشته باشد. ما مجبور بودیم با چرخ دستی حجم زیادی از کتاب ها را جابه جا کنیم. حقوق و درآمدان هم کمتر بود، اما شاید تورم به گونه ای بود که با همان درآمد نیز راحت تر از حالا دخل و خرج را جور می کردیم.»

او لابه لای حرف هایش می گوید که آن موقع بیمه هم بوده است و حالا با حلوا حلوی بیمه شدن در آینده، تنها دهان شیرین می کند، و گرنه از بیمه و دفترچه بیمه و محاسبه ایام زحمتکشی برای سابقه کار و در نهایت بهره مندی از مزایای بیمه نظیر بازنشستگی، خبری نیست!

او مثل خیلی از ویزیتورهای دیگر، خوشحال است که به اصطلاح درصدی کار می کند. این را که

می گوید، با خود می اندیشم بنابراین، ویزیتورهایی که مثل او نیستند و با حداقل حقوق - چیزی در حدود ۱۵۰ هزار تومان در ماه - چگونه روزگار می گذرانند؟

داستان وارد شدن مهدی قاسمیان به حرفه کتاب، حکایت ساده ای است. «سال ۸۰ که در چاپخانه دامادمان کار می کردم، او پیشنهاد داد با کمک هم مرکز پخش بزینم! به من هم گفت که بالای سر کار باشم، اما بعد از مدتی نمایندگی پخش کتاب واگذار شد و ما هم با کارفرمای جدید به کار ادامه دادیم. به چاپخانه هم برگزیدیم چون چاپخانه در قم بود و من دوست داشتم در تهران کار کنم.»

حضور تقریباً هشت ساله این پخش کننده باعث شده تا مورد اعتماد باشد و نمایندگی آثار بامداد کتاب در نمایشگاه های استانی را نیز برعهده بگیرد. اگر چه این کار باعث می شود تا حدودی درآمدش بالا برود، اما گاهی او مجبور می شود برای رفتن به شهرهای مختلف، دوری ۱۰ تا ۱۵ روزه ابوالفضل را تحمل کند.

«اگر بتوانیم در همه نمایشگاه های استانی شرکت کنیم، خوب می شود، اما ما فقط به برخی نمایشگاه ها می فرستند. آنجا که می رویم، باید اجاره مکان، هزینه رفت و آمد، خوراک و باربری و هزار و یک چیز دیگر را بپردازیم. کمتر پیش می آید که شرایط خوبی فراهم شود. به یاد می آورم که تنها، در نمایشگاه عسلویه هزینه اقامت برعهده برگزارکننده نمایشگاه بود.»

از قاسمیان می خواهیم که قدری از حرفه پخش کتاب فاصله بگیرد و بیشتر از کار ویزیتوری یا بازاریابی کتاب حرف بزند. می گوید: «تا چند سال

قدری نگرانم و احساس خطر می کنم. بیمه که نیستم، وضعیت کتاب هم به گونه ای خاص است. هرچه می گذرد، مبلغی روی کتاب نمی آید که درصد ما هم بالاتر برود

می پرسم: چرا دنبال بیمه شدن نیستی؟ می گوید: «خودم که فرصت و امکانش را ندارم. کسی هم بیمه ام نمی کند. صبر می کنم. به من قول داده اند که اگر شرایط فراهم شود، مرا بیمه خواهند کرد.»

هر کاری شرایط خاص خودش را دارد و به طور طبیعی بسیاری از افراد از کار خودشان گله مندند و گاهی هم دلایل قانع کننده ای دارند. قاسمیان در این باره می گوید: «همین قدر بس است که بگویم هرگز حاضر نیستم پسرم مثل من در این کار بیاید. بعد از هشت سال در همان حد ویزیتور صفری یا تازه کارم. اصلاً کار ما طوری است که تجربه در آن لحاظ نمی شود. تجربه، کاربرد دارد، اما بازار کار به گونه ای است که برای تجربه ما ارزشی قائل نمی شوند. حتی اگر ۳۰ سال هم سابقه کار داشته باشیم، باز هم به راحتی فرد تازه کاری را با ۱۰۰ هزار یا ۱۵۰ هزار تومان حقوق به جای ما می گذارند.»

بازار کتاب و کسادی و رونق آن بر کار ویزیتورها و پخش کنندگان تاثیر زیادی دارد. برای همین برنامه هایی نظیر نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، یکی از بهترین فرصت ها برای آنان است. «به یقین همین طور است. روزهای نمایشگاه، عید ماست. اصلاً هر وقت فروش ما خوب باشد، عید ما می شود. این طوری ما هم سرمان جلوی زن و بچه مان بالاست.»

قاسمیان الان ۲۸ سال دارد و با انرژی کار می کند. به قول معروف یک سردارد و هزار سودا، تلفن همراهش مرتباً زنگ می خورد و افراد حوزه کتاب به دنبال اویند، اما وقتی شرایط مساعد و بیمه ای در کار نباشد، او نیز حق دارد کمی درباره روزگاری که موهایش سپید می شود، نگران باشد. «با وضعیتی که داریم، قدری نگرانم و احساس خطر می کنم. بیمه که نیستم، وضعیت کتاب هم به گونه ای خاص است. هرچه می گذرد، مبلغی روی کتاب نمی آید که درصد ما هم بالاتر برود. میزان عرضه و تقاضا هم برابر نیست.»

قاسمیان حالا، آرزوهایش را مرور می کند: «تا حالا فکر نکرده ام که یک نویسنده بشوم. البته دوست داشته ام ناشر شوم اما چون مدرک لیسانس ندارم، امکانش نیست. اگر هم روزی قلم به دست بگیرم و داستان زندگی ام را بنویسم، بیشتر شبیه سفرنامه می شود تا زندگی نامه چون من در طول سال مرتباً در سفرم.»

از او می پرسم: «حالا که هیچ اتحادیه یا تشکل خاصی ندارید، چه انتظاری از مسئولان فرهنگی دارید؟»

می گوید: «چه بگویم! ما نیاز به حمایت داریم. ما ویزیتورها و کارگران حوزه پخش، همه به حمایت نیاز داریم. یعنی وقتی حرف هایم را چاپ کنید، از ما حمایت می کنید؟»

آن قدر به ساعتش نگاه می کند و جواب تلفن همراهش را می دهد که حس می کنم نباید بیش از این مزاحم کارش شوم. با او خدا حافظی می کنم اما با دنیای پر زحمت و پرامیدش هرگز!

می روم و به او می اندیشم؛ به او و ابوالفضل سه ساله اش، بی تردید، تامین آینده او تامین زندگانی همسر و پسرش هم خواهد بود. قلم به دست می گیرم و پشت میز، حکایت بابای ابوالفضل را می نویسم. او که در کوچه و خیابان با کتاب در طلب روزی سفر می کند. شاید، یک روز خود ابوالفضل قلم به دست بگیرد و حکایت بنویسد! زندگی نامه که نه، سفرنامه پدرش را.

تقسیم‌بندی تخصصی ناشران

حدود دو ماه از پایان بیست و دومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران می‌گذرد، اما گستردگی این نمایشگاه سبب شده تا بسیاری از ناشران و فعالان حوزه نشر در صحبت‌هایشان گاه و بیگاه نظرانی را درباره آن مطرح کنند. این صحبت‌های حاوی انتقاداتی است و گاهی هم پیشنهادهایی را به مسئولان اجرایی نمایشگاه ارائه می‌دهند. کتاب هفته قصد دارد در ستونی ثابت این ایده‌ها و نظرات کارشناسانه را درباره نمایشگاه کتاب تهران، گردآوری و منعکس کند. به این ترتیب، در هر شماره در همین ستون پیشنهادهای فعالان حوزه نشر را منعکس خواهیم کرد.

مدیر انتشارات مولی اعتقاد دارد که موضوعات فرهنگی، نیازمند تصمیماتی فرهنگی است و تصمیم‌های مکانیکی را بر نمی‌تابند. وی، این مقدمه کوتاه را به دلیل ذکر می‌کند که نمی‌توان تعریف‌هایی مانند تعداد کتاب را معیارهای دقیق و علمی برای تخصیص فضا به ناشران دانست. حسین مفید در توضیح بیشتر می‌گوید: «کتاب «مفاتیح الغیب» صدر حاوی بیست و پنج و ۱۲۰۰ صفحه است. این که این کتاب در یک مجلد و شمارگان ۳۰۰۰ نسخه چاپ شود با آن که در دو نوبت و شمارگان ۱۵۰۰ نسخه‌ای، به طور قطع متفاوت خواهد بود. هیچ‌یک از این دو روش چاپ و ارائه بر دیگری برتری ندارد و دارای ارزش فرهنگی همسان است. حال آن که اگر ناشری به روش دوم عمل کند، مکان وسیع‌تری در نمایشگاه کسب خواهد کرد.»

وی ادامه داد: «نشر کتب مرجع از دشواری بیشتری نسبت به کتب روز برخوردار است و بازده کمتری نیز دارد. بدین ترتیب، این آثار و ناشران آنها نیازمند بذل توجه ویژه‌اند؛ بدون این که ناشران کتب روز قدرتشان مخلدوش شود.» مفید مجدداً سخن ابتدایی خود را در زمینه امتناع از تصمیمات مکانیکی بر حوزه‌های فرهنگی یادآوری می‌کند و می‌گوید: «اتفاق لفظ انباری به آثاری که بیش از سه سال از تاریخ نشرشان می‌گذرد بدون توجه به نوع و موضوع کتاب ارزشگذاری مکانیکی است.» او در نهایت پیشنهاد می‌دهد که بهتر است در نمایشگاه آتی به سمت حذف تعرفه‌های مکانیکی پیش برویم.»

اما در این میان مهم‌ترین دغدغه‌اعظم کیان افراز (مدیر نشر افراز) نوع غرقه‌بندی نمایشگاه است. به باور مدیر این انتشارات، سیستم فعلی غرقه‌بندی و آرایش نمایشگاه به ترتیبی است که در هر صورت، عده‌ای منضرب می‌شوند. او در این مورد می‌گوید: «باید غرقه‌آرایی در نمایشگاه به ترتیبی باشد که همه ناشران از موقعیتی هم‌ارزش و یکسان برخوردار باشند. خوشبختانه فضای مصلا به عنوان فضای نمایشگاه کتاب جافا افتاده است. از دیگر سو، فضای نمایشگاه بسیار وسیع است. بنابراین، می‌توان با استفاده از فضاهایی که کاربری کمتری دارند، موقعیتی یکسان برای همه ناشران ایجاد کرد.» کیان افراز پیشنهاد دیگری را نیز در زمینه تقسیم سالن‌ها مطرح می‌کند: «تصور می‌کنم سالن عمومی شامل ناشرانی می‌شود که طیف موضوعی بسیار گسترده‌ای را پوشش می‌دهند که این امر سبب سردرگمی مخاطبان و بازدیدکنندگان می‌شود. برای برطرف شدن این نقیصه، می‌توان سالن‌های بیشتری بر مبنای موضوعات مختلف ایجاد کرد و ناشرانی را که بیشترین آثار چاپ‌شده‌شان درباره موضوع خاصی است، در سالن مرتبط جای داد.» او در مورد تعرفه تخصیص فضا مانند مدیر انتشارات مولی اعتقاد دارد که بهتر است مهم‌ترین تعرفه در تقسیم‌بندی فضا، کیفیت آثاری باشد که هر ناشر به بازار کتاب عرضه کرده است.



گسترش ارتباطات و تبدیل جهان به دهکده‌ای کوچک، مردم دنیا را وادار به دانستن زبانی مشترک کرده است. عدم آشنایی با این زبان، پیامدهای فراوانی همراه خواهد داشت که دور افتادن از علوم روز، یکی از اثرات مهم آن به حساب می‌آید. اهمیت مقوله آشنایی با زبان جهانی تا آنجاست که آموزش این زبان در نظام آموزشی و علمی هر کشور، جایگاه ویژه‌ای دارد. وزارت علوم و آموزش و پرورش در ایران در مقام نظام آموزشی کشور هم از این قاعده کلی مستثنی نبوده‌اند و آموزش زبان انگلیسی را که همان زبان مشترک جهانی امروز است در سرفصل برنامه‌های خود قرار داده‌اند. اما برنامه‌های آموزشی حوزه زبان خارجی، مانند هر رشته علمی ملزوماتی دارد که فرهنگنامه‌های لغت از آن جمله‌اند. البته تعداد این فرهنگنامه‌ها در قالب کتاب‌های مرجع کم نیستند که فرهنگنامه‌های پیشرو آریان‌پور یکی از آنهاست. نسل سوم این فرهنگنامه‌ها در قالب کتاب و CD به تازگی وارد بازار شده است. برای آشنایی بیشتر با این فرهنگنامه‌ها و ضرورت تدوین آنها با دکتر محمدامین شهرستانی، رئیس اتحادیه تولیدکنندگان نرم‌افزار و رسانه‌های دیجیتال و نایب رئیس مجمع شکل‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور به گفت‌وگو نشستیم.

در گفت‌وگو با محمد امین شهرستانی عنوان شد

هراس از نسخه‌های الکترونیکی فرهنگنامه‌ها

زبان استفاده کرده‌ایم. به همین علت است که در این مسیر به نتیجه نمی‌رسیم و معمولاً پایین‌ترین نمره‌ها در آموزش و پرورش و حتی دانشگاه‌ها مربوط به درس زبان خارجی است. همچنین علت عدم یادگیری زبان توسط افراد و تعداد محدود اشخاصی که زبان می‌دانند، استفاده از رسانه کاغذی در امر آموزش این رشته تخصصی است.

با خصوصیات که برای فرهنگنامه‌های الکترونیکی ذکر کردید، چه لزومی داشت که نسخه چاپی آنها را نیز تهیه کنید؟

از نظر ما اصلاً ضرورتی ندارد که با وجود نسخه‌های الکترونیکی فرهنگنامه‌ها و قابلیت‌های ویژه آنها از کتاب‌های چاپی استفاده کنیم، چرا که امروزه با وجود موبایل حتی نرم‌افزار هم خیلی قابلیت‌های نخواهد داشت و می‌توان تلفن همراه را جایگزین نرم‌افزار کرد. اما هنوز این تمایل در میان گروهی از مردم وجود دارد که کتاب چاپی مطالعه کنند. از این رو معتقدیم که باید تغییر ذائقه از کتاب سنتی به کتاب الکترونیکی به تدریج و با طی زمان اتفاق بیفتد.

آیا زیرساخت‌های این تغییر در کشور وجود دارد؟

با آمدن نسخه‌هایی مانند موبایل فرهنگنامه‌ها، دیگر صحبت از زیرساخت‌ها و مشکلات گذشته صحیح نیست. ما در کشور ۷۰ میلیون نفری، ۴۷ میلیون موبایل داریم که خودش سرمایه‌گذاری عظیمی در راستای الکترونیکی شدن مفاهیم است؛ یعنی بالای ۷۵ درصد جامعه ما از این وسیله بهره‌مند شده‌اند که بسیار پتانسیل ارزشمندی است. اما مشکل اساسی در امر فرهنگ، استفاده از این فناوری‌های نو است و باید در این راستا سرمایه‌گذاری شود. شما ببینید امروز چه استفاده‌های مفیدی از موبایل شده است؟ تا چه اندازه در امر آموزش از آن بهره‌گرفته‌ایم؟ چقدر در خدمات بانکی، کاهش سیستم اداری، ning، elear و mlearning استفاده کرده‌ایم؟ متأسفانه جواب همه این پرسش‌ها منفی است و باید بگوییم موبایل فقط وسیله قرار و مدار گذاشتن و انجام امور سطح پایین در جامعه است.

آیا با تبلیغ نسخه‌های الکترونیکی، کتاب‌های نوع سنتی فراموش نمی‌شوند؟

معتقدیم این دو نسخه هوری هم نیستند، بلکه مانند دوقلوهای به هم چسبیده، وجود هر دو مورد نیاز است. اما آنچنان که شاهدیم با وجود حمایت‌های جدی از کتاب‌های سنتی همچنان با پایین بودن سرانه مطالعه مواجهیم که شاید علت این مشکل در عدم تمایل نسل جوان به مطالعه کتاب‌های سنتی خصوصاً در امر آموزش باشد. امروزه در دنیای صنعتی‌ای که سرعت حرف اول را می‌زند و دانش‌آموزان در جست‌وجوی کپسول و آمپول متون آموزشی به جای مطالعه آنها هستند، کتاب‌های الکترونیکی جذابیت بیشتری دارند چرا که امر آموزش در این نوع کتاب‌ها ۳۰ تا ۴۰ درصد اثربخش‌تر از کتاب‌های سنتی است. همچنین در آموزش و پرورش که سالانه میلیاردها تومان هزینه صرف تولید کتاب‌های درسی می‌شود می‌توان از کتاب‌های الکترونیکی برای تقلیل بودجه‌های مصرف‌شده بهره‌گرفت.



در ترجمه لغات بالای ۹۰ درصد مثال به کار برده‌ایم و آنها کمتر از ۵ درصد ذکر مثال کرده‌اند. همچنین تفاوت‌هایی هم در مبنای کتابنامه‌های اصلی ما وجود دارند که آنها از shorter oxford 1960 و ما از new webster 1997 بهره‌گرفته‌ایم.

نسخه الکترونیکی و سنتی این فرهنگنامه‌ها چه تفاوتی با هم دارند؟

قیمت هر ورق کاغذ امروز ۱۷ الی ۲۰ تومان است. با توجه به این قیمت، فرهنگنامه‌های هفت جلدی ما ۷۹ هزار تومان قیمت دارند که این رقم با کمک یارانه‌های دولتی به ۶۵ هزار تومان تقلیل یافته است. در حالی که نسخه الکترونیکی همین فرهنگنامه‌ها با قابلیت‌های بسیار فراوان تنها ۳۰ هزار تومان است. اما تفاوت نسخه الکترونیکی و سنتی فرهنگنامه‌ها فقط به مباحث اقتصادی محدود نمی‌شود. هر فرد در طول یک روز اگر خیلی همت کند، می‌تواند تنها ۳۰۰۰ تا ۳۰۰۰ لغت را از دیکشنری کاغذی استخراج کند تازه آن هم با صرف انرژی فراوان برای جابه‌جا کردن چند جلد سنگین از این فرهنگنامه‌ها و این در حالی است که با استفاده از فرهنگنامه‌های الکترونیکی، بیش از ده هزار لغت در طول هر روز جست‌وجو می‌شوند. حالا اگر همین فرد بخواهد روند تحقیقش روی هر واژه را از روی نسخه کاغذی مستند کند، باید نسخه‌های کاغذی بسیاری را ثبت کند اما در نرم‌افزار به طور خودکار مسیر جست‌وجو ثبت می‌شود. همچنین اگر ناشر خیلی همت کند می‌تواند یک فرهنگنامه را تنها در دو رنگ منتشر کند، حال آن که در نسخه الکترونیکی می‌توان از رنگ‌های فراوان در کنار فیلم و عکس استفاده کرد. اما قابلیت‌های فرهنگنامه‌های الکترونیکی به همین موارد محدود نمی‌شوند و توانایی صداگذاری تلفظ‌ها از دیگر ویژگی‌های مهم آنهاست.

آیا استفاده از نسخه الکترونیکی فرهنگنامه‌ها در زبان‌آموزی هم تأثیر دارد؟

زبان‌آموزی فرآیند شنیدن گوش و تقلید توسط زبان است. ما معتقدیم زبان‌آموزی کاملاً با گوش اتفاق می‌افتد نه با چشم. ما در آموزش رسمی کشور به‌اشتباه رفته‌ایم و ابزارهای نامناسب برای آموزش

نسل سوم فرهنگنامه‌های پیشرو آریان‌پور با نسل اول و دوم آن چه تفاوتی دارد؟

امسال که یازدهمین سال فعالیت مادر حوزه تولید دیکشنری است، فرهنگنامه هفت جلدی پیشرو آریان‌پور را به بازار عرضه کردیم. نسل دوم این فرهنگنامه‌ها ۹ جلدی بود که با تلاش فراوان، یک جلد حاوی لغت‌های فراوان به آن اضافه شد. مبنای نسل سوم فرهنگنامه‌های پیشرو آریان‌پور به جای new webster 1997، new webster 2008 است که واژه‌های به روزتری در آن گنجانده شده است. این لغت‌ها در ۱۱ سال اخیر در دنیا استفاده می‌شدند و از جمله آنها می‌توان به ماهواره و ماکروویو اشاره کرد. اما فرق عمده این فرهنگنامه‌ها با فرهنگنامه‌های قبلی آن است که دکتر آریان‌پور با سلیقه خودش واژه‌گزینی نکرد و از فرهنگ‌های خارجی نیز بهره‌ای نبرد، بلکه وی با همکاری فرهنگستان علوم انسانی و ۲۰۰ کتاب نمونه نشر امروز زبان فارسی، لغت‌های جدید را استخراج کرد و به فرهنگنامه افزود. همچنین در تدوین این فرهنگنامه‌ها از کامپیوتر به عنوان فناوری جدید بسیار کمک گرفتیم و با ورود واژه‌ها در سیستم رایانه‌ای، به بسامدگزی برداختیم.

تفاوت بین این فرهنگنامه‌ها با فرهنگنامه‌های رقیب مثل oxford چیست؟

فرهنگنامه‌های oxford که متأسفانه زبان بریتانیایی‌اش هم در کشور وارد شده است فرهنگنامه‌هایی هستند که بدون رعایت حق کپی‌رایت منتشر می‌شوند. نشر این نوع فرهنگنامه‌ها علاوه بر اثرات مخربی که به اقتصاد کشور دارد، فرهنگ ما را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر در زبان‌آموزی دقت نشود، ورود زبان خارجی می‌تواند به عامل بزرگی برای استعمار کشور تبدیل شود چون کپی آکسفورد ترجمه فرهنگ خارجی در کشور است که ناخواسته فرهنگ‌های بیگانگان را به جوانان ما القا می‌کند. برای جلوگیری از بروز چنین خطر بزرگی، دکتر آریان‌پور در فرهنگنامه‌های پیشرو آریان‌پور با استفاده از مثال‌هایی فرهنگی در ترجمه واژه‌ها، همواره از فرهنگ و تاریخ ایران صحبت کرده است. ما از مسئولان و متولیان امور فرهنگی در کشور انتظار داریم که تولید فرهنگنامه‌ها را مورد حمایت قرار دهند تا این حرکت‌ها به بیراهه نروند.

آیا فرهنگنامه‌های دیگری هم با فرهنگنامه‌های پیشرو آریان‌پور رقابت می‌کنند؟

ما می‌توانیم درباره دو فرهنگنامه قدیمی در کشور صحبت کنیم؛ اولین آنها فرهنگ مرحوم حیم است. وی با پایه‌گذاری موسسه بروخیم، پیش‌تاز در امر فرهنگ‌نگاری سیستمی در کشور بود. این موسسه تا سال‌های اول انقلاب هم به فعالیت خود ادامه داد سپس فرهنگ‌های آریان‌پور توسط انتشارات امیرکبیر به بازار عرضه شد که بسار پرتیراژ بودند. در سال ۷۷ به عرصه ظهور فرهنگ‌نگاری در کشور پا گذاشتیم و فرهنگ شش جلدی را در روزهای آخر نمایشگاه کتاب آن سال عرضه کردیم. شاید جدی‌ترین رقیب ما همین فرهنگ‌های آریان‌پور نسل اول باشند، با این توضیح که میان این فرهنگ با فرهنگ‌های نسل بعد، اختلاف‌های فاحشی وجود دارند. یکی از این اختلاف‌ها آن است که ما

نگاهی به کتاب «گزیده مقالات و اخبار روزنامه های مهم درباره خلیج فارس»

بازتاب نیلگون خلیج فارس در مطبوعات دوره قاجار

می‌داند. روزنامه «اختر» نمونه شاخص این مقوله و نخستین روزنامه‌ای است که از سال ۱۲۹۲ در خارج از کشور منتشر می‌شده است.

بخش بعدی پژوهش نویسنده، بررسی مطبوعات چاپ آلمان است. آلمان یکی دیگر از کانون‌های مهم مطبوعات در مطالعات خلیج فارس به حساب می‌آید. جمال‌زاده، پور داوود، محمد قزوینی و مشفق کاشانی از جمله ایرانیانی بودند که مقارن با سال ۱۹۱۵ میلادی در آلمان به سر می‌بردند. در این دوره روزنامه «کاوه» مطالبی چند درباره خلیج فارس و لزوم توجه سیاستمداران ایرانی به این دریای پارسی را مطرح می‌کند. مجله «ایران‌شهر» نیز توجه خود را به فرهنگ و تمدن و همچنین توسعه آموزش و رفاه عمومی در خلیج فارس معطوف داشته است. این دست روزنامه‌ها به سبب اینکه توسط دانشمندان ایرانی نه صرفاً روزنامه‌نگاران پدید آمده‌اند، از نظر جنبه‌های تحلیلی ارزش بیشتری برخوردارند.

بخش پایانی تحقیق نویسنده، بررسی مطبوعات چاپ تهران است، زیرا آخرین جایگاه را می‌باید در پایتخت جست و جو کرد. روزنامه‌هایی چون «وقایع اتفاقیه»، «دولت‌علیه‌ایران»، «ایران» و «اطلاعات» نگرش رسمی حکومت را نسبت به مسائل خلیج فارس منعکس می‌کرده‌اند.

یکی از مباحث مهمی که در فرآیند شکل‌گیری کتاب در بنیاد ایران‌شناسی مورد توجه قرار گرفته، روشن‌تدوین آن است. به همین دلیل بخش پیوسته‌ها جایگاه ویژه‌ای را در آثار منتشر شده توسط بنیاد ایران‌شناسی به خود اختصاص داده و به دو قسمت توضیحات تکمیلی و فهرست تنظیم شده است. شیوه‌بررسی کتاب نیز یکی از بایسته‌های اصلی برای گردآوری مطالب است که در این کتاب با شیوه علمی در یک مجموعه، جامعیت قابل‌اعتنایی را درباره موضوعات ارائه می‌دهد. در پایان این مسأله یادآوری می‌شود که این پژوهش حاصل گردآوری بیش از ۲۰ هزار صفحه اطلاعات مربوط به خلیج فارس از میان روزنامه‌ها در مقاطع مختلف زمانی است.



ارائه می‌دهد.

مطبوعات چاپ خارج از ایران، کارهای بعدی نویسنده کتاب است که غیر از حبل‌المتین از دیگر کانون‌های مطبوعات فارسی زبان خارج ایران مانند مصر یاد می‌کند؛ سرزمین مصر در انتقال تمدن اروپایی به جهان اسلام و ایران پیشگام است. «حکمت ثریا»، «پروش»، «چهره‌نما»، «کمال»، «رستاخیز» و «سودمند» از جمله روزنامه‌های معتبر و مشهور مصر به شمار می‌آید.

وجود سید جمال‌الدین اسدآبادی در هند و نسل نواندیش مسلمان مانند شیخ محمد عبده، محمد رشید رضا و عبدالرحمن الکوکی که حاصل تفکرات آنها در روزنامه‌های «عروه‌الوقفی»، «الوقایع المصریه»، «المنار» و «فترات» به زبان‌های عربی درج می‌شد، تأثیر عمیقی بر اندیشه فارسی‌نویسان مصر گذاشته است. نویسنده گذشته از مصر، استانبول را نیز از کانون‌های با اهمیت روزنامه‌های خارج از ایران

به سرعت از پای درمی‌آمدند، نقش بسیار مؤثر و مفیدی ایفا کرده است. حبل‌المتین را می‌توان آینه تمام‌نمای تحولات و اخبار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خلیج فارس دانست.

نویسنده معتقد است مطالعه تاریخ خلیج فارس، در سال‌هایی که حبل‌المتین به چاپ می‌رسید، بدون بررسی مطالب این روزنامه چندان مقرون به واقعیت نخواهد بود، زیرا آثار قلمی اندیشمندان نواحی بوشهر، بندرعباس و بندرلنگه با عنوانی چون «مکتوب از بوشهر»، «مکتوب از بندرعباس» و... در روزنامه حبل‌المتین منعکس شده است. پژوهشگر این کتاب بعد از روزنامه حبل‌المتین به مطبوعات بومی می‌پردازد، زیرا مطبوعات چاپ فارس و جنوب در این زمینه از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. در میان شهرهای ایالت فارس، طی دوران قاجاریه و پهلوی اول، دو شهر شیراز و بوشهر در امور سیاسی و فرهنگی، از جمله توجه به انتشار مطبوعات، همت و تلاش بیشتری به خرج داده‌اند.

در این کتاب، آمار روزنامه‌های شیراز در دوره ناصرالدین شاه مورد تحلیل قرار می‌گیرد زیرا شمارگان روزنامه‌های فارسی در این دوره میان پانصد تا هزار نسخه بوده است. اهمیت شیراز در تاریخ مطبوعات ایران از آنجا مشخص می‌شود که پس از تهران و تبریز سومین شهری بود که روزنامه در آن به چاپ می‌رسید. محقق، در این کتاب روزنامه «مظفری» چاپ بوشهر را از جمله مطبوعات ارزشمند خطه جنوب می‌داند که می‌توان در مطالعات مربوط به خلیج فارس از آن بهره‌گیری کرد. مظفری مقارن با جنبش مشروطه خواهی در ایران به چاپ رسیده و اطلاعات بسیار ارزنده‌ای درباره تاریخ انقلاب مشروطیت در فارسی به دست می‌دهد.

تدوینگر کتاب در میان مطبوعات چاپ فارس به روزنامه «استخر» می‌رسد. این روزنامه به مدت ۳۰ سال به چاپ رسیده و حکایت از تلاش و همت بنیان‌گذار آن سیدحسین استخر دارد. این روزنامه انبوهی از اطلاعات و اخبار مربوط به خلیج فارس را به خواننده

«گزیده مقالات و اخبار روزنامه‌های مهم درباره خلیج فارس» عنوان کتابی از مجموعه اسناد و مدارک خلیج فارس است که رویدادهای تاریخی خلیج فارس را در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ خورشیدی بررسی می‌کند. این کتاب به کوشش بنیاد ایران‌شناسی منتشر شده و امیر هوشنگ انوری، زیر نظر حسن حبیبی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی آن را تدوین کرده است.

بررسی روزنامه‌های قاجار درباره خلیج فارس، پژوهشی گسترده، جامع و روشمند در مطبوعات فارسی زبان است و گستردگی کار از آن روست که بیشتر روزنامه‌های فارسی زبان و مطبوعات مهمی که در داخل و خارج از ایران طی سال‌های ۱۲۵۳ تا ۱۳۲۰ منتشر شده، از نخستین شماره آن مورد مطالعه قرار گرفته است.

سید حسن شهرستانی، معاون پژوهشی بنیاد ایران‌شناسی معتقد است که این کتاب نخستین پژوهش از نظر وقایع‌نگاری تاریخی، شناخت فرهنگی و جامعه‌شناسی، تاریخ تحولات اقتصادی، بازشناخت پدیده استعمار در منطقه، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی حاکم بر خلیج فارس است و چگونگی انتخاب، تدوین و ایجاد نظم منطقی و هماهنگی نوشته‌های فراوان و گوناگون که بیش از ۹۲۰ مطلب از مطبوعات مختلف را در بر گرفته نیز نشان از روشمند بودن کتاب دارد.

مطبوعات فارسی زبان در دوره مورد مطالعه، حضور بسیار پررنگی در عرصه اجتماع، سیاست و اقتصاد ایران داشته و خلیج فارس نیز با توجه به اهمیت آن صفحاتی از روزنامه‌ها را به خود اختصاص داده است. گردآورنده این کتاب روزنامه‌ها یا کانون‌های مطبوعاتی را با توجه به کمیت و کیفیت مطالب آن‌ها نسبت به خلیج فارس، طی دوره زمانی مورد نظر در پنج بخش دسته‌بندی می‌کند و نخست به روزنامه «حبل‌المتین» می‌پردازد. حبل‌المتین از جمله روزنامه‌های نادری است که در کلکته هند منتشر شده و یکی از کانون‌های بزرگ و مهم اطلاع‌رسانی در جهان روزگار خود بوده است. این روزنامه ۲۷ سال در تاریخ مطبوعات فارسی زبان، در ایامی که روزنامه‌ها چون قارچ می‌رویدند و

بررسی اسناد تاریخی بندرعباس در دوره صفویه

«بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندرعباس» عنوان کتابی از مجموعه اسناد و مدارک خلیج فارس است که اسناد تاریخی بندرعباس را در یک فاصله صدساله بررسی می‌کند. این کتاب تاریخی، پژوهش و تحقیق دکتر حسن حبیبی و محمدباقر وثوقی است که به کوشش بنیاد ایران‌شناسی منتشر شده است.

تاریخ بندرعباس از آغاز شکل‌گیری این بندر در دوره صفویه مورد توجه قرار گرفته است و شاه‌عباس در تبدیل یک نقطه کوچک به یک منطقه سیاسی، تجاری و اجتماعی و ایجاد شهری به همین نام سهم مهمی داشته است. رونق و انحطاط این منطقه در این دوره مقدمه‌ای برای شناختن تحولات بعدی آن در دوره قاجاریه است. البته فاصله سقوط اصفهان و برآمدن حکومت قاجار نیز به عنوان دوره واسطه باید مدنظر قرار گیرد.

پژوهشگر در این کتاب نکات عمده تاریخی دوره صفویه و پس از آن به عنوان دوره ایجاد و انحطاط، بندرعباس را پیش از دوره قاجار مورد بررسی قرار می‌دهد. پژوهش اصلی کتاب مربوط به گزارش اوضاع بندرعباس در دوره قاجار است. در این دوره، حضور قدرت‌های خارج از منطقه با مسائل مربوط به بندرعباس در مرحله پیش از دوره ناصری و حوادث و وقایع مرحله بعد یعنی ناصری و مظفری را دربر می‌گیرد. با نگاهی گذرا به کتاب می‌توان دریافت که بیشتر اسناد کتاب مربوط به مرحله دوم و دوره قاجار است. پژوهشگر این کتاب معتقد است که بررسی اسناد همراه با آوردن متن اسناد تاکنون کمتر مورد توجه بوده است؛ به ویژه در مواردی که منابع تاریخی و مشاهدات معاصران ثبت

و ضبط نشده و اسناد منتشر شده با شرح و وقایع تاریخی و اوضاع و احوالی که اسناد در متن آن موقعیت‌ها شکل گرفته‌اند توأم نبوده باشند. شیوه تدوین کتاب نیز در این پژوهش، روش مبتنی بر بررسی اسناد و مدارک و تحقیق کتابخانه‌ای است که در گزارش تاریخی از دوران قاجاریه گفته می‌شود. نویسنده کتاب منابع مربوط به دوره قاجار را در مواردی که با منابع و مطامع بیگانگان تلافی پیدا می‌کند قابل اعتماد نمی‌داند و نمی‌توان به گفته‌های آنها و مستنداتشان اطمینان داشت، زیرا بیگانگان درباره اسناد و مدارک مربوط به وقایع، حوادث، توصیف و تحلیل آنها در بیشتر اوقات گزینشی عمل می‌کنند.

محقق این کتاب باورمند است که اگر بتوان اسناد کافی بومی مربوط به وقایع هر دوره را به دست آورد بهترین راه برای رسیدن به واقعیت، بررسی داده‌ها و سپس توصیف و تحلیل آنها خواهد بود. پایه و مایه پژوهش این کتاب گردآوری و طبقه‌بندی اسناد است. این اسناد با گردآوری آمار و ارقام مربوط به واردات و صادرات بندرعباس و چند بندر دیگر جنوب ایران معنی‌دارتر شده است. هدف و غرض اصلی نویسنده بهره‌گیری از این اسناد برای پژوهش و بررسی تحولات آن دوره تاریخی بوده است.

این کتاب تاریخی به پنج بخش اصلی و اساسی تقسیم شده و دربرگیرنده زیر فصل‌هایی است. نویسنده در بخش نخست کتاب به شکل‌گیری بندرعباس در زمان شاه‌عباس اول تا پایان دوره صفوی می‌پردازد و رویدادهای تاریخی بندرعباس در دوره صفویه از زمان شاه‌عباس تا سقوط اصفهان و از سقوط اصفهان تا روی کار آمدن قاجاریه را مورد تحلیل قرار می‌دهد.

قسمت دوم که بخش اصلی کتاب از جهت توصیف و تحلیل تاریخی است، دارای یک مقدمه و دو فصل است و در آن به موقعیت بندرعباس و تحولات آن در دوره قاجاریه، به ویژه حدود صد سال مابین ۱۲۲۷ تا

۱۳۲۱ هجری قمری می‌پردازد. در مقدمه این بخش چگونگی حضور بیگانگان و رقابت آنان با یکدیگر در خلیج فارس و نقش بنیادی انگلیس در این حضور و اعمال نظرات سودجویانه، سیاسی و اقتصادی و در نتیجه استعمار انگلیس مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

در فصل اول بخش دوم کتاب، تحولات بندرعباس در دوره آغامحمدخان، فتحعلی‌شاه و محمدشاه مدنظر است و فصل دوم به دوره‌های ناصری و مظفری می‌پردازد. دوره ناصری بیشترین قسمت فصل دوم و توصیف و تحلیل بسیاری از اسناد را در بر می‌گیرد. بخش سوم کتاب شامل بحث یا ملاحظات منشوری یا چند وجهی درباره اسناد کتاب است که در چهار فصل مسائل زبانی، ادبی، بررسی اسناد از منظرهای مدیریتی، حاکمیتی و روابط خارجی ایران به شرح وقایع تاریخی بندرعباس می‌پردازد.

نویسنده در بخش چهارم کتاب به اصل اسناد می‌پردازد. در این بخش ۳۹۷ سند از منابع مختلف گردآوری شده است که اساس توصیف‌ها و تحلیل‌های بخش دوم کتاب را در بردارد. به این صورت که در ابتدای هر سند، شناسنامه سند آمده و سپس متن سند ارائه می‌شود.

بخش پنجم کتاب نیز دربردارنده پیوست است که باید خواننده از آنها مطلع باشد تا بتواند با بهره‌گیری از آنها از کتاب استفاده بیشتر کند. شرح حال اشخاص، اصطلاحات و مفاهیم مربوط به مسائل خلیج فارس، دریافتی‌های گمرکی بندرعباس و کمپانی هند شرقی، پلان‌های کاروانسراهای مسیر بندرعباس و شیراز، فهرست سال‌شمار اسامی حکام و شه‌بندرها، بندرعباس در دوره صفویه، فهرست صادرات ابریشم از ایران توسط کمپانی هند شرقی انگلیس و هند و فهرست و لیان فارسی در دوران قاجار از جمله پیوست‌های این کتاب است.

اسامی اشخاص و مکان‌ها، فهرست اعلام کتاب را تشکیل می‌دهد که پایان بخش این کار پژوهشی و تحقیقی است.



سایر محمدی

محمد حقوقی به عنوان شاعر بلا فصل نسل بعد از نیما، منتقد برجسته کشور، عصر دوشنبه هشتم تیرماه در سن ۷۲ سالگی به علت عارضه قلبی و نارسایی کلیوی چشم از جهان فرو بست. وی پس از انتشار دو مجموعه شعر به نام «زویا و مدارات» و «فصل های زمستانی» از اصفهان به پایتخت نقل مکان کرد. در این ایام، با شناختی که از تئوری های ادبی و نقد و نظریه ادبیات جهان داشت، در کنار خلاقیت و هوش سرشارش، مسیر سروده های خود را از شعر کلاسیک به شعر نیمایی و سپید تغییر داد. حقوقی با چاپ کتاب «شعر نو از آغاز تا امروز» بهترین شعرهای شاعران کشور را گلچین کرد تا معیاری برای معرفی شعر نو و شعر سپید معاصر به دست داده باشد. همین کتاب با اقبال شاعران و منتقدان، جایگاه حقوقی را در حوزه نقد ادبی مشخص کرد. وی بعدها اشعار دیگری هم در قالب کلاسیک و هم در قالب سپید سرود که در دفترهای «گیلاس ها و گنجشک ها»، «خروس هزاربال»، «فصل های زمستانی»، «با شب با زخم با گرگ» و «شعر شاعران» عرضه شد. مطلب زیر بخشی از آخرین گفت و گوی مفصلی بود که حدود سه سال پیش با زنده یاد حقوقی در منزل او در دارآباد انجام دادم با این توضیح که بخشی از آن نیز پیش تر منتشر شده، اما حجم عمده آن منتشر نشده است.

در آخرین گفت و گو با محمد حقوقی عنوان شد

ریزه کاری های مهمتر از کلیات

جنگ اصفهان نوشته بودم که از «هوای تازه تاققونوس در باران» نام داشت. حدود ۷۰ تا ۸۰ صفحه، بعد همین مطالب شد کتاب «شعر زمان ما» ویژه شاملو، کتابی که در واقع سی سال پیش نوشته شده است و قطعاً اگر در سال های اخیر نوشته می شد، بسیار کامل تر و درست تر از این بود که اکنون هست. آن مقاله باعث شد که نشر زمان از من بخواهد که آن را کتاب کنم و به دنبال آن روی شاعران دیگر هم کار در آورده ام و چون در دهه شصت همه نگاه ها متوجه شعر سپهری بود ناشر اصرار داشت که دومین کتاب را به سپهری اختصاص دهم که دادم و بعد هم اخوان و فروغ و چنین بود که نیما باید نخستین کتاب باشد، از اولویت افتاد و پنجمین کتاب شد و همین روزها منتشر خواهد شد. با این درخواست از ناشر که در چاپ های بعدی ترتیب این اولویت را رعایت کند. شما خودتان از کلاسیک شروع کردید و بعد هم به نیمایی رسیدید و بعد هم شعر بی وزن سرودید، الان بیشتر ایرادی که به شعر شما وارد است، استفاده فراوان از قافیه می تواند باشد.

به هر حال هر چیزی را من باید از سر شروع بکنم و به تدریج از رویش رد بشوم. همین اشتراک حروف که گفتم مثل «دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود» مصراع معروف حافظ که زمانی سرمشق بود و من به تاثیر این نوع مصراع ها بود که مثلاً می گفتم «بر بال باد بادیه باید بود»

چون فکر می کردم این کار درستی است. بعدها فهمیدم این فقط یک بازی است. زیرا پیش از این که شعر چهره واقعی اش را نشان بدهد، این ریزه کاری هاست که جلوه می کند و باعث توقف خواننده یا شنونده می شود. یک وقتی هم با وزن همین افراط کاری ها را می کردم و آن را هم به تدریج رها کردم تا رسیدم به شعر بی وزن. در شعر بی وزن الان گرفتار همین قافیه هستم. هر کس این را گفته درست گفته. ولی من تا به طور طبیعی از روی آن رد نشوم، رهایش نمی کنم. البته الان تا حدودی از آن مرحله هم رد شده ام و این را شما در برخی از مجموعه های آینده ام که حدود شش تا می شود بعد از انتشار خواهید دید و یکی از اینها هم در شرف چاپ است به اسم «از دل تا دلنا» که انتشارات همراه منتشر خواهد کرد. مجموعه ای که اولین شعرهای سپید مرا دربردارد. باز یک مجموعه شعر عاشقانه دارم که توجه به قافیه در آن به چشم نمی خورد و اسم این مجموعه هم «گیلاس ها و گنجشک ها» است.

اشعار کلاسیکی که در اغلب مجموعه های شما می آیند، مثلاً در «خروس هزار بال» هنوز قشنگ است و من وقتی می خوانم لذت می برم. این کارها متعلق به چه دوره ای اند؟ آیا هنوز به دلیل تفنن یا به علل دیگر شعر کلاسیک می گوید؟

در «خروس هزار بال» یک ترجیع بند دارم که مرثیه ای است برای مادرم. برهانی این ترجیع بند را غزل های پیوسته خواننده که شورانگیز است و به شعرهای شمس تبریزی نزدیک می شود و در مراسم خاص به صورت همسرایی می توان از آن استفاده کرد. در هر حال چیزی در این مرثیه دیده که نمی دانم



تو باید نشان بدهی که در آینده، بیست سال دیگر وقتی به سن پنجاه سالگی رسیدی چه کار کرده ای. آیا همچنان به همان مدرنیسم پایبند بوده ای؟ به حد قابل قبول رسیده ای؟ به زبان دلخواه رسیده ای؟ به آن آگاهی و اشراف زبانی رسیده ای؟ و اصلاً معنای مدرنیسم و پسامدرنیسم را فهمیده ای؟ تو مطمئن باش این آگاهی و این اطمینان را نیما و شاملو نسبت به کار خود داشته اند، آیا تو هم داری؟ اگر پس فردا متوقف شدی و فهمیدی هیچ کاری هم نکرده ای و کارهایت هم در حد همان کارهایی که الان می کنی مانده است، آن وقت قضاوت تو درست است؟ می دانید اگر راه ها و نحله های مختلف شعری در دنیا پیش نمی آمد شعر پیشرفت نمی کرد و چهره های جدید ظهور نمی کردند. ما باید شاعری پیدا بکنیم که استعداد بزرگی را از هر لحاظ داشته باشد و بتواند از حد شاملو بالاتر برود، نه این که قلم ها را غلاف کنیم و بگوییم که...

آقای حقوقی! شما سلسله کتاب هایی داشتید با نام «شعر زمان ما» که کتاب نیما را هنوز که هنوز است منتشر نکرده اید با این که اولویت اول شما بود چرا؟ این کتاب در چه مرحله ای است؟

این کتاب قرار بود در نمایشگاه کتاب امسال منتشر شود که به دلایلی نشد و اما داستان اولویت، من کتاب شاملو را در سال ۴۶ نوشتم. یعنی در حقیقت کتاب عین مقاله ای بود که در یکی از شماره های

من از همان اول شاعر نبوده، چون شاعر که شعر در وجودش جوش می زند نمی تواند متوقف بشود. یعنی آن نیروی محرکه درونی از توقف باز می دارد. در این میان شاعرانی هم هستند که متوقف نمی شوند و جلو هم می روند. ولی همیشه به همان ایستگاهی می رسند که قبلاً رسیده بودند، یک سفر عادت به عبارت دیگر. بسیاری از شاعران، حتی از باتجربه ها داریم که پنجاه سال است یک نوع شعر می گویند. خوب بدیهی است که این توقف نیست ولی واجد ارزشی هم نیست. هنرمند معمولاً دوره های مختلف هنری دارد. هنرمندان دنیاهمه شان در کارهایشان دوره های مختلف دارند. یعنی همواره از یک مرحله رسیده اند به مرحله دیگر. شما در نقاشی مثلاً نگاه کنید؛ دوره های مختلف نقاشی پیکاسو را ببینید.

آن هم تا آنجا که می گوید: من این شعر را وقتی می خواندم گریه می کردم.

بله. همین جاست که اخوان نشان می دهد شاعری نوجوست. برخلاف نظری که الان در بین جوانان مطرح است. این تنها یکی از شرایط است. و گرنه به راحتی هر شاعری می تواند نحو زبان را به هم بریزد. یا صرف فعل را مثل طرزی افشار به کار بگیرد و بگوید من صاحب زبان مستقل هستم. نه، ما اینها را نمی توانیم بگوییم که استقلال زبان است. چون این نوع کارها در حد یک تفنن و یک بازی است.

اتفاقاً سوال بعدی در این ارتباط است، جریانی که امروز تحت نام پست مدرن فعالیت می کند، نیما، اخوان و شاملو را جزو شاعران مدرن نمی داند. نظر شما برای خواننده حتماً جالب خواهد بود.

بی آن که به این اصطلاحات اشاره کنم تا این لحظه فکر می کنم جواب شما را داده باشم. منظور من بحث مدرن بودن یا نبودن نیما و شاملو است.

بله. از دید مثلاً فلان جوانی که زبان خودش را به حقیقت یا به خیال مدرن می داند، این طبیعی است که شعر شاملو و نیما را مدرن نداند. حرف بدی هم نمی زند از نظر من، اما تو (آقای فلانی که اسم نمی برم)

گفته می شود که کتاب های شعری را که شاعران جوان به شما هدیه می کنند نمی خوانید. این شایعه درست است؟

والله، نمی دانم چه کسانی این را گفته اند و تا چه اندازه موضوع کش دارد؛ یک نفر گفته است، دو نفر گفته اند یا ... ولی من اصولاً از سال های پیش، هر مجله ای را که باز می کردم، ابتدا شعرهایش را می خواندم و حالا نیز همچنان می خوانم. اما در آن وقت ها هر شعر را از اول تا آخر می خواندم اما الان این کار را نمی کنم، شعر در همان بند اولش به من می گوید تو مرا ادامه بده یا نه. یعنی اگر گفت ادامه نده و قلم را تلف نمی کنم. چون از همان اول خط، منظور من در شعر یا اصلاً نیست، یا اگر هست، خطی نیست که بتواند مرا به دنبال خود بکشد. من اساس شعر را فرم می دانم، ساختن می دانم و قوی ترین تخیلات اگر صرف تخیل باشد، من خیلی برایش ارزش قائل نیستم.

بالاترین نمونه اش شعر سپهری است. می دانید ما وقتی می گویم «نشانی» یکی از بهترین شعرهای سپهری است و شاید هم تنها شعر کامل سپهری است، برای این که دارای یک ساخت هست. برای این که مدخل درست دارد و مخرج درست دارد. آن شعر درست تمام شده است. شاعر تمام عناصری را که در اختیار داشته، خوب با هم ترکیب کرده است. این است که نوع شعر «نشانی» سپهری را حالا با زبان هر شاعر جوانی هم که باشد، خواندن آن را ادامه می دهم اما خواندن بسیاری از اشعار شاعران جوان رانه، در همین دو تا مجله ادبی که داریم و توی هر یک در هر شماره ده - بیست تا شعر چاپ می شود، صرف نظر از شاعران شناخته شده می توان گفت حدود ۸۰ درصد از این شاعران زبان همدیگر است. یعنی هیچ هویتی و هیچ نشانه ای در آن به آن معنا که من را در معرض شناسایی و معرفت از این زبان قرار بدهد، نمی بینم. بنابراین می گویم این ۸۰ درصد شعر اگر امضایی هم زیرش نبود فرق نمی کرد. حالا مال این خانم باشد یا مال آن آقای. چون هیچ چیز ممتاز و مشخصه ای که بتوان این را از آن تشخیص داد، در آن نیست. اما یک نکته ای هست که باید بشکافمش. در شعر دهه شصت و هفتاد، به هر حال زبان شعری در آثار برخی از همین جوانان پیدا شده است که با زبان شعر گذشته ما تفاوت دارد و این خودش یک امتیاز است. اما یکی با آگاهی رسیده به این زبان، یکی هم نه. یکی زبان را حتی المقدور می سازد و یکی زبان را به هم می ریزد.

به همین دلیل قضاوت روی شعر جوان ما در دهه شصت و هفتاد، که به طور مسلم با شعرهای جوانان ما در دهه چهل فرق می کند، فعلاً آسان نیست. باید صبر کنیم و ببینیم به کجا می رسد و کدامشان خود را نشان می دهند. می دانید ما در ادبیات و خاصه شعر تلفات داشته ایم. چه بسا شاعرانی که خوب آغاز کرده اند اما به تدریج به توقف رسیده اند. گاهی یک شاعر در جوانی تمام کارهایش را کرده، گاهی هم در سنین میانسالی، یک شاعر هم در پیری کامل ترین شعرهایش را نوشته است. در کار شاعری، اصل دوام است. مداومت و تداوم در کار بی هیچ رضایت و قناعت. شاعری که متوقف شده به نظر

بگویم جالب است یا عجیب. برای من در آخر مجموعه‌هایم و قبلا در اول این مجموعه‌ها معمولا یک قصیده‌ای، مثنوی‌ای، غزلی می‌گذاشتم که ...

سوالم این بود که این شعرها متعلق به چه دوره‌ای است؟

این ترجیع بند مربوط است به سال ۶۳ است؛ سالی که مادرم را از دست دادم. البته الان دیگر نمی‌توانم به آن شکل کار کنم چرا که همه این مراحل شعری را به طور طبیعی پشت سر گذاشته‌ام و از آن رد شده‌ام.

شما آقای حقوقی در دهه ۵۰ زیباترین نقد و تفسیرها را بر شعرهای موفق آن سال‌ها نوشتید. حتی زمانی که همین اساتید دانشگاه‌ها می‌گفتند که ما این شعرها را نمی‌فهمیم. چه شد که دیگر نسبت به آن دوره کمتر به این کار می‌پردازید و چرا این تفسیرها را روی شعر امروز نمی‌نویسید؟ آیا شعری در این حد چاپ نمی‌شود یا ...

نه، اتفاقا شعرهای موفق، الان هم سروده می‌شوند و من هم قصد ادامه این تفسیرها را همیشه داشته‌ام و دارم و به ویژه با تشویق دوستانی که همواره برای من نظراتشان محترم بوده است. در هر حال اکنون قراردادی دارم با انتشارات قطره در همین مورد که تفسیر حدود چهل - پنجاه شعر است. از زوایای مختلف و با توجه به ابعاد گوناگون آنها که تصور می‌کنم یک شکل شکافی و ساخت‌شناسی تازه است.

آیا در این مجموعه، شاعران نسل جدید هم حضور دارند؟

بله، البته بیشتر در مقدمه، چون این کتاب یک مقدمه مفصل دارد که در آن بر انواع شعرهای ساخت‌مند و به برخی شعرهای جوانان اشاره شده است. بعد هم متن است که شامل همان چهل - پنجاه شعر است که به آن اشاره کردم. ولی چه بسا شعر جوانانی وارد متن هم بشوند. البته شعرهای این جوانان معمولا کوتاه است و برخی نیز شکل تازه دارند اما هیچ یک شعر بزرگ نیست و من تصور می‌کنم هیچ شعر کوتاهی نمی‌تواند بزرگ باشد البته می‌تواند کامل باشد اما بزرگ نه.

البته هر شعر بلندی یک شعر بزرگ و کامل نیست. مثلا «ایمان بیاوریم» فروغ شعر بزرگی است ولی شعر کاملی نیست. چون می‌شود بخش‌هایی از آن را برداشت یا مثلا صدای پای آب سپهری که شعر شورانگیزی است ولی نه بزرگ است و نه کامل. چون اصلا ساخت ندارد. اصلا معلوم نیست چرا این شعر صدها مصراع شده است. خب می‌شود پنجاه مصراع بشود. می‌شد صد مصراع بشود. چون در هر جای شعر می‌شود آن را تمام شده پنداشت.

نویسندگی، شغل دوم!

ادامه از صفحه ۶

آیا بسنده کردن به نامگذاری روزی به نام قلم کافی است یا باید کارهای دیگری در این زمینه انجام داد؟

واقعیت این است که آثار ارزشمندی که به‌رغم رکود اقتصاد نشر تولید می‌شوند، کم نیستند. اما این آثار باید معرفی شده و به مردم شناسانده شوند. از طرف دیگر، باید رغبت به مطالعه در مردم تقویت شود تا این نیاز را احساس کنند که مطالعه باید بخشی از زندگی آنها باشد. فکر می‌کنم کارهایی از قبیل نامگذاری روز قلم می‌تواند در جلب توجه مخاطبان موثر باشد. تقویم ما پر شده است از روزهایی با عناوین خوب، اما نباید صرفا به جنبه شعاری این کار توجه کنیم. چون این وجه توجه مردم را جلب نمی‌کند. باید کارهای اساسی‌تری انجام دهیم. مثلا رغبت به مطالعه را باید از سنین پایین در بچه‌ها ایجاد کنیم تا در نهایت به یک جامعه اهل مطالعه برسیم. در چنین جامعه‌ای می‌توان انتظار داشت که یک نویسنده یا شاعر تمام ذهن خود را به نوشتن معطوف کند و ناچار نباشد برای تامین زندگی خود کارهای پراکنده انجام دهد.

نیلوفر عاکفیان

نویسندگی درآمد مکفی ایجاد نمی‌کند

نیلوفر عاکفیان را شاید برخی تنها به عنوان یکی از مجریان برنامه «روز از نو» که هر روز صبح از شبکه دوم سیما پخش می‌شود بشناسند اما او از اهالی قلم نیز هست و تاکنون دو کتاب «نان و نارنج» (مجموعه شعر) و «این فتنجان کی بود؟» (مجموعه ۱۰ داستان کوتاه) را منتشر کرده

در هر حال فعلا این تنها کتابی است که در دست دارم و مشغولش هستم و امیدوارم هرچه زودتر سرانجام پیدا کند.

شما قبلا نقد و تفسیری نوشته بودید بر شعر مرگ ناصری که خیلی مورد پسند شعر دوستان واقع شد. بعدها آقای پاشایی نقدی در پاسخ به نقد شما نوشت و آن را رد کرد. حالا سوال اول من این است که مگر منتقدان، بهترین متن - حالا چه شعری چه داستانی - را متنی نمی‌دانند که ظرفیت تاویل‌های گوناگون را داشته باشد؟ مثلا بر داستان «سارازاین» فلور بر ولان بارت پنج نقد مختلف نوشت. از دیدگاه روان‌شناختی، تفسیری، ساختاری و ... که هر پنج نقد دارای ارزش‌های زیبایی‌شناسانه فراوان است؟

روی شعر خود هم، مرثیه ارباب تا حالا چندین نقد نوشته شده، اولی اش را قاسم هاشمی نژاد نوشته در سال ۴۸ و بعد آقای نیکبخت در اصفهان ...

در کتاب شعر که تا حالا دو جلد از آن منتشر شده و بچه‌های اصفهان درمی‌آورند.

بله، در کتاب شعر. این اواخر در کلک دوره جدید هم آقای اخوت و دیگران هم به طور غیرمستقیم راجع به این شعر چیزهایی نوشتند. خود من هم در تفسیری بر شعر آتشی به اسم «سمفونی دهم» که در مجله «فرهنگ توسعه» چاپ شد، به مناسبتی به شعر مرثیه ارباب اشاره‌ای کردم، بر ساخت سمفونیک آن. که متاسفانه کسی به آن توجهی نکرده است. اصلا زمانی که این شعر را می‌نوشتیم همراه با شنیدن سمفونی ۳ پتهوون ارونیکا بود.

حالا که بحث به نقد کشیده شد، شما وضعیت نقد را در جامعه چگونه می‌بینید؟

الان بعضی از جوانان ما هم نقد می‌نویسند و به ویژه کارهای همدیگر را توجیه می‌کنند. نقد نویس زیاد پیدا کرده ایم و البته خوب هم هست با این شرط که هر کس دست به این کار می‌زند استعداد و آمادگی و جامعیت لازم یک منتقد را داشته باشد. ولی ما هنوز یک منتقد حرفه‌ای به این معنا که همه منتظر باشند ببینند نظرش در مورد فلان کتاب تازه درآمده، قابل بحث چیست فعلا نداریم.

سال گذشته از شما کتابی منتشر شد به نام «ادبیات امروز ایران» در نظم و نثر. خیلی‌ها معتقدند این کار نوعی کتاب‌سازی است و از شما بعید است چون حرف و نگاه تازه‌ای نداشت. علت انتشار این کتاب چه بود؟

به همه آنهایی که این گونه قضاوت می‌کنند، حق می‌دهم. علنش هم این است که طرح این کتاب در دوره رژیم شاه به پیشنهاد عده‌ای از استادان دانشگاه افکنده شد. این استادان می‌گفتند چون ادبیات جدید

در دبیرستان‌ها و در دانشگاه‌ها راه پیدا نکرده، باید کاری کرد و سازمان کتاب‌های درسی را واداشت که کتابی در این زمینه تهیه کند که آنها تالیف آن را به من پیشنهاد کردند. من هم قبول کردم که این کتاب را بنویسم و نوشتم. در دو جلد و حدود ۱۵۰ صفحه. جلد اول شامل نظم و شعر بود و مخصوص سال سوم فرهنگ و ادب و جلد دوم که نثر و داستان بود مخصوص سال چهارم فرهنگ و ادب. این کتاب فقط در سال ۵۶ و ۵۷ تدریس شد تا پارسال که برخی استادان به من پیشنهاد دادند که اگر تو همان کتاب را با تفصیل بیشتر آماده کنی، ما سعی می‌کنیم کتاب درسی دانشگاهی‌اش کنیم. می‌دانید که یک کتاب درسی نمی‌تواند کتابی برای خواص باشد باید به همه خط‌های شعر و نثر از شعر و داستان پیشرو امروز تا مقاله و نظم سنتی پرداخت و گرنه مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. به ویژه که جنبه تاریخ ادبیات هم دارد. یعنی تاریخ ادبیات معاصر از مشروطه تا امروز. بنابراین اگر کنار شعر شاملو و فروغ مثلا غزل «وطن» عارف یا عاشقانه‌های رهی معیری نباشد اصلا امکان تدریس نخواهد یافت. یا شاعران متعددی به اسلام که پس از انقلاب ظهور کردند و ... از این لحاظ به نظر من این کتاب خیلی سیستماتیک و حساب شده تهیه شده است. چون این کتاب برای استادی نوشته شده که می‌خواهد در مورد ادبیات معاصر خاصه شعر نو و رمان و داستان تدریس کند و هیچ چیز هم نمی‌داند.

آقای حقوقی! شما به عنوان یک منتقد و مسلط بر جریان‌های شعری این چند دهه بفرمایید چرا شعر سیاسی در دهه شصت و هفتاد بدون هیچ معنی از شعر امروز حذف شد؟

سوال ساده‌ای نیست. ببینید انقلاب ۵۷ همه را غافلگیر کرد و از آن شدیدتر جنگ بود. به نظر من تا مدت‌ها ما در حیرت بودیم. انقلاب چنان عظیم و امواج مردم چنان خروشان بود که اجازه شعر گفتن - نه شعار دادن - را نمی‌داد به خصوص جنگ هم که بیداد می‌کرد. می‌دانید شعر سیاسی واقعی را در آن لحظات نمی‌توان نوشت. شعاری شود. باید شکیبایی نشان داد و گذاشت تا موج‌ها فروکش کند و اندیشه و شعور جای احساسات و شور را بگیرد تا بتوان شعر گفت. اگر چه بسیاری این کار را نکردند و در همان هیجان‌ها شعر گفتند، به جبهه رفته‌اند و از نزدیک تحت تاثیر قرار گرفتند و واکنش نشان دادند اما مسأله این است که هر شعر سیاسی واقعی چه بسا چنین خاستگاهی هم ندارد. می‌دانید اصولا شعر سیاسی گفتن ساده نیست و اصلا هر شعر شاعرانی یا شعری با فضای جنگ یا استبداد یا زور نمی‌تواند بیان‌کننده یک شعر سیاسی باشد.

به نظر شما وضعیت ترجمه شعر در ایران چگونه است؟

ترجمه شعر به دلیل این که متاسفانه اغلب مترجمان ما جز یکی دو شاعر نیستند و به هر دو زبان تسلطی در یک حد ندارند و نمی‌توانند خوب باشند به ویژه معمولا ترجمه‌ها، نمی‌توانند خوب باشند به ویژه که زبان ما با زبان‌های لاتین هم قاعده و هم خانواده نیستند. شما ببینید یک نفر فرانسوی که مثلا از ایتالیایی ترجمه می‌کند یا یک ایتالیایی که از اسپانیایی ترجمه می‌کند، کارش خیلی مشکل نیست. چون این زبان‌ها هم ریشه‌اند. ولی ما نمی‌توانیم بیاییم عین زبان انگلیسی‌الوت را برگردانیم به زبان خودمان. اگر چه ترجمه آن هم ترجمه شعر به زعم برخی کاری است که شدنی نیست.

حالا چرا همین ترجمه‌ها را خواننده بیشتر استقبال می‌کند و بیشتر هم به فروش می‌رود نسبت به شعر شاعران خودمان؟

آنها تنها به جوهر ترجمه نگاه می‌کنند و به میزان خیال‌انگیزی شعر و به تصاویر شعرها. نه به اصالت مترجم و یگانگی ترجمه با متن. به عبارت دیگر خواننده از زیبایی‌های ظاهری شعر لذت می‌برد. از زیبایی نگاه شاعر حتی. خواننده جوان شاعر که این ترجمه‌ها را می‌خواند و از آنها تاثیر می‌پذیرد و البته بعد هم در جایی از شعر او این تصویرهای شعر ترجمه منعکس می‌شود و گاه حتی بی‌این که خود شاعر هم متوجه باشد.

آقای حقوقی آیا شما رمان هم می‌خوانید؟

اصلا کار جدید ادبی‌ام را با رمان خوانی شروع کردم. رمان روی شعر نو من خیلی اثر گذاشت. یکی رمان. یکی سینما. رمان از لحاظ جامعه و انسان‌ها و سینما از لحاظ تصویر و تدوین که تفصیل آن در این مصاحبه مقدر نیست. در هر حال از سال ۴۰ به بعد مستقیما به شعر پرداختم تا وقتی که با بچه‌های اصفهان دور هم جمع شدیم و دوباره در کنار شعر به داستان هم روی آوردیم. در هر حال آن موقع من دوباره به خواندن رمان و داستان روی آوردم و تقریبا همه کارهای منتشر شده را می‌خواندم اما باز به دلایلی عقب افتادم تا وقتی که مجبور شدم کتاب «ادبیات امروز ایران» را بنویسم. ناچار و لزوما مقداری از وقتم را صرف خواندن داستان و رمان سال‌های اخیر کردم. خاصه کار جوانان که بعضی از آنها نشان دادند که حقیقتا داستان‌نویس هستند. تا آنجا که داستان‌نویسی اینها نظر مرا بیشتر به خود جلب کرده تا کار شاعران جوان. به همین دلیل است که داستان را در ایران درخشان‌تر از شعر می‌بینم. ضمن این که آینده شعر را هم هیچ‌گاه تاریک نمی‌بینم و ناامید نیستم.



باشد. من به طور کلی با نامگذاری‌ها مخالفم چون فکر می‌کنم معنای آن این است که در طول سال فقط یک روز به هر موضوع فکر کنیم.

اگر گروه‌هایی وجود دارند که برای هر موضوعی روزی را در نظر می‌گیرند، بهتر است به این فکر کنند که چه کارهایی بهتر است انجام شود تا آن موضوع وضعیت بهتری پیدا کند. باید دید که آن موضوع تا چه حد برای مردم شناخته شده است. آیا بنیان آن موضوع در اجتماع درست به آن پرداخته‌اند یا به حد کافی به مشکلات آن قشر پرداخته شده است؟

چگونه می‌شود سطح عمومی تری به این مسأله داد و مردم را درگیر فعالیت‌های نویسندگان کرد؟

فی‌البداهه نمی‌شود در این باره حرفی زد اما خیلی کارها می‌شود کرد. نویسندگان در بطن جامعه و مردم هستند و برای آنها می‌نویسند. اما فکر می‌کنم در درجه اول باید شرایط چاپ و نشر بهتر و در رسانه‌ها برای کتابخوانی فرهنگ‌سازی شود. مردم ما دوست دارند کتاب بخوانند اما کتاب‌های خوب را نمی‌شناسند. خود من مدتی در تلویزیون درباره‌ی آن تی‌بی برنامه اجرا می‌کردم اما دیدم که می‌شود از این فرصت برای معرفی کتاب به مردم استفاده کرد. مثلا خیلی‌ها نمی‌دانستند که می‌شود برای بچه‌های زیر یک سال هم کتاب خواند. شناساندن کتاب‌های خوب به مردم وظیفه رسانه‌ها و آموزش و پرورش است.

است. گفت‌وگویی که در ادامه می‌آید در مورد اقتصاد نویسندگی با وی انجام شده است.

در کشور ما می‌توان به نویسندگی به مثابه تنها شغل زندگی نگاه کرد؟

فکر نمی‌کنم بتوان این کار را کرد!

چه موانعی بر سر راه این مسأله وجود دارد؟

یک نویسنده در درجه اول نمی‌تواند مطمئن باشد که مثلا هر ماه قصه‌ای می‌نویسد و حق‌التالیف آن را دریافت می‌کند. چون این کار، یک کار ذوقی است و نمی‌توان بازه زمانی خاصی برای آن در نظر گرفت. در درجه دوم هم یک کتاب آنقدر فروش ندارد که یک نویسنده، شاعر یا مترجم بتواند روی درآمد آن برای ماه‌های آینده حساب کند، یعنی این کارها درآمد مکفی برای گرداندن یک زندگی را ندارد.

این وضعیت در مقایسه با کشورهای دیگر چگونه است؟

اطلاع دقیقی در این باره ندارم اما فکر می‌کنم حداقل درباره دلیل اول که به فریدت نویسنده مربوط است، فرقی با ما نداشته باشند. در دنیا، کسانی هستند که نویسندگی شغل اصلی آنهاست؛ چون حق‌التالیف مناسبی دارند و جامعه مخاطبان آنها هم گسترده‌تر است. اما در کشور ما قضیه فرق می‌کند. هیچ وقت نمی‌توان مطمئن بود که مردم چگونه با کتابی برخورد می‌کنند. گاهی یک کتاب ضعیف به سرعت فروش می‌رود اما کتابی که همه بر این باورند که خوب است، فروشی ندارد.

فکر می‌کنید نامگذاری یک روز به نام روز قلم کافی است؟

لزومی ندارد که حتما روزی به این نام در تقویم‌ها وجود داشته

مروارید حکمت و یاقوت سخن



تأثیر و نفوذ شگفت انگیز نهج البلاغه به گونه ای است که پس از ۱۴ قرن هنوز هم هر شنونده ای را تحت تأثیر قرار می دهد. نویسندگان، عالمان و اندیشمندان زیادی به فراخور دریافت ها و نفوذ سخنان امام علی علیه السلام در وجودشان، زبان به تحسین ایشان و کتاب نهج البلاغه گشوده اند که بخشی از آنها نشان از حقیقتی آسمانی دارد که دل هر مومنی را با سخنان نهج البلاغه همراه می کند.

سخنان لبریز از حقیقت

جرج جرداق، نویسنده و ادیب معروف مسیحی و صاحب کتاب ارزشمند «امام علی علیه السلام و صدای عدالت انسانی»، درباره نهج البلاغه چنین می نویسد: «آیا در تاریخ مشرق زمین، هیچ به سراغ نهج البلاغه رفته اید؟... نهج البلاغه ای که از فکر و خیال و عاطفه، آیاتی به دست می دهد که تا انسان هست و تا خیال و عاطفه و اندیشه انسانی وجود دارد، با ذوق بدیع ادبی هنر او پیوند ناگسستنی خواهد داشت. سخنانی به هم پیوسته و هماهنگ، جوشان از درکی عمیق و بینشی ژرف، لبریز از شور واقعیت و گرمی حقیقت و سرشار از اشتیاق تمام برای شناخت ماورای این حقیقت. سخنانی زیبا و نغز که زیبایی موضوع و بیان، آنچنان در آن به هم آمیخته که تعبیر با شکل و معنا یکی شده اند؛ چنان که حرارت با آتش و نور با خورشید یکی هستند. بشر نیز در مقابل آن، چنان موجودی است که در برابر سیلی خروشان، دریایی پرموج، توفانی سرکش یا گردبادی تند قرار گرفته است.»

دریای علم و دانش

فرسیسیان، از اندیشمندان مسیحی مذهب انگلیس، درباره جذابیت خطبه های نهج البلاغه و سخنان حضرت علی علیه السلام می گویند: «اگر علی علیه السلام، آن خطیب بزرگ، در عصر ما، هم اکنون بر منبر مسجد کوفه پا می نهاد، می دید که مسجد کوفه با آن همه پهناوری، از سران و بزرگان اروپا موج می زد. می آمدند تا روح خود را از دریای سرریز دانش و علم او سیراب کنند.»

معدن بلاغت

دانشمند مسیحی، استاد امین نخله، در جواب شخصی که از وی درخواست کرده بود صد کلمه از کتاب نهج البلاغه را برای او انتخاب کند، چنین می گوید: «به خداسوگند نمی دانم چگونه از میان صدها کلمه گهربار، صد کلمه آن را انتخاب کنم. من از انتخاب یک کلمه آن هم عاجزم؛ زیرا این کار درست به این می ماند که دانه یاقوتی را از کنار دانه های دیگر بردارم. به هر حال این کار را انجام دادم، در حالی که دستم یاقوت های درخشنده را زیر و روی می کرد و چشمانم از پرتو نور آنها خیره می شد. نمی توانی باور کنی که به علت تحیر و سرگردانی که در انتخاب هر یک از این کلمه ها داشتم، با چه مشکلی این کلمات را از این معدن بلاغت بیرون آوردم. این صد کلمه را بگیر و متوجه باش که آنها پرتوهایی از نور بلاغت و جلوه هایی از انوار فصاحت است.»

سرچشمه های معرفت

پروفیسور هانری گرین، محقق، فیلسوف و شرق شناس معروف فرانسوی، درباره جایگاه و اهمیت نهج البلاغه چنین می گوید: «بعد از قرآن و احادیث پیامبر اسلام (ص)، نهج البلاغه در درجه اول اهمیت قرار دارد. باید گفت به طور کلی این تنها به قلمرو حیات مذهبی تشیع محدود نیست؛ بلکه تفکر فلسفی شیعه نیز به آن وابسته است و از آن مایه می گیرد. از این رو، باید نهج البلاغه را از مهم ترین سرچشمه هایی به شمار آورد که متفکران شیعه پیوسته از آن سیراب شده اند.»

تحیر دانشمندان از نهج البلاغه

علامه سید هبه الدین شهرستانی، فقیه و اسلام شناس نامدار شیعی، در بیان دلیل شگفتی و تحیر دانشمندان ادیبان از کتاب نهج البلاغه چنین می نویسد: دانشمندان بسیاری نهج البلاغه را ستوده و اعتراف کرده اند که مطالب عالی آن، در حد اعجاز است؛ چنان که عقول ایشان از عظمت درخشش خطبه ها و جملات آن به حیرت افتاده اند. لیکن باید گفت تعجب ادبا تنها به ملاحظه انسجام الفاظ نهج البلاغه نیست و تحیر دانشمندان نیز به این نیست که معانی بلیغ آن به سر حد اعجاز رسیده، بلکه شگفتی و تحیر آنان، همه و همه در تنوع مقاصد و منظورهای گوناگونی است که در خطبه ها و کلام آن وجود دارد و امام علیه السلام از عهده بیان آنها به خوبی برآمده و برتری شخصیت خویش را بر همگان آشکار کرده است.»

غنای فکری نهج البلاغه

استاد محمدتقی جعفری رحمه الله که خود از شرح نویسان کتاب شریف نهج البلاغه است درباره این کتاب می گوید: «آن روز که نهج البلاغه علی بن ابی طالب علیه السلام بی طرفانه و با دقت رسیدگی شود، از تمامی مکتب های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و فلسفی بی نیاز خواهیم شد.»

صدای امام (ع) از آن سوی کلمات نهج البلاغه

عباس محمود عقّاد، نویسنده و تاریخ نگار معروف مصری، در جملاتی درباره نهج البلاغه چنین می گوید: «در کتاب نهج البلاغه نور آیات توحید و حکمت الهی، چنان درخشان و پرتوافکن است که بررسی و تحقیق همه پژوهندگان معارف الهی را شامل می شود. به طور کلی، مهر شخصیت علوی از پشت سطرها و از میان حروف این کتاب پدیدار است که اگر خوب دقت کنی و گوش فرادهی، صدای امام (ع) را از آن سوی کلمات می شنوی و نه صدای دیگری را.»

تقویت روح مردانگی

دکتر زکی مبارک، استاد دانشگاه الازهر مصر، درباره تأثیر مطالعه کتاب نهج البلاغه می نویسد: «اعتقاد دارم مطالعه کتاب نهج البلاغه، روح شهامت و مردانگی انسان را تقویت می کند؛ زیرا از روح بزرگ و پرتوانی صادر شده است که در برابر تمام دشواری ها، چون شیر ایستاده است.»

محتوای ژرف

عبد الوهاب حمّوراه، استاد علوم اسلامی دانشگاه فؤاد قاهره، درباره محتوای عمیق و گسترده دامنه علوم مختلف در نهج البلاغه چنین می گوید: «نهج البلاغه شامل همه آن چیزهایی است که پژوهشگران بزرگ، استادان اخلاق، فیلسوفان، دانشمندان، پیشوایان مذاهب، و سیاستمداران پرهیزکار می توانند بگویند یا بنویسند. نیروی شگرف پندها، توصیه ها، عمق بینش و ژرفای محتوای نهج البلاغه، به خوبی نشان می دهد که این اثر جاودانه، از اندیشه بی نظیر امام علی علیه السلام است.»

موزونی واژه ها

علی الجندی، رئیس دانشکده علوم دانشگاه قاهره، درباره سجع و نظم کلمات و عبارت های نهج البلاغه می گوید: «با مطالعه نهج البلاغه نوعی خاص از آهنگ موسیقی بر اعماق احساسات انسان پنجه می افکند. این کتاب از نظر سجع و نظم و ترتیب کلمات و جملات، طوری مرتب است که می توان آن را شعر مثنوی نامید.»

ذخیره جاودانه ادب جویان

استاد ناصیف یازجی، نویسنده معروف مصری، درباره تأثیر گذاری کتاب نهج البلاغه بر ادبیات و لغت عرب می گوید: «مهارت من در فن نویسندگی، در اثر مطالعه و بررسی قرآن کریم و خطبه های شیوای

هنگامی که آن را مطالعه کردم، دیدم اثری فلسفی و در آن حکمت هایی وجود دارد که گنجینه اسلام است. آنگاه اسلام را تا حدودی شناختم. اکنون هر گاه صحبتی می شود، شدیداً دفاع می کنم که شیعه و سنی در کار نیست و همه با هم برادرند. نهج البلاغه گنجینه ارزشمندی است که ما باید آن را حفظ و نگهداری کنیم؛ این اسلام است.»

گنجینه یاقوت های سخن

علامه بزرگوار، مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی که از کتاب شناسان بزرگ معاصر و صاحب اثر گران سنگ «الذریعه» است، در جملاتی چند درباره نهج البلاغه چنین می نویسد: «بعد از انقطاع و حی الهی، کتابی از نظر اعتماد مانند نهج البلاغه تدوین نشده است. کتابی که راه صحیح علم و عمل را به انسان نشان می دهد و پرتویی از علم الهی بر آن تابیده و بوی عطر سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن می تراود. نهج البلاغه صدف مرواریدهای حکمت و گنجینه یاقوت های سخن است. مواعظی که در خطبه های آن دیده می شود، تار و پود دل ها را به سوی خود می کشد. کلمات قصار آن نیز ضامن سعادت دنیا و آخرت است که طالبان حقایق را به دیدن گمشده خود ازشاد می کند و فرزندان را به راه سیاست و سیادتشان رهبری می کند. کتابی که دارای چنین ارزشی است، جا دارد که اندیشمندان در پیشگاهش زانو بزنند و کاوشگران آن را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.»

با نهج البلاغه بیگانه ایم!

استاد و متفکر شهید مرتضی مطهری رحمه الله درباره نهج البلاغه می گوید: «سخنان نهج البلاغه کلیت دارد و محدود به زمان و مکان و افراد معین نیست. مخاطب او انسان است و به همین جهت، مرز می شناسد و نه زمان. نهج البلاغه از همه جهات متأثر از قرآن و در حقیقت فرزند قرآن است.»

استاد در جای دیگری درباره غربت این گنجینه معارف الهی چنین می گوید: «عجیب این است که نهج البلاغه در دیار خودش، در میان شیعیان علی علیه السلام، غریب و تنهاست؛ همچنان که خود علی علیه السلام غریب و تنهاست. بدیهی است که اگر محتویات کتابی یا اندیشه ها و احساسات و عواطف شخصی یا دنیای روحی مردمی سازگار نباشد، این کتاب یا آن شخص عملاً تنها و بیگانه می ماند. هر چند نامش با هزاران تجلیل و تعظیم برده شود. ما باید اعتراف کنیم که با نهج البلاغه بیگانه ایم. دنیای روحی ای که برای خود ساخته ایم، دنیای دیگری است غیر از دنیای نهج البلاغه.»

شناخت اندیشه بزرگ علی علیه السلام

بولس سلّامه، شاعر و نویسنده معروف مسیحی لبنانی، می گوید: «کتاب نهج البلاغه، اثر جاودانه ای است که انسان را به شناخت اندیشه بزرگ علی بن ابی طالب علیه السلام وادار می سازد و هیچ کتابی جز قرآن بر آن برتری ندارد.»

همچنین فواد آفرام البستانی، نویسنده معروف و استاد دانشگاه بیروت، در مقدمه یکی از آثار خود چنین می نویسد: «می خواهم این اثر خود را با برگزیده هایی از نهج البلاغه آغاز کنم؛ زیرا نهج البلاغه، اثر بزرگ ترین اندیشمند جهان علی بن ابی طالب است.»

پاره ای از یک تنزیل

جرج جرداق، نویسنده و ادیب معروف مسیحی، درباره جلوه های مختلف کتاب نهج البلاغه چنین می گوید: «نهج البلاغه، بیانی است رساتر از هر رسا، و پاره ای است از یک تنزیل، و پیوندی ناگسستنی با اصول ادب انسانی دارد و تا آنجا اوج می گیرد که درباره آن گفته اند: بیانی است فروتر از کلام خداوند و فراتر از گفتار بشری.»

نهج البلاغه که بیان آن اگر برای انتقاد به کار برده شود، گویی تندباد خروشان است؛ اگر تباهی و فساد را تهدید کند، همچون آتش فشاننده سهمناک زبانه می کشد؛ اگر برای تفکر و اندیشه بخواند، حس و نقل را همراه می سازد؛ اگر در مقام بند و اندرز باشد، مهر و عاطفه پدری را همگام با راستی و وفای انسانی در آن خواهیم یافت و اگر از ارزش و هستی و زیبایی های آفرینش و کمالات جهان هستی سخن بگویند، آنها را با مدادی آغشته به نور ستارگان در قلب می نگارد.»

شگفتی از این همه عظمت!

مرحوم حجت الاسلام محمد محقق، نماینده حضرت آیت الله العظمی بروجردی در کشور آلمان و مؤسس مسجد بزرگ مسلمانان در هامبورگ می گوید: «به امر آیت الله العظمی بروجردی، کتاب نهج البلاغه را به یکی از دانشمندان بزرگ آلمان برای ترجمه به زبان آلمانی دادم. او روزی نزد من آمد و گفت: این چه کتابی است که هر چه در ترجمه آن پیش می روم، عظمت آن را بیشتر درک می کنم. به راستی کتاب عجیب و شگفتی است و من خود را در برابر آن بسیار کوچک می بینم.»

گنجینه ارزشمند اسلام

عبد الرحمن، مسوول جامعه اسلامی مجارستان، می گوید: «در سال ۱۹۸۶ میلادی کارداری در سفارتخانه ایران کتاب نهج البلاغه را به من هدیه داد. کنجکاو بودم ببینم در نهج البلاغه به عنوان یک اثر و کتاب مذهب شیعه، چه چیزی نوشته شده است.



دکتر محمد مهدی جعفری اشاره کند که بسیار شیوا و درست انجام شده است. استادان و بزرگان دیگری هم هستند که هر یک، با تلاش زیاد سعی کرده اند کار درخور توجهی در این حوزه انجام دهند که در نهایت، کارنامه قابل دفاعی هم به یادگار گذاشته اند. از خرمشاهی درباره جایگاه ترجمه های ادیبانه ای مثل ترجمه علی موسوی گرمارودی می پرسیم و این که آیا استفاده از زبان آرکائیو و باستان گرایانه در این حوزه شیوه درستی به نظر می رسد که او می گوید: «این نوع ترجمه ها حرکت بر لبه تیغ است.» این دوستان می گویند چون قرآن یک کتاب باستانی است، باید از ظرفیت های زبان کهن فارسی در ترجمه اش استفاده کرد ولی باید در نظر داشت که در صورت غفلت یا زیاده روی ممکن است ترجمه دچار انحراف شود و برای مردم و مخاطب ملموس نباشد.»

تأثیر نبیح البلاغه

بر ادبیات و عرفان ایرانی، اسلامی

کسانی که آشنایی هر چند مختصری با ادبیات فارسی دارند، می دانند تأثیر نبیح البلاغه بر شاعران و دیوان های شعر آنان از روز هم روشن تر است به طوری که مثلاً سید محمد مهدی جعفری کتاب «تأثیر نبیح البلاغه بر شاعران فارسی» را می نویسد و می گوید: «تأثیر این کتاب شریف بر شاعرانی که در قرن های هفتم، هشتم و نهم می زیسته اند، به وضوح مشخص است، به طوری که در آثار و اشعار این شاعران سخنان امیرالمومنین (ع) به صورت مستقیم و غیر مستقیم منعکس شده است.»

دکتر علی اکبر افراسیاب پور، کارشناس عرفان اسلامی، درباره تأثیر نبیح البلاغه بر آثار صوفیان مسلمان و در آن چیزی که به اصطلاح عرفان اسلامی خوانده می شود، می گوید: «تمام فرقه های صوفیه، حضرت علی (ع) را پیر و مرشد خود می دانند. این تلقی هم در میان عرفای شیعه وجود دارد و هم در بین صوفیه اهل سنت. حتی تمام فرقه های صوفیه اعم از نقشبندیه، ذهبیه و... فرقه به حضرت می رسانند. در عین حال تأثیر این کتاب بر ادبیات فارسی نیز چشمگیر و غیر قابل انکار است. اگر آثار خواجه عبدالله انصاری را که یکی از مشهورترین عرفانی اهل سنت است بخوانید، متوجه می شوید در طرح پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) توجه جدی داشته است. یا در کتابی مثل «کشف المحجوب» هجویری این تأثیر پذیری را به وضوح ملاحظه می کنید. نگاه عرفا و صوفیه به کتابی مثل نبیح البلاغه یک نگاه صرفاً اخلاقی یا فقهی نیست. آنها به کلمات حضرت به چشم یک حکم بی واسطه الهی نظر می کنند که از زبان عبد صالح خدا بیان شده است. حتی مولوی که سنی مذهب است، وقتی به وصف حضرت علی (ع) می رسد قلمش دچار شیفتگی و جنون عرفانی می شود. فراموش نکنید که عرفای ما در طرح کتاب های توحیدی به خطبه اول نبیح البلاغه نظر دارند. حتی می شود «فصوص الحکم» و «فتوحات مکیه» محی الدین عربی را به تمامی شرح خطبه اول نبیح البلاغه دانست.

سخنان گهربار علی (ع) از نگاه بزرگان ادب و دین

نهج البلاغه؛ برادر قرآن

می رسد. از این رو گاهی سید را «رضوی» هم می خوانند. او از طرف مادر با شش واسطه به امام علی بن حسین (ع) می رسد. نام سید نه تنها در میان شیعیان بلکه برای اهل سنت هم قابل احترام است. عبدالملک ثعالبی، شاعر معاصر سید، در کتاب تحقیقی و ادبی خودش «بیتمه الدهر» می نویسد: «تازه وارد ده سالگی شده بود که به سرودن شعر پرداخت. او امروز سرآمد شعرای عصر ما و نجیب ترین سروران عراق و دارای شرافت نسب و افتخار حسب و ادبی ظاهر و فضلی باهر و خود دارای همه خوبی هایست» خطیب بغدادی هم در کتابش موسوم به «تاریخ بغداد» می گوید: «... رضی کتاب هایی در معانی قرآن نوشته است که مانند آن کمتر یافت می شود.»

این چند خط را درباره سید رضی آوردم که در کنار وصف ارزش های نبیح البلاغه از این مرد شریف هم یاد کرده باشیم.»

ترجمه های ارائه شده از نبیح البلاغه

بهاء الدین خرمشاهی بی شک یکی از معاصرانی است که می شود ساعت ها پای حرف هایش نشست و در عین حال خسته نشد. او وقتی درباره قرآن یا نبیح البلاغه حرف می زند، می توانی مطمئن باشی که سال ها مطالعه و تحقیق پشت کلماتش پنهان است. او وقتی چیزی را نداند، خیلی راحت می گوید: «نمی دانم» و پشت ژست های روشنفکر مآبانه پنهان نمی شود. می توانی در بعضی جاها با او مخالف باشی ولی هرگز نمی توانی به پاس دانش و گستره مطالعاتش کلاه احترامت را از سر برداری. با او تماس می گیرم تا چند دقیقه ای درباره نبیح البلاغه و تأثیر تاریخی اش بر فرهنگ اسلامی گپ بزنیم. حضرتش، بحث ترجمه نبیح البلاغه را پیشنهاد می کند و گپ و گفت ما شکل می گیرد. استاد در این باره می گوید: «نبیح البلاغه، هم در فرهنگ شیعی و هم در فرهنگ اهل سنت نفوذ و شیوع شگفت انگیزی داشته است. یکی از دلایل این نفوذ در میان اهل سنت تصحیحی است که شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصری از نبیح البلاغه ارائه داد و اتفاقاً شرح کوتاهی هم به آن اضافه کرد. ابن ابی الحدید هم شرح مهمی بر نبیح البلاغه نوشت و در ده، دوازده جلد منتشر کرد.»

مسلم، این است که ترجمه کهنی از نبیح البلاغه وجود ندارد، تنها یک ترجمه قرن هشتمی است که متأسفانه مترجمش معلوم نیست. این کتاب را اخیراً انتشارات علمی فرهنگی روانه بازار کرده است. در عین حال یک ترجمه مشهور در ایران وجود دارد که ترجمه علی نقی فیض الاسلام است و ترجمه تأثیر گذاری در این حوزه به شمار می آید ولی ادیبانه نیست. ترجمه دیگر، ترجمه شادروان مهدی فولادوند است. ترجمه بعدی از آن استاد شهیدی است که انصافاً ترجمه خوبی هم هست. زمانی ما از استاد شهیدی پرسیدیم که چرا در ترجمه از نثر مسجع استفاده کرده و ایشان گفت چون نثر اصلی دارای سجع است و من از نثر مبدأ تبعیت کردم. البته من این برهان استاد را نمی پذیرم و معتقدم ایشان بی دلیل دشواری طاقت فرسایی را بر خود همراه کرده است. ترجمه هایی که از نبیح البلاغه در ۵۰ سال اخیر انجام شده، به نثر معیار است اما ایشان می خواست ظرافتی در کار ایجاد کند که انصافاً کار پسندیده ای هم از آب درآمده است. از طرفی، قرآن هم در بسیاری جاها مسجع است ولی کسی از نثر مسجع برای ترجمه قرآن کریم استفاده نکرده است. لاقلاً تجربه تاریخی ترجمه متون مقدس این را به ما می گوید. از ترجمه استادان شهیدی که بگذریم، ترجمه آیتی هم ترجمه ادیبانه، خوب و قابل احترامی است. از ترجمه های خوب دیگر می توانم به ترجمه

حامد یعقوبی: نهج البلاغه تنها یک کتاب نیست. تجسم یک تاریخ است در قالب یک کتاب. سپیده دمی است که بر پیشانی آسمان فرهنگ و تفکر و اخلاق و حکومت داری و ادب بشریت می درخشد. بی دلیل نیست که کرنیکوی انگلیسی استاد ادبیات دانشگاه هندوستان، در مجلسی که استادان ادبیات و زبان های مختلف حضور داشتند، موقعی که از وی درباره معجزه بودن قرآن پرسیده می شود، پاسخ می دهد: «قرآن برادر کوچکی دارد به نام نبیح البلاغه، آیا کسی می تواند مانند این برادر کوچک بیاورد، تا ما را مجال بحث از برادر بزرگ تر (یعنی قرآن) و امکان آوردن نظیر آن باشد؟» کتابی که در نظر صاحب نظران، برهان محکم اعجاز بودن قرآن شناخته می شود، خودش قطعاً اعجاز روشنی است که عین چراغ پروروی در دل تاریکی می درخشد و راه آینده بشریت را روشن می کند.

تجربه تاریخی انسان می گوید کتاب های بی شماری بوده اند که چیزی از کتاب بودن فراتر داشته اند و اگر آنها نبودند، هیچ کتابی نه تنها وجود خارجی نداشت، بلکه از کتاب بودن خود شرمسار بود. نبیح البلاغه به قطع و یقین، آن کتابی است که کتاب های بزرگ، بزرگی خود را از شان او کسب کرده اند و بهتر است بگوییم کتاب های بزرگ در مقابل عظمت او، احساس حقارت می کنند. نه به این خاطر که این کتاب ها، کتاب های کوچکی اند، بلکه بزرگی نبیح البلاغه آنقدر از دسترس دو دو تا چهار تایی عقل کارافزای بشری بیرون است که فهم های بزرگ در مقابلش جرات های فروخورده ای شناخته می شوند. انگار که مورچه ای روی بالبلندی اهرام قدم بردارد. مورچه از عظمت بناهای بلند چه می فهمد؟ نبیح البلاغه به اعتراف متفکران و اندیشمندان بزرگ و شهیر جهان کهکشانی است که انتها ندارد، دریایی که فهم هیچ غواصی به قرآن نمی رسد و آسمانی که وجود هیچ آسمان خراش نخراشیده ای آلوده اش نمی کند.

مورچه ای که از بیان بزرگی اهرام ناتوان است

باری... اصلانمی خواستم در نوشتن این گزارش قلمم را به دست احساساتم بسپرم ولی آدمیزاد اغلب در مواجهه با پدیده های بزرگ، حیرت زده می شود. متفکران می گویند فلسفه حاصل حیرت انسان در مقابل راز «وجود» است. حالا چه اشکال دارد اگر گزارش نویسی مثل من نخواهد شیفتگی و حیرتش را در مقابل بزرگی یک کتاب پنهان کند؟ سقف کتاب هایی که نویسنده این کلمات تا به حال درباره شان چیزی نوشته یا رمان های بزرگ نویسندگان معروف جهان بوده، یا دست آخر آثار حکما و فلاسفه و شاعران و عرفا! ولی وقتی حکم می شود که «تو باید برای این هفته گزارش درباره نبیح البلاغه و تأثیر این کتاب شریف روی حکمت و عرفان و ادبیات... پس از خودش بنویسی»، احساس می کنی کودک گنگ و بی دست و پایی را به تماشای کهکشان بی پایانی فرستاده اند. کودک از کهکشان بلند چه می فهمد؟ مور از راز اهرام چه چیزی درک می کند؟ سنگریزه از قد و بالای قله های دوردست چه می تواند دریابد؟ بگذریم و برگردیم سر گزارش خودمان...

ادای احترام به سید رضی

سید رضی از علمای قرن چهارم و گردآورنده نبیح البلاغه است. نام سید رضی در طی تاریخ با نام نبیح البلاغه گره خورده است. او سال ۳۵۹ در شهر بغداد به دنیا آمد. پدر و مادر سید هر دو از سادات علوی و از نوادگان امام حسین (ع) بودند. نسب وی به طوری که در صفحات تاریخ دیده می شود، از جانب پدر با پنج واسطه به امام موسی کاظم (ع)

نهج البلاغه است؛ زیرا این دو کتاب با عظمت، گنج بی پایان زبان عربی و ذخیره جاودانه ادب جوانان است و محال است که یک نفر ادیب لغت عربی، بدون این که شب ها را تا سحر به مطالعه و غور و بررسی این دو کتاب و اندیشه در بهترین اسلوب های آن مشغول باشد، نیازمندی خود را برطرف کند.»

الهام رستگاری

شیخ محمد عبده، دانشمند و مفتی اهل سنت و استاد دانشگاه الازهر مصر، درباره آشنایی خود با کتاب نبیح البلاغه چنین می نویسد: «من مطالعه نبیح البلاغه علی علیه السلام، از فصلی به فصلی دیگر می رسیدم و حس می کردم که پرده های سخن عوض می شود و آموزشگاه های پند و حکمت تغییر می یابد.»

گاهی خودم را در جهانی می یافتم که روح بلند معانی، با زیور و عبارت تابناک آن را آباد ساخته است. این معانی بلند، دل ها و روان ها را روشن می سازد تا بدان ها الهام رستگاری بخشد و از لغزش ها دورشان کند و به شاهراه فضیلت و کمال هدایتشان کند. همچنین گاهی احساس می کردم که عقل نورانی که هیچ شباهتی با اجسام ندارد، از عالم الوهیت جدا شده و به روح یک انسان اتصال یافته و او را از لایه لایه پرده های طبیعت بیرون آورده و تا سرپرده ملکوت اعلی بالا برده و به شهودگاه فروغ فروزنده آفرینش رسانیده است.»

آیات و نشانه های حکمت

استاد حسین نائل مرصفی، استاد علوم بلاغت در دانشگاه الازهر مصر، درباره نبیح البلاغه می گوید: «نبیح البلاغه کتابی است که خداوند آن را دلیل روشنی قرار داد تا ثابت کند که علی علیه السلام بهترین شاهد زنده نورانیت و پرتو بخش قرآن، حکمت، دانش، هدایت، اعجاز و فصاحت آن کتاب آسمانی است. آیات و نشانه های حکمت ارزنده، قوانین صحیح سیاست، پندهای روشن و دلنشین، و برهان های گویا و استواری که علی علیه السلام در این کتاب آورده، خود دلیل فضیلت مافوق تصور و بهترین آثار پیشوایی به حق است که هیچ یک از حکمای بزرگ، فیلسوفان عالی مقام و نوابع روزگار، نظیر آن را نیاورده اند.»

چشمه های بلاغت

محمد محی الدین عبدالحمید، استاد دانشگاه الازهر مصر، درباره فصاحت و بلاغت بی نظیر نبیح البلاغه چنین می گوید: «نبیح البلاغه کتابی است که در آن، چشمه های بلاغت و فنون آن گردآمده و برای کسانی که در آن می نگرند، اسباب فصاحت مهیا و میوه رسیده آن در دسترس است؛ چرا که آن از سخنان فصیح ترین انسان ها بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و آن کلمات، از قدرتمندترین و برترین انسان از لحاظ منطق و استدلال سرچشمه گرفته و آن عبارات از کسی است که صاحب اختیار لغت عرب است و هر گونه اراده کند، آن را می گرداند. حکیمی که حکمت از بیانش جاری می شود، خطیبی که سحر بیانش دل را مالامال می کند، عالمی که از رهگذر حشر و نشر با رسول الله صلی الله علیه و آله و نوشتن وحی الهی آموزش ها از آن حضرت دیده، و رزمنده ای که با شمشیر و زبان، از دین دفاع کرده است.»

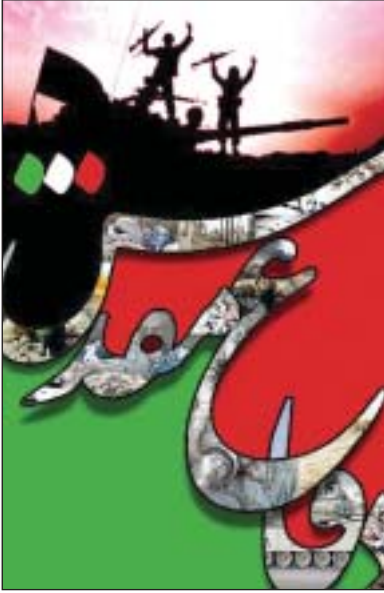
در بای معارف اسلامی

محمد امین النواوی، از استادان دانشگاه قاهره می نویسد: «علی علیه السلام در خطبه های نبیح البلاغه، روشی تازه، راهی نو و دریایی بزرگ از مباحث خداشناسی و فلسفه عالی الهی پیش روی دانشمندان ربّانی قرار می دهد که برای هیچ کس جز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سابقه نداشته است. او در زمینه اسرار جهان آفرینش، روحیات مردم و جامعه شناسی، راه های پیشروی و عقب نشینی شیطان، دنیا و گرفتاری های آن، آغاز آفرینش، مرگ، زمین، آسمان، فرشتگان و فرشته مرگ، سخن نغز گفته است. آن حضرت در خطبه های خود، وارد میدان سیاست شده و درباره بیعت، پیمان بستن، انتخاب فرد شایسته و... حقایقی را بیان می کند. هکچنین درباره طب و تشریح و توصیف ویژگی های حیوانات، سخنان جالبی دارد... خلاصه آن حضرت، پس از تشریح موضوعات مختلف با عبارات های صحیح و روشن، ارزش های عالی انسانی را در برابر همه به نمایش درآورده، برنامه اصیل و صحیح اسلامی را برای نیل به هدف های کامل زندگی نشان می دهد.»



بررسی نقاط قوت و ضعف حضور رزمندگان در عرصه ادبیات دفاع مقدس

تنفس سرب‌های داغ در کتاب



دانشمندی می‌شد هر کس پنج رمان را می‌فهمید. این جمله نشان می‌دهد تا چه اندازه مطالعه و درک وجوه مختلف و جوهره رمان مهم است. راضیه تجار هم درباره رشد کمی آثار ادبی دفاع مقدس و کیفیت آثار به نگارش درآمده در این حوزه معتقد است: «این که از نظر کمی، آثار ادبیات دفاع مقدس رشد بیشتری نسبت به گذشته پیدا کرده است، امری بدیهی است، زیرا هم تعداد جشنواره‌ها بیشتر شده و هم نهادهای گوناگونی از انتشار کتاب دفاع مقدس حمایت می‌کنند و این موارد باعث می‌شده به لحاظ کمی، تعداد کتاب‌های حوزه دفاع مقدس نسبت به گذشته بیشتر شود.»

تجار می‌افزاید: «نویسندگانی که در آغاز دفاع مقدس کار خود را آغاز کردند، امروز با قوت بیشتری مشغول نگارش آثار خودشان اند و این امر نیز در رشد کمی آثار تأثیرگذار است، اما رشد کتاب‌های دفاع مقدس اگر فقط کمی باشد، جای خوشحالی ندارد، چون آثار در درجه اول باید کیفی باشند. در بین آثاری که منتشر می‌شوند، تعدادی از کتاب‌ها هستند که کیفیت خوبی دارند و این کتاب‌ها به نظر جای تأمل و توجه دارند.»

این نویسنده در ادامه می‌گوید: «با این حال مافقط نباید به ارائه آمار دل‌خوش باشیم و باید با

سردار حمید حسام این‌طور ادامه می‌دهد: «در ادبیات داستانی مستند دفاع مقدس، داده‌های تاریخی از پیش مشخص شده‌اند و به همین دلیل بسیاری از نویسندگان سراغ نگارش داستان فرماندهانی مانند شهیدان و سرداران جنگ چون محمدابراهیم همت و مهدی باکری که شناسنامه خاصی دارند، نمی‌روند، چون ممکن است با پرداختن به زندگی این شهیدان مورد نقد قرار بگیرند.»

سردار احمد سوداگر، رئیس پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس هم معتقد است: «فعالیت‌هایی که تاکنون در حوزه نشر ادبیات دفاع مقدس صورت گرفته، به شکل و شمایل بی‌مانند بیان خاطرات، تاریخ‌نگاری و از این دست بوده است و نتوانسته فرمول‌هایی ارائه کند که به نسل‌های بعدی منتقل شود. قصه‌کاربردی شدن علوم دفاع مقدس، حکایت ساده، سطحی و آسانی نیست چراکه شاید سال‌ها طول بکشد تا اطلاعات آن از مجموعه فعالیت‌ها استخراج شود.»

توجه به اصول داستان نویسی حلقه مفقوده ادبیات دفاع مقدس

فیروز زنوزی جلالی، نویسنده‌ای است که خود در سال‌های جنگ به عنوان ناخدا یکم در نیروی دریایی خدمت کرده و تجربه‌های سال‌های دفاع مقدس را در قالب رمان‌ها و داستان‌های متعددی مکتوب کرده است. او با اشاره به این که بسیاری معتقدند یکی از اصول داستان نویسی، بیان تجربیات نویسنده از وقایع و اتفاقات زندگی‌اش است، می‌گوید: «بسیاری با تکیه بر همین اصل می‌گویند رزمنده‌ای که جنگ را با تمام وجود حس کرده، اگر خودش دست به قلم ببرد، موفق‌تر است، در حالی که این موضوع جای سوال دارد. به‌نظم هر رزمنده‌ای که در قلب حوادث حضور داشته، لزوماً نمی‌تواند نویسنده باشد و ممکن است رزمنده‌ای که این اثر را می‌نویسد، با اصول داستان نویسی آشنا نباشد.»

این نویسنده در ادامه با اشاره به ضعف‌هایی مثل آشنا نبودن نویسنده با قواعد داستان نویسی، پرگویی متعدد و استفاده نادرست از مواد خام در رمان «دا» که یکی از پر فروش‌ترین کتاب‌های ادبیات دفاع مقدس است، می‌گوید: «هر کاری تخصص می‌خواهد. اگر قرار باشد ما تجربیاتمان را منتقل کنیم، باید چگونگی انتقال این تجربه و حس را بیاموزیم. بسیاری از رزمندگان نویسنده، آثاری شعاری خلق می‌کنند و نحوه ورود به داستان و شخصیت‌پردازی را نمی‌دانند و به همین دلیل آثارشان دم‌دستی به نظر می‌آید.»

رزمنده‌ها از کوران جنگ کوله باری تجربه‌به‌همراه دارند و به یقین اگر قلم در دست بگیرند، می‌توانند بدون واسطه راوی لحظه‌های ناب جنگ شوند. اما به راستی چطور می‌شود از این تجربه‌ها به بهترین نحو در آثار مکتوب استفاده کرد؟ زنوزی در پاسخ به این سوال می‌گوید: «در مرحله اول فقط آموزش. اگر رزمندگان بپذیرند که نویسندگی فرمولی دارد و آنها باید این فرمول را یاد بگیرند و مشتاقانه در کلاس‌های نویسندگی شرکت کنند، بعد از مدتی شاهد خلق داستان‌هایی ماندگار در حوزه ادبیات دفاع مقدس خواهیم بود. البته مطالعه هم تأثیر زیادی دارد. هر رمانی یک کلاس داستان نویسی است و نویسنده آن رمان استاد آن است. ناپاکوف نویسنده شهیر روسی جمله زیبایی دارد که می‌گوید: چه آدم

بزرگ‌ترین نویسندگان جهان در حوزه ادبیات داستانی با الهام از جنگ‌های متفاوت در سراسر جهان، رمان‌های جذاب، خواندنی و ماندگاری خلق کرده‌اند. ارنست همینگوی، گابریل گارسیا مارکز، آنتوان دو سنت اگزوپری، رومن رولان و چندین و چند نویسنده دیگر از جمله کسانی‌اند که جنگ را با تمام وجودشان حس و درک کردند و آنچه را دیدند، روی کاغذ آوردند تا گلوله‌های داغ سربی تنها در میدان جنگ باقی نماند و همه مردم جهان در تجربه حقیقت‌های دلخراش جنگ سهیم شوند.»

یکی از پدیده‌های مهمی هم که فکر و ذهن نویسندگان معاصر ما را به خود معطوف داشته و خالق نوعی ادبیات در ایران شده، پدیده‌ای به نام جنگ و دفاع مقدس است. پدیده جنگ صرف نظر از این که می‌تواند به تنهایی کتاب‌قظوری از دایره‌المعارف انقلاب اسلامی باشد و به عنوان زیر مجموعه‌ای از آن قرار گیرد، دارای چنان‌غنا، شور، نشاط، بالندگی، حوادث، رویدادها و رخدادهای عبرت‌آموز تاریخی است که به عنوان یک جریان فکری در ادبیات جا باز کرده و در تقسیم‌بندی ادبیات معاصر ما با نام ادبیات دفاع مقدس شناخته شده است.

بدون شک، جنگ بستر اتفاقات ریز و درشتی است که هر یک می‌تواند دستمایه اثری هنری شود و در این میان نظامیانی که خود در کوران جنگ بوده‌اند، می‌توانند آنچه دیده‌اند و شنیده‌اند را روی کاغذ بیاورند. پس از دوران دفاع مقدس و به‌ویژه در چند سال گذشته نویسندگان زیادی از میان رزمندگان برخاسته‌اند و سعی در انتقال رویدادها، خوشی‌ها، ناخوشی‌ها و حماسه‌های جنگ داشته‌اند که برخی موفق و اغلب ناموفق بوده‌اند. این گزارش به تحلیل میزان موفقیت آثار رزمندگان نویسنده و بررسی نقاط قوت و ضعف نوشته‌های آنها می‌پردازد.

دفاع مقدس؛ هویت ادبیات معاصر کشور

صرف نظر از این که ادبیات دفاع مقدس دارای شاخصه‌های بارز و متمایزی است، اما به نظر می‌رسد در خلق و بیان تمامی حوادث، رویدادها و رخداد‌های مهم دفاع مقدس ناتوان بوده است. این ناتوانی را می‌توان در بیان این وقایع که در نوع نگاه خالقان آثار بی‌تأثیر نبوده، جست‌وجو کرد و از سویی دیگر در کیفیت و کمیت حوادث به جمع‌بندی رسید.

سردار حمید حسام، معاون ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با اشاره به این که ادبیات دفاع مقدس با تمام جوانب خود، هویت ادبیات معاصر کشور را تشکیل داده و درخشان‌ترین برگ ادبیات این سرزمین است می‌گوید: «متأسفانه در نگارش رمان‌های دفاع مقدس، آن گونه که باید و مورد انتظار است و مانند بسیاری از ملت‌های دیگر که توانسته‌اند ادبیات جنگ کشورشان را با رمان معرفی کنند، موفق نبوده‌ایم. در داستان بلند به فرامرزها رسیده‌ایم و ترجمه‌های قابل‌قبولی از آثار نویسندگانی که خود دستی در ادبیات دفاع مقدس دارند، ارائه کرده‌ایم، ولی همچنان ضعف‌هایی در این زمینه به چشم می‌خورد.»

او که خود کتابی با عنوان «راز نگیین سرخ» را در کارنامه نویسندگی‌اش دارد، معتقد است: «آن چه در این میان اهمیت دارد، ادبیات داستانی مستند دفاع مقدس است که از نگارش رمان در این حوزه مشکل‌تر است، چون نویسنده با محدودیت‌هایی بر اساس اسناد موضوع مواجه است.»

برنامه ریزی‌های دقیق در زمینه ادبیات دفاع مقدس، در آینده حرکت‌های بهتری صورت دهیم تا به آرمان‌هایمان برسیم.»

کلمات صادق در قلم نویسندگان جنگ

از این نکته هم نباید غافل شد که از آنجایی که نویسندگان ادبیات دفاع مقدس اغلب خودشان در کوران حوادث جبهه و جنگ قرار گرفته‌اند و از شمیم کوی یار نفس تازه کرده‌اند، کمتر دچار لغزش و تحریفات شده‌اند. حتی اگر آنها در بیان و قدرت انتقال پیام و استفاده بهینه از خلاقیت‌های به‌کارگیری کلمات و ماجراها قصوری کم و بیش داشته‌اند، در بیان مفاهیم صادق بوده‌اند.

اگرچه امروزه ادبیات دفاع مقدس هنوز نوس به حساب می‌آید، اما به خوبی مشهود است که تأثیراتی در ادبیات کشور برجای گذاشته که با حمایت از نویسندگان این حوزه می‌توان به آینده این جریان ادبی در کشور امیدوار بود.

باسمه تعالی




**ششمین دوره جشنواره نقد کتاب
همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب**

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد جشنواره نقد کتاب را همزمان با هفدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می‌کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات دعوت می‌کند مقالاتی را که در حوزه نقد کتاب در سال ۱۳۸۷ منتشر کرده‌اند، حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۸ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

تلفن تماس: ۶۶۴۱۵۲۵۵ تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

www.naghdeketab.ir

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین فلسطین و برادران مظفر جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲-



گزارشی از انتشار کتاب در پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان

بازخوانی پرونده‌های ۲۰ ساله



هشت سال جنگ تحمیلی اثرات متعددی در حوزه اقتصاد، صنعت، فرهنگ و دانش ایران بر جای گذاشته است و ایران امروز با تأکید بر تجربه‌ای که از جنگ هشت ساله آموخته و دستاوردهایی که از آن دوران و اوضاع ویژه حاکم بر نظام سیاسی - اجتماعی خود اندوخته است، چشم به آینده‌ای تازه دارد.

دفاع مقدس در کنار همه تأثیر گذاری هایش، در حوزه فرهنگ نیز تأثیر بسزایی داشته است. تولیدات سینمایی، نمایشی، هنرهای تجسمی و نیز تولید کتاب با موضوع و محور جنگ تحمیلی از جمله این تأثیرات است.

تاکنون هر گاه سخن از کتاب‌های دفاع مقدس به میان می‌آمد، آنچه در وهله نخست به ذهن متبادر می‌شد، خاطرات جنگ، فرهنگ جبهه و تاریخ دفاع مقدس در قالب ادبیات داستانی، شعر، نمایشنامه و... بود. در این گزارش تلاش، می‌کنیم از منظر دیگری به کتاب‌های دفاع مقدس بپردازیم.

داغ‌های تازه شونده

جانبازان جنگ تحمیلی، یادگاران هشت سال عزت و رشادت و یادآور شهدای سرافراز جنگ تحمیلی‌اند.

آنها همچنان داغ‌های تازه و تازه شونده‌ای از جنگ بر ذهن و روان و سینه‌های دردمند خود دارند. حفظ حرمت این قشر ایثارگر در کنار پاسخگویی به نیازهای جسمی و روحی آنها و آموزش آنها برای کنترل و مهار دردها و مصائب خودشان از یک سو و آموزش و توانمندسازی خانواده‌های ایشان که بار سنگین اما افتخارآمیز نگهداری و مراقبت از یادگاران دوران دفاع مقدس را به دوش می‌کشند، موضوعی است که رسانه‌ای مثل کتاب می‌تواند تهید مناسبی برای آن باشد. از سوی دیگر در طول سالیان پس از جنگ نظام درمانی ما دستاوردهای گسترده‌ای در درمان و کنترل بیماری‌های ناشی از صدمات جنگ تحمیلی (فیزیکی و شیمیایی) داشته است که ثبت و انتشار آنها در قالب کتاب می‌تواند به کاهش آلام جانبازان و تقویت دانش و توان خانواده جانبازان کمک کند. این موضوعی است که در این گزارش به آن خواهیم پرداخت.

پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان عهده‌دار تعیین اولویت‌های پژوهشی سازمان امور جانبازان است. این پژوهشکده با توجه به مسائل، مشکلات و نیازهای سازمان برای ارائه خدمات به جانبازان فعالیت می‌کند و ضمن ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت پژوهشگران و علاقه‌مندان، مدیریت و نظارت بر امور پژوهشی در حوزه جانباز و جانبازی

را انجام می‌دهد.

این پژوهشکده که زیر مجموعه بنیاد شهید و امور ایثارگران است، تاکنون کتاب‌های زیادی را با موضوع جانباز و جانبازی منتشر کرده است. این پژوهشکده در سال ۱۳۶۹ با هدف پژوهش در زمینه علوم پزشکی مهندسی، تجهیزات، صنایع توانبخشی، طراحی و نمونه‌سازی وسایل پزشکی و توانبخشی که به طور مستقیم موجب توانمندی جانبازان انقلاب اسلامی و معلولان شود، تاسیس شده است.

۹۹ عنوان کتاب در دستور تولید

عبدالله سعیدی، مدیر امور اجرایی پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان، درباره فرایند تولید کتاب در این پژوهشکده می‌گوید: «نخستین گام برای رسیدن به اهداف ویژه یا فرعی و در نهایت دست یافتن به اهداف اصلی سازمان، تعیین نیازهای پژوهشی است. به این مفهوم که کدام یک از مشکلات موجود در حوزه پیشگیری، درمان، توانبخشی و تجهیزات پزشکی از طریق پژوهش حل یا از شدت آن کاسته می‌شود، یا با به کارگیری کدام یک از روش‌های نوین می‌توان سطح سلامت ایشان را ارتقا داد؟»

به عقیده او، با روشن شدن نیازهای پژوهشی، گام دوم، انتخاب مهم‌ترین آنها یا همان اولویت بندی است که بر اساس معیارهای معلوم و معین از بین چند نیاز به دست می‌آیند و با توجه به توان موجود، تعدادی به عنوان اولویت پژوهشی برگزیده می‌شوند و با انجام این مهم می‌توان از یک اولویت پژوهشی، چندین عنوان پژوهشی را استخراج کرد و با انجام صحیح مراحل تحقیق به سوالات موجود پاسخ‌های کاملاً علمی و مستند داد.

به گفته سعیدی، تعدادی از این طرح‌ها به تولید کتاب و جزوه منجر می‌شود و برخی دیگر از نتایج به صورت لوح‌های فشرده و تولیدات بصری در اختیار گروه‌های هدف قرار می‌گیرد. وی می‌افزاید: «تاکنون انتشار حدود ۹۹ عنوان کتاب در دستور کار پژوهشکده قرار گرفته است که ۸۷ عنوان آن منتشر شده است.»

اهداف و چشم‌اندازها

اهداف کلی تولید محصولات فرهنگی را می‌توان از چند منظر مورد بررسی قرار داد. افزایش اثربخشی و دستیابی به راهکارهای نوین برای حل مشکلات و مسائل بهداشتی، درمانی و توانبخشی جانبازان در راستای ارتقای سلامت جانبازان با راهبردهای پژوهشی، تعیین مسائل و مشکلات بهداشتی، درمانی و توانبخشی جانبازان، ایجاد زمینه مناسب برای انجام

تحقیقات بنیادی، اطلاع‌رسانی بهنگام و بهینه، شناسایی و حمایت از پژوهش‌ها و فعالیت‌های منطبق بر هدف اصلی و برقراری و تداوم ارتباط با مراکز برون سازمانی و بین‌المللی از جمله مهم‌ترین این اهداف به حساب می‌آیند. در این میان سیاست‌ها و استراتژی‌هایی نیز لحاظ می‌شوند که می‌توان به عنوان نمونه به حفظ شأن و منزلت جانباز، گسترش فرهنگ پژوهشی در سازمان، تکیه بر جلب مشارکت نیروی انسانی درون سازمانی در پژوهش‌های توسعه‌ای، نگرش کاربردی، تسری تفکر پژوهشی، تعیین نیازهای پژوهشی و اولویت بندی نیازها و ایجاد و تداوم ارتباطات با خانواده بزرگ جانبازان اشاره کرد.

توجه به گروه‌های هدف در تولید کتاب

به گفته مدیر اجرایی پژوهشکده، گروه‌های هدف در تولید کتاب‌های پژوهشکده به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که عبارتند از جانبازان گروه‌های مختلف، خانواده ایشان، همیاران و پرسنل کادر بهداشتی و درمانی مرتبط با جانبازان مانند گروه‌های مختلف در تمام سطوح (بهبود، پرستاران، پزشکان عمومی، دندانپزشکان، داروسازان، متخصصان رشته‌های مختلف، پیراپزشکان و...)، کارشناسان و کادر اداری و اجرایی شاغل در سازمان و مدیران رده‌های مختلف سازمان.

برای حفظ جنبه‌های تخصصی و نیز تسهیل در ارائه خدمات، جانبازان نیز به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند. این گروه‌ها شامل جانبازان نخاعی که دچار صدمه یا قطع کامل نخاع‌اند، جانبازان اعصاب و روان که دچار یکی از ضایعات عصبی و روانی ناشی از جنگ و استرس‌های پس از آن هستند، جانبازان شیمیایی که در معرض عوامل شیمیایی قرار گرفته و دچار ضایعات گوناگون ریوی، پوستی و چشمی شده‌اند و جانبازان گروه‌های ویژه که سایر جانبازان مبتلا به عوارض مختلف ارتوپدیک (از جمله قطع عضو) چشمی، گوش و حلق و بینی، جراحی، داخلی، جراحی ترمیمی، نورولوژی (تشنج، همی پلژی و...) و... می‌شوند.

سعیدی با اشاره به اینکه کتاب‌های این مرکز می‌تواند طیف وسیع‌تری از مخاطبان را در میان عموم مردم به خود اختصاص می‌دهد: «برخی از کتاب‌ها درباره آینده جانبازان است. اکنون با گذشت ۲۰ سال از پایان جنگ، جانبازان وارد دوران سالمندی می‌شوند و به این ترتیب با مشکلات تازه‌ای مواجه می‌شوند و برخی مشکلات پنهان آنها نمایان می‌شوند. این

و ملی در سراسر دنیا برگزار کرده و در همایش‌های علمی مختلف در سطح جهان شرکت می‌دهد که حاصل آن تاکنون به صورت کتاب منتشر شده است اما باید پذیرفت که این نیز همه رمز ماندگاری نیست. در دنیای امروز نشر، تامین منابع مالی پایدار و مطمئن، علاوه بر آن که حرکت در مسیری منطقی و روبه رشد را تضمین می‌کند، از درافتادن سازمان‌های انتشاراتی به ورطه کارهای سطحی با پشتوانه‌های علمی ضعیف و ناقص جلوگیری می‌کند.

پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان، سازمان غیرانتفاعی است که به لحاظ مالی از محل تولید کتاب برای جانبازان منتفع نمی‌شود و تمام فعالیت‌هایش در حوزه نشر متکی بر تامین اعتبار طرح‌های پژوهشی است و از این منظر نیازمند کمک‌های بیشتر و موثر تر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و سایر نهاد‌های مسئول ذی ربط است.

با این وجود، فهرست عناوین کتاب‌های تولید شده در این مرکز کم کم به مرز یکصد عنوان نزدیک می‌شود. کتاب‌هایی نظیر «اوتونومیک

مشکل می‌تواند مربوط به همه معلولان باشد و کتاب‌هایی که به خانواده‌ها و شخص جانباز کمک می‌کند تا بر مشکلات سالمندی و معلولیت پیروز شود، می‌تواند برای کل جامعه معلول مفید واقع شود. به طور مثال، بخش گسترده‌ای از تولیدات بخش انتشارات ما به موضوعات روان‌شناختی برمی‌گردد و ما معتقدیم همه جانبازان و خانواده‌های ایشان با شوک‌های روانی و مشکلات روحی بسیاری دست به گریبان‌اند و این کتاب‌ها علاوه بر آن که همه جانبازان و خانواده آنها را تحت پوشش دارد، می‌تواند برای همه افرادی که شوک‌های روانی را در پی بروز سوانح تجربه کرده‌اند، مفید واقع شود.»

شمارگان و توزیع؛ موضوعی متفاوت

واقعیت این است که شمارگان و توزیع کتاب‌های این انتشارات، ویژه معلولان است و کمتر کتابی برای عرضه به شیوه معمول تولید می‌شود. به همین نسبت نیز شمارگان کتاب‌ها گاه محدود و گاه بسیار گسترده است. پیش فرض بخش انتشارات بر این است که نیازهای اطلاع‌رسانی فوری جانبازان را شناسایی کند و حتی در قالب جزوات، راهکارهای مقابله با مشکلات آنی را به اطلاع آنها برساند. لذا بین این مرکز و مراکز بنیاد شهید در استان‌ها ارتباط نزدیکی وجود دارد و سازوکاری تعریف شده است تا کتاب‌های پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان متناسب با نیاز مخاطبان به دست آنها برسد. اگرچه عموم کتاب‌های این مرکز در شمارگانی محدود تولید می‌شوند، اما کتاب‌های عمومی نیز وجود دارند که در شمارگان بالا منتشر شده است. به ویژه در حوزه جانبازان شیمیایی که قشر وسیعی از جانبازان جنگ تحمیلی را تشکیل می‌دهند، تاکنون از هر عنوان کتاب بین ۳۰ تا ۶۰ هزار نسخه چاپ و منتشر شده است.

سعیدی معتقد است: «امروز جانبازان ما خود متخصص دردهای خودشان‌اند و بیش از ۲۰ سال است که با این مشکلات سر و کار دارند. بنابراین ما باید به سمت تولید کتاب‌هایی حرکت کنیم که مختصر و خلاصه باشند و بتوانند شرایط پیش‌بینی نشده را برای جانبازان تحمل‌پذیر کنند و در مواقع بحرانی به کار آنها بیایند.»

دیس رفلکسی»، «آنچه شما باید بدانید» ویژه جانبازان نخاعی و خانواده ایشان در شمارگان دو هزار نسخه و در ۴۰ صفحه، کتاب «پیشگیری از مشکلات پزشکی ثانویه» در سه هزار نسخه و ۴۷ صفحه، کتاب «مقدمه‌ای در مصدومیت نخاعی» ویژه جانبازان با آسیب نخاعی و خانواده آنها، کتاب «جانبازان شیمیایی (تاریخچه، آمار و خدمات)» در پنج هزار نسخه و کتاب «آشنایی با بیماری هپاتیت» در ۳۰ هزار نسخه برای عموم مخاطبان و ده‌ها عنوان کتاب دیگر، تنها معرف گوشه‌ای از تلاش جهادی پژوهشگران پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان است.

علاوه بر آن، پایگاه اطلاع‌رسانی jmerc.ac.ir برای انتشار یافته‌ها و دستاوردهای علمی و پژوهشی مهندسی و علوم پزشکی جانبازان و در راستای توانمندی و ارتقای سطح سلامت جانبازان راه‌اندازی شده است تا از این طریق ضمن فراهم آوردن بستر مشارکت و ارتباط علمی با متخصصان و محققان و جلب مشارکت آنها، زمینه‌ساز فردایی روشن برای تمام گروه‌های ایثارگری باشد.

تلاش جهادی؛ چشم‌انتظار یاری نخبگان علمی و فرهنگی

پویا مهدوی؛ ایجاد ارتباط با مراکز علمی و فرهنگی دنیا که با حس مسئولیت‌پذیری و درک واقعیت‌ها و نیازهای جامعه امروز فعالیت می‌کنند، یکی از رموز ماندگاری و تعامل و توسعه یک حرکت فرهنگی است.

هر چند در حوزه تحقیق و پژوهش در امور درمانی جانبازان، این مبحث تابع شرایط محیطی و عوامل بیماری‌زای گوناگون است و به عنوان مثال نوع عوامل بیماری‌زا در جانبازان شیمیایی ایران با آسیب‌دیدگان جنگی در دیگر نقاط جهان، هم به لحاظ مواد شیمیایی به کار رفته در جنگ تحمیلی و هم به لحاظ اوضاع آب و هوایی، کاملاً متفاوت است، با این حال پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان همایش‌ها و سمینارهای مختلفی را با مشارکت سازمان‌های بین‌المللی



کتابخانه کودکان سازمان اسناد و کتابخانه ملی از نگاه یک گزارشگر

فریاد کودکان کتاب در سکوت کتابخانه

در این باره می‌گوید: «ویژگی خاص کتابخانه‌های ملی در مقایسه با دیگر کتابخانه‌ها، حفاظت از میراث فرهنگی مکتوب و تمامی متون ثبت شده است. اگر قرار باشد کتابی از این مکان خارج شود، احتمال گم شدن یا ازبین رفتن آن وجود دارد بنابراین به جز بخش کتابخانه عمومی، آن هم به این علت که از هر یک از آثارش چند نسخه وجود دارد، سایر بخش‌ها کتاب به امانت نمی‌دهند. متون نوشتاری، چاپی، دیداری و شنیداری باید توسط کتابخانه ملی حفظ شود.»

وی درباره وضعیت سال گذشته کتابخانه کودکان می‌گوید: «سال گذشته تعداد قابل توجهی کتاب لاتین از سوی برخی نویسندگان و پژوهشگران کتاب کودک و سازمان‌ها به این مکان اهدا شد. اکنون بیش از ۵۰ هزار جلد کتاب سازماندهی شده در این کتابخانه وجود دارد که قرار است به مترجمان کتاب کودک سپرده شود تا به زبان فارسی برگردانده شوند.»

کتابخانه کودکان کتابخانه ملی ایران در دو طبقه طراحی شده است. در طبقه اول منابع مختلف برای کودکان قرار دارد و شامل بخش‌های مرجع، کتاب‌ها، نشریات کودکان، کتاب‌های ویژه کودک و نوجوان نابینا، کتاب‌هایی به زبان‌های دیگر که در ایران منتشر شده‌اند، بخش دیداری و شنیداری (لوچ‌های فشرده، کاست‌ها و...)، نقاشی (شامل ابزارها و وسایل نقاشی برای کودکان)، نمایش تازه‌های کتابخانه و بخش قصه خوانی و داستان‌گویی است و در طبقه دوم نیز منابعی برای پژوهشگران کودک و نوجوان قرار دارد.

گرفته‌اند. چنین چینی‌اشی از اجرای برنامه‌ای خاص خبر می‌دهد. درودی در این باره می‌گوید: «از جمله فعالیت‌های دیگر کتابخانه کودکان شاهنامه‌خوانی است. بدین صورت که در روزهایی خاص از هفته، بچه‌ها به کتابخانه مراجعه می‌کنند و برایشان شاهنامه خوانده می‌شود.»

هر هفته بازدیدهای متعددی از کتابخانه ملی، به ویژه کتابخانه کودکان توسط دانش آموزان مدارس صورت می‌گیرد. منجمی در این باره می‌گوید: «گروه‌هایی از مدارس که یکشنبه و سه‌شنبه‌ها به کتابخانه کودکان می‌آیند، میهمان برنامه‌های نقالی و شاهنامه‌خوانی مامی شوند.»

کتابخانه کودکان کتابخانه ملی ایران از صبح تا ساعت ۱۶ باز است و علت کمتر بودن زمان کاری آن نسبت به دیگر بخش‌های کتابخانه ملی، ویژگی‌های سنی کودکان است چرا که تحقیقات نشان داده کودکان نمی‌توانند بیش از دو ساعت در کتابخانه‌ها حضور داشته باشند. البته کتابخانه‌های دیگری هم ویژه کودک و نوجوان وجود دارد؛ کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که به شکل خاص فعالیت می‌کنند و کتابخانه حسینی‌ها.

نکته مهم این که کودکان نمی‌توانند از کتابخانه کودکان کتابخانه ملی کتاب به امانت بگیرند. درودی

این بخش منتقل شد. منابع اصلی اطلاعات در اینجا کتاب‌های فارسی و لاتین‌اند. کتاب‌های لاتین ویژه کودک، در زمینه داستان، شعر، سرگرمی، نقاشی، علوم اجتماعی و سایر علوم به زبان ویژه این گروه سنی وجود دارد. علاوه بر این‌ها مجلات، بازی‌های خاص کودکان و برخی از تدریس‌های ویژه هم در این کتابخانه نگهداری می‌شوند.



به گفته درودی، طبق آمار بیش از یکصد هزار نسخه کتاب به زبان‌های فارسی، لاتین و بریل (خاص کودک و نوجوان نابینا) در این کتابخانه موجود است.

لیلا منجمی، کتابدار کتابخانه کودکان نیز در این باره می‌گوید: «بیش از ۱۰۰ هزار نسخه کتاب آموزشی، مرجع و ادبیات در بخش کودکان کتابخانه و ۴۴ عنوان نشریه کودکان نیز این‌جا موجود است. همچنین خانه ترجمه نیز حدود چهار هزار عنوان کتاب لاتین به این بخش هدیه داده که شامل کتاب‌های انگلیسی، ترکی، روسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی و برخی از زبان‌های عجیب و غریب می‌شود؛ زبان‌هایی که خودمان هم متوجه آنها نمی‌شویم.»

صندلی‌هایی برای رفتن به دنیای شاهنامه
چند صندلی چرخدار کوچک به شکلی زیبا دور تا دور یک صندلی بزرگ در گوشه‌ای از کتابخانه قرار

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران دارای بخش‌های گوناگون با عملکردهای متفاوت است. از جمله بخش‌های مهم این سازمان می‌توان به کتابخانه تخصصی کودکان اشاره کرد؛ جایی که منابع فراوانی برای ارتقای دانش کودکان و همچنین بهره‌برداری پژوهشی سایر گروه‌های سنی را در خود جای داده است.

در مسیر حرکت به سمت ضلع شرقی کتابخانه ملی در این فکرم که تا چند لحظه دیگر وارد محیطی بسیار شاد، جذاب و با شور و هیجان خاص کودکان می‌شوم. در ابتدای ورودم با سکوت خاص کتابخانه‌های عمومی روبه‌رو شدم. البته کمی بعد، فضای زیبا، رنگارنگ و شاد آنجا توجهم را جلب کرد. محیط کتابخانه کودکان هر بیننده‌ای را به عالم کودکی می‌برد.

وارد اتاق فریبز درودی، مسئول گروه خدمات ویژه کتابخانه ملی می‌شوم و گفت و گویمان آغاز می‌شود. درودی ابتدا از تاریخچه این کتابخانه می‌گوید: «کتابخانه کودکان کتابخانه ملی ایران همزمان با کتابخانه نابینایان و کم‌بینایان در سال ۱۳۸۵ تأسیس شد و گروه سنی ۷ تا ۱۴ سال را شامل می‌شود. بنابراین تا حدودی شامل نوجوانان نیز می‌شود، ولی به نام کودکان ثبت شده است.»

قبل از راه‌اندازی این کتابخانه، خدمات اطلاعاتی به شکل ترکیبی در بخش گروه مخازن ارائه می‌شد و سپس با تأسیس این کتابخانه به شکل مستقل، منابع به

دانش عالی

نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوه ملت بزرگ ایران و به منظور توانمندسازی نسلی آگاهی و بیداری، بصیرت و عدالت، معنویت و آزادی و با هدف ثبت آن همه حماسه الهی‌های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می‌شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه‌های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت میهنی نشان شریک و دخیل می‌دانند و اهمیت روشنگری و ارزشمندی عقاید و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا دریافته‌اند. متناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان‌ها صبر و روش‌های تربیتی-آرام‌های ملی و آزادی خواهی، تقلم ستیزی و عدالت طلبی، حماسه سازی، ایثار و سایر تأثیرات عمده‌ی آن در جهان کنونی، آثار ماندگار و شاخصه‌ای را به گنجینه‌ی ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

■ **جوایز مسابقه:**

به منظور حمایت و پشتیبانی معنوی، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهند شد. همچنین جوایز به رسمه با نمود به‌دو اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می‌شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

■ **گاه شمار:**

۱. ارسال آثار از طریق پست سفارشی تا تاریخ ۸۸/۸/۲۰
۲. اعلام نتایج و اهدای جوایز تا تاریخ ۸۸/۹/۲۰

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

عنوان نمایشنامه: _____ نویسنده: _____

میزان تحصیلات (با ذکر رشته و گرایش): _____ شماره تماس (شماره ثابت): _____

نشانی دقیق پستی: _____

ایمیل: _____

با امضای کامل از مقام فرستادن نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مشارک فوق را در صحت و درستی ارائه می‌نماید.

تاریخ و امضا: _____

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و خیابان جنوبی، ساختمان شماره ۱۰۰، طبقه دوم، پلاک عمومی، صندوق پستی: ۱۳۱۵-۳۱۲ شماره تماس: ۶۶۹۶۲۱۲-۶۶۹۶۲۱۱

دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد

دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد با مشارکت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب، دوم آذرماه ۱۳۸۸، هم‌زمان با سالروز تولد نویسنده، تولد و صاحب سبک، جلال آل احمد، برگزار می‌شود. موضوع‌های مورد ارزیابی هیئت داوران عبارتند از:

- داستان بلند
- داستان کوتاه
- مستند نگاری
- تاریخ نگاری
- نقد ادبی

از تمامی نویسندگان، منتقدان ادبیان، تاریخ نگاران و ناشران دعوت می‌شود آثار خود را که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است، تا تاریخ ۳۱ مرداد ۱۳۸۸، به دبیرخانه ارسال کنند.

به تفرات برگزیده در هر کدام از رشته‌های این جایزه، نشان ادبی جلال آل احمد، تندیس، لوح تقدیر به امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و ۱۱۰ سکه بهار آزادی اهدا می‌گردد.

■ **برگزیدگان نخستین دوره:**

داستان:

قاعده بازی، تألیف فروز زوزی جلالی، تهران، نشر علم.

از دهانشان، تألیف یوسف علیخان، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.

تقدیمی:

آیین آینه، تألیف حسینعلی قبادی همکار، محمد بیروندی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

از اسطوره تا حماسه، تألیف سجاد آبدنلو، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

تاریخ نگاری و مستند نگاری:

پیدایی تا فرجام سازمان مجاهدین خلق، به کوشش جمعی از پژوهشگران مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین جنوبی و برادران مظفر، ساختمان شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲- تلفن: ۶۶۹۶۲۱۲ - فاکس: ۶۶۹۶۲۱۱

تابستان داغ کتاب برای نوجوانان

موسسه انتشارات امیر کبیر رمان «کشتزارهای وطن» را در پنج هزار نسخه و با قیمت ۱۸۰۰ تومان منتشر کرده است.

۶۶ قصه از هانس کریستین اندرسن

هانس کریستین اندرسن، نویسنده فقید دانمارکی، نویسنده ای مطرح در جمع اهالی ادبیات کودک و نوجوان جهان به شمار می آید. تاکنون آثار زیادی از این نویسنده توسط مترجمان مختلف به فارسی برگردان شده که کتاب «۶۶ قصه از هانس کریستین اندرسن» که به تازگی از سوی انتشارات قدیانی منتشر شده از جمله این کتاب ها به شمار می آید. داستان های اندرسن که اکثرا از ظرفیت تخیلی بالایی برخوردارند تاکنون به بیش از ۱۵۰ زبان دنیا ترجمه شده است.

«پری دریایی»، «بندانگشتی»، «جوجه اردک زشت»، «ملکه برفی»، «دخترک کبریت فروش» و «لباس جدید امپراتور» از معروف ترین قصه های اندرسن هستند که برخی از آن ها نیز در جمع داستان های این کتاب توسط پریسا همایون روز به فارسی برگردان شده، اما تمرکز مترجم بیشتر بر داستان های ترجمه نشده این نویسنده بوده است. «داستان یک سال»، «اندوه»، «یقه پیران» و چندین داستان دیگر از جمله داستان های اندرسن هستند که تاکنون به فارسی منتشر نشده بودند. ترجمه روان و ویژگی مهم خانم همایون روز از داستان های اندرسن است که به اکثر داستان ها خوانشی آسان می دهد. برای داستان های این کتاب تصاویری از سوی محسن حسن پور طراحی شده که به نظر می رسد اصلی ترین دلیل طراحی آنها نوعی استراحت ذهنی به مخاطب و لذت بخش تر کردن داستان بوده است. اندرسن داستان های خود را در قرن نوزدهم یعنی حدود ۱۵۰ سال پیش نوشته است، اما قابلیت های ذهنی و تصاویری که در داستان او در اختیار کودکان قرار می گیرد قدیمی و خاک خورده به نظر نمی رسد و این از جمله ویژگی های کتاب «۶۶ قصه از هانس کریستین اندرسن» نیز به حساب می آید.

از دیگر ویژگی های داستان های اندرسن که مترجم این کتاب نیز در گزینش خود آنها را مورد توجه قرار داده، ارائه اندوخته و معلومات مختلف به مخاطب است.

اندرسن در ابتدای برخی از داستان های این کتاب به مخاطبان خود توصیه می کند که با دقت داستان را دنبال کنند، چراکه معتقد است کودکان در پایان داستان اندوخته های زیادی خواهند داشت که پیش از داستان آنها را نداشته اند.

داستان «ملکه برفی» کتاب «۶۶ قصه از هانس کریستین اندرسن» از جمله این داستان هاست که اندرسن در هفت حکایت با تکیه بر نکاتی مفهومی و آموزنده آن را نگارش کرده است.

گاهی فضاهایی که داستان های اندرسن در آن می گذرد فضاهایی معمولی و طبیعی به نظر می رسد اما اتفاقاتی که در این فضاها به ظاهر طبیعی رخ می دهد حوادثی جذاب و مخاطب محور است.

در اکثر داستان اندرسن احترام به بزرگترها و نیز یادگیری تجربیات متنوع از آن ها جایگاه خاصی دارد. اکثر تجربیاتی که اندرسن از آن ها صحبت می کند از زبان پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها و نیز افراد بزرگ تر خانواده روایت می شود و این به مفاهیم اندرسن نمایی از اعتبار بخشیده است.

کتاب «۶۶ قصه از هانس کریستین اندرسن» در ۵۵۰۰ نسخه، با قیمت ۱۰ هزار تومان منتشر شده است.



«کشتزارهای وطن»

ادامه «دختر گل های وحشی»

«کشتزارهای وطن» عنوان کتابی از ماریتا کانلن مک کنا، نویسنده ایرلندی است که به تازگی توسط انتشارات امیر کبیر برای نوجوانان منتشر شده است.

این کتاب که پیش از این به دیگر زبان های جهان نیز ترجمه شده سومین جلد از مجموعه کتابی با عنوان «زیر درخت زالزالک» است که در سال ۱۹۹۲ موفق به دریافت جایزه کتاب سال ایرلند شد.

دومین جلد از مجموعه «زیر درخت زالزالک» مک کنا یک سال پس از این کتاب با عنوان «دختر گل های وحشی» در ایرلند منتشر شد و جلد سوم از این سه گانه اکنون با عنوان «کشتزارهای وطن» توسط مجوبه نجف خانی، مترجم کتاب های کودک و نوجوان به فارسی برگردانده شده است.

این رمان نوجوان در ۲۵ فصل نگارش شده و شخصیت های اصلی آن اعضای یک خانواده هستند که در مزرعه خود همراه با تعداد زیادی از حیوانات زندگی می کنند.

اکثر بخش های این رمان با عنوان هایی چون «مسابقه اسب دوانی»، «خانه بزرگ»، «هدیه»، «همان» و «راز» به موضوعات ساده روستایی می پردازند. داستان های این مجموعه در سال های پس از قحطی بزرگ در ایرلند می گذرد و این کشور از اوضاع مطلوبی در این دوره برخوردار است.

شخصیت های اصلی این رمان همچون ایللی، مایکل و پگی هر یک در مزرعه دارای دغدغه هایی هستند که ممکن است دیگر اعضای خانواده آن ها را درک نکنند. داستان های این مجموعه در اصل بسیار ساده به نظر می رسند، اما نگاه موشکافانه تر، مضامین کاملاً اجتماعی و روزمره ای را در اختیار مخاطب نوجوان قرار می دهد و آنها را به تفکر در مورد این مضامین وای دارد.

نجف خانی در گفت و گویی عنوان می کند که اگر سن نوجوانی را پایان دوران راهنمایی و دوران دبیرستان در نظر بگیریم قطعاً به تجربیات جدید و آشنایی با درگیری ها و فضاهای ذهنی مختلف، نیاز داریم که در این دوران ادبیات و رمان های ویژه این گروه سنی به آن ها پاسخ می دهد.

«بندرامن»، «اسب آبی»، «نگو خداحافظ» و «ستاره کوچک» از دیگر آثار نویسنده ایرلندی کتاب «کشتزارهای وطن» است که تا کنون جوایز متعددی را به خود اختصاص داده اند.

پیدا کنند و از آنجا که کتاب های ترجمه مراحل نشر و اصولاً پروسه تولید یک کتاب را می توانند سریع تر طی کنند مورد اقبال ناشران قرار گرفتند. کتاب «۹۸ قصه ساده برای کودکان و نوجوانان» را نیز می توان در جمع این نوع کتاب ها قرار داد. از طرفی تصویرگری این کتاب به گفته مخاطبان اصلی آن یعنی کودکان، نوعی نقش مکمل را برای داستان ها ایفا می کند. رضا مکتبی تصویرگر با سابقه ایرانی در اکثر داستان های این کتاب شخصیت های اصلی داستان را دستمایه تصویرش قرار داده و پیچیدگی کمتری در تصاویر او دیده می شود.

مکتبی با وجود موفقیت هایی که در حوزه تصویرگری کتاب به دست آورده برخلاف بسیاری از همکارانش کمتر به آثار جشنواره پسند نزدیک شده و با سبک کاری خودش پیش می رود.

نخستین چاپ کتاب «۹۸ قصه ساده برای کودکان» در سه هزار نسخه و با قیمت ۴ هزار تومان به چاپ رسیده است. این کتاب ۲۶۳ صفحه دارد و با داستان «قسمت سایه» تمام می شود.

قصه های منظوم از ۱۴ معصوم

مجموعه کتاب «قصه های منظوم از ۱۴ معصوم» سروده محمد کاظم مزینانی از آخرین کتاب هایی است که بخش «کتاب های بنفشه» انتشارات قدیانی روانه بازار نشر کرده است.

این مجموعه کتاب ۱۴ جلدی ابتدا به صورت مجلد های جداگانه و سپس به صورت یک مجموعه کتاب واحد به چاپ رسید. هر یک از مجلد های این مجموعه با عنوانی جداگانه منتشر شده است. بخش نخست این کتاب به پیامبر (ص) اختصاص دارد. «یک آیین، ده خنجر» و «ماه و آن گردنبند» نیز عنوان های مجلد های ویژه امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) در ادامه این مجموعه است.

وزن های انتخاب شده برای سرودن شعرهای این مجموعه از ویژگی های اثر است و برخلاف بسیاری از سروده هایی که برای کودکان چاپ می شود، دارای خوانشی روان و بدون گره های وزنی است. در میان شاعرانی که در حوزه کودک و نوجوان فعالیت دارند از مزینانی (شاعر شعر های این کتاب) همواره به عنوان شاعر و نویسنده ای موفق در شناخت مخاطبان یاد می شود.

مجموعه کتاب «قصه های منظوم از ۱۴ معصوم» ویژه سال های سوم، چهارم و پنجم دبستان است و تصاویر آن را منصوره محمدی طراحی کرده است.

استفاده از رنگ های تا حدودی سنگین که با توجه به مضامین مذهبی کتاب انتخاب شده از ویژگی های تصاویر این کتاب است، اما یک نوآوری تصاویر می توان از نقاط ضعف آن دانست.

در بخشی که ویژه امام رضا (ع) با عنوان «مرد بارانی» سروده شده مزینانی می نویسد: «شهری پر از گنبد/ شهری پر از آبی/ مردم همه نالان/ از دست بی آبی». او به داستانی از امام رضا (ع) اشاره دارد که در آن مردم در انتظار باران هستند و با درخواست امام از خداوند و دعای باران از سوی مردم، به یکباره باران می بارد.

«آن قصه پنهانی» عنوان بخش آخر این کتاب است که با موضوع امام زمان (ع) نگارش شده و شعرهای مزینانی با مضمون زاده شدن امام دوازدهم شیعیان سروده شده اند.

مجموعه کتاب «قصه های منظوم از ۱۴ معصوم» در ۳۳۰۰ نسخه و با قیمت ۱۷۵۰۰ تومان روانه بازار نشر شده است.

تابستان گرم با تفریحات خنکی چون استخر یا ورزش هایی مثل فوتبال، اسکیت، والیبال و کلاس های آموزشی برای کودکان ایران شروع می شود؛ اما کارشناسان فرهنگی کشور معتقدند همچون دیگر نقاط جهان کتابخوانی در تابستان می تواند بخشی از وقت کودکان و نوجوانان ایرانی را به صورت هدفمند پر کند. منوی تابستانی «کتاب هفته» چهار کتاب جدید را پیشنهاد می کند. کتاب هایی که می تواند تابستان داغ کودکان و نوجوانان را عطری از کتاب ببخشد.

«۹۸ قصه ساده برای کودکان»، «قصه های منظوم از ۱۴ معصوم»، «کشتزارهای وطن» و «۶۶ قصه از هانس کریستین اندرسن» عنوان چهار کتابی است که معرفی آنها در نخستین منوی تابستانی کتاب هفته قرار گرفته است.

قصه هایی ساده اما پر مخاطب

کتاب «۹۸ قصه ساده برای کودکان» نوشته یک نویسنده عرب زبان به نام مصطفی عبدالعزیز است. احمد خواججه ایم، مترجم این کتاب در مقدمه مجموعه عنوان می کند که تلاش هایش برای کسب اطلاعاتی از این نویسنده عرب بی نتیجه مانده، اما به نظر می رسد آنچه این مترجم و انتشارات سروش را به نشر این کتاب واداشته سادگی قصه ها و نزدیک بودن مضامین آنها به داستان های کهن فارسی است.

اکثر داستان های این کتاب ویژه گروه سنی الف و ب یعنی سال های ابتدایی دوران دبستان است.

کتاب با مقدمه ای تحت عنوان «چند کلمه بجزر گنجرها» شروع می شود و مترجم با اشاره به برخی از تجربیات خود در زمان کودکی و شرح برخی از شیوه های نقل قصه و افسانه در گذشته های دور ایران، ادبیات را عاملی برای آگاه سازی و آماده کردن کودکان و نوجوانان برای شناخت از خود و دیگران عنوان می کند. نخستین داستان کتاب یعنی «موش پرکار» به داستان موشی می پردازد که روزی یک گربه دمش را از تنش جدا می کند و از موش می خواهد که برای آزادی دمش برای او شیر بیاورد.

روایت های اینچنینی در دیگر داستان های مجموعه از جمله «فیل فراموشکار»، «سه ماهی»، «شیر مریض» و چندین داستان دیگر مطرح می شود و نویسنده با ایجاد فضاهایی جذاب برای کودکان تا پایان قصه حس امید را در مخاطب زنده نگه می دارد.

نزدیک بودن فضاهای ذهنی نویسنده و شناخت خوب او از خوانندگان احتمالی این داستان هادر سراسر جهان، سبب شده تا اکثر قصه ها با شخصیت هایی جذاب برای کودکان پیش برود.

حس قهرمان پروری در داستان هایی مثل «فرمانده و مورچه»، «خرپزه و خرما»، «تاجر امانتدار» و چندین داستان دیگر حس های جذابی برای کودکان است که آنها را در فضایی همذات پندارانه با شخصیت های قصه ها قرار می دهد.

کوتاه بودن قصه های این کتاب ویژگی خوبی در دنیای امروز است که خوانش آسان توسط کودک یا خواندن شبانه والدین برای کودکان را راحت تر می کند.

اصولاً روی آوردن به مجموعه کتاب هایی که دربرگیرنده چندین قصه برای روزها و زمان های مختلف است با مجموعه «۳۶۵ قصه برای ۳۶۵ روز سال» به قلم مژگان شیخی شروع و از آن زمان به بعد چاپ مجموعه کتاب هایی با چنین مضامینی در ایران رواج بیشتری پیدا کرد. کتاب خانم شیخی دو سال پیش کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را در بخش کودک و نوجوان به خود اختصاص داد تا ناشران بیشتری به سمت انتشار چنین مجموعه هایی تمایل

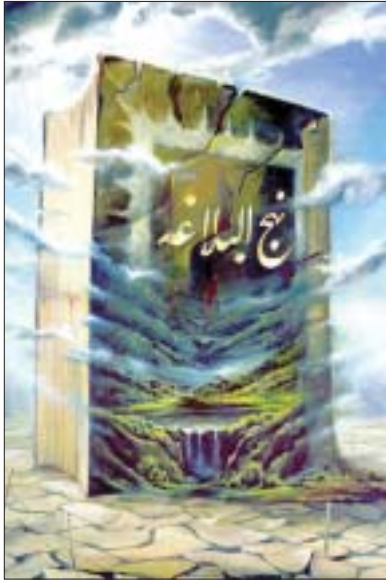


زین العابدین منطقی

دشواری ها و باید ها و نبایدهای تدریس نهج البلاغه

ضرورت تألیف گروهی به جای تألیف فردی

امری دشوار است. هر فردی می تواند صرفاً با تحقیقات کتابخانه ای در شناخت نهج البلاغه متخصص شود، اما سنجش نیازهای دانشجوی به تحقیقات میدانی نیز احتیاج دارد. امروز به خاطر تسهیل در امر ارتباطات، جهان به یک دهکده تبدیل شده و این نظام ارتباطی دانشجویان را به طور مداوم در معرض اطلاعات جدید قرار می دهد. ما نیز اگر بخواهیم دانشجویان را مخاطب قرار دهیم باید همگام با این نظام اطلاع رسانی سریع و منسجم حرکت کنیم و در برابر شبهات جدید پاسخ های جدیدی داشته باشیم. ما گاهی شاهد طرح شبهاتی در مورد فرمایشات مولا علی (ع) هستیم که بر دانشجویان تاثیر می گذارد که تنها با تخصص نسبت به وجوه مختلف صدور و روایت و آگاهی نسبت به طرح شبهات در فضاهای دانشگاهی می توان به این شبهات پاسخ داد.



در تدوین کتاب های درسی در مورد نهج البلاغه چه مواردی باید رعایت شوند؟

همانطور که اشاره کردم، برای تخصص در نهج البلاغه باید به زمینه ها و علوم گوناگون احاطه داشت اما گاه این شائبه پیش می آید که شاید یک فرد نتواند به همه این علوم آشنایی داشته باشد، متأسفانه ظرفیت کار گروهی در ایران بسیار محدود است و گرنه توصیه اول من در زمینه تألیف کتابی درسی در مورد نهج البلاغه استفاده از گروه مولفان به جای فرد مولف است، حتی اگر فرض کنیم که فردی، تخصص کامل در حوزه معارف نهج البلاغه دارد اما این فرد شاید با روان شناسی یا ادبیاتی که در تدوین کتب درسی جزء لاینفک است آشنا نباشد از همین رو تصور می کنم برای تدوین یک کتاب درسی سالم که در جهت آموزش معارف نهج البلاغه به دانشجویان موفق باشد، باید از گروهی متخصص در علوم دینی، روان شناسی، ارتباطات، ادبیات، سیاست و بهره برد.

که مرحوم سید رضی توجه به آن را الزامی ندیده است بحث اعتبار سنجی و درج منابع اصولی برای احادیث است که یک متخصص نهج البلاغه باید این منابع را نیز استخراج و اعتبار سندی آنها را مشخص کند. در انتها، متخصص نهج البلاغه باید ذوق حدیثی داشته باشد. ذوق حدیث تخصصی است که یک فرد در اثر پژوهش فراوان در احادیث پیدا می کند و بر اثر آن، یک ساختار منطقی منسجم از فرهنگ اهل بیت در ذهنش شکل می گیرد و اشرافی کلی نسبت به فرهنگ اسلامی پیدا می کند. اینها برخی از ویژگی هایی اند که یک متخصص نهج البلاغه باید دارا باشد.

ضلع دیگری از مثلثی که شما رسم کردید نیازهای دانشجویان است. چگونه می توان این نیازها را استجواب کرد؟

سنجش و آگاهی نسبت به نیازهای دانشجویان،

تدریس نهج البلاغه در ابتدای راهیم و زمان زیادی از مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره تدریس نهج البلاغه در دانشگاه نمی گذرد. تدریس نهج البلاغه احتیاج به تخصص و آشنایی به فنون خاصی دارد از دیگر سو، باید نیازهای دانشجویان و دانشگاه ها را به درستی بشناسیم و علاوه بر همه اینها باید با مهارت های تدوین کتب درسی نیز آشنا باشیم. اگر همه این موارد رعایت شوند، می توان بر دشواری تدریس نهج البلاغه غلبه کرد.

اشاره کردید که برای تدریس نهج البلاغه به تخصص و احاطه به فنون خاصی نیاز است. این تخصص چه مولفه هایی دارد؟

در واقع مثلثی ترسیم کردم؛ یک ضلع این مثلث تخصص است، ضلع دوم نیازهای دانشجویان و ضلع سوم مهارت تدوین کتاب درسی. تمام اضلاع این مثلث باید ترسیم شوند تا بتوان گامی مثبت برای تدریس نهج البلاغه در دانشگاه برداشت اما یکی از مولفه هایی که یک متخصص نهج البلاغه باید آن را دارا باشد، قدرت حدیث پژوهی است. متخصص نهج البلاغه باید مبانی فهم حدیث را نیز به خوبی آموخته باشد و بتواند احادیث متشابه را با کتاب خدا و سنت تطبیق و احادیث سالم را از احادیث جعلی تمییز دهد. او همچنین باید شأن صدور احادیث را بشناسد. یکی از ویژگی های نهج البلاغه تقطیع خطبه ها و فرمایشات حضرت علی (ع) است؛ چرا که سید رضی (رحمه الله علی) در تدوین نهج البلاغه قصد بارز کردن جلوه های بلاغی را داشت و همان طور که خود ایشان در نهج البلاغه ذکر کرده، قبل و بعد بسیاری از روایات نهج البلاغه حذف شده است. خوشبختانه امروزه در اثر پژوهش های عالمان شیعه، این بخش های حذف شده نیز، مشخص شده و در کتاب های دیگر آمده اند. یک متخصص نهج البلاغه باید نسبت به این بخش ها نیز احاطه داشته باشد. از دیگر مواردی

دکتر فتح الله نجار زادگان از استادانی است که در کنار تحصیلات عالی به دانشگاهی، دارای تحصیلات حوزوی نیز هست. او در سال ۱۳۷۸ در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشکده الهیات دانشگاه تهران در مقطع دکترا فارغ التحصیل شد و از یک سال بعد، به عضویت هیأت علمی این دانشگاه درآمد. او دارای ۱۰ کتاب تألیفی و ۳۰ مقاله است که در این میان «سلامت القرآن منه التحریف» در سال ۸۳ برنده کتاب سال جمهوری اسلامی شد. کتاب «رهیافتی به اخلاق» نیز از این استاد دانشگاه در سال ۸۷ به عنوان کتاب سال حوزه معرفی شد.

برخورد نظام دانشگاهی با نهج البلاغه چگونه بوده است؟

تصور می کنم که نظام دانشگاهی نسبت به این اثر بزرگ کم لطفی کرده است. نهج البلاغه نزد ما شیعیان پس از قرآن، به عنوان مهم ترین و مقدس ترین کتاب شناخته می شود. مقصود این که نهج البلاغه در فرهنگ ما جایگاهی رفیع دارد؛ اما آنچنان که باید و شاید به این اثر سترگ در دانشگاه پرداخته نشده است، البته ما در کمیته متون اسلامی گروه معارف دانشگاه تهران، برای نهج البلاغه اهمیت و جایگاه خاصی قائلیم و کتاب های «سیری در نهج البلاغه» اثر استاد شهید مطهری و «آشنایی با نهج البلاغه» نوشته دکتر مصطفی دلشاد را به عنوان آثار ارزشمند و مناسب تدریس به استادان درس متون اسلامی، که نهج البلاغه را تدریس می کنند، توصیه کرده ایم.

چه دشواری هایی در زمینه تدریس نهج البلاغه وجود دارد؟

مهم ترین دشواری، نداشتن متن درسی دربارۀ این کتاب مقدس است. دلیل اصلی کمبود کتاب درسی در مورد نهج البلاغه، این است که ما در زمینه

ساسان کشاورز: دکتر عباسعلی نقره دارای دکترای زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تربیت مدرس است. (گزیده هایی از رفتار علوی در نهج البلاغه) و «حقوق انسان در نگاه اسلامی با اتکا به نهج البلاغه و صحیفه سجادیه» از آثار این استاد دانشگاه تهران است. وی اعتقاد دارد که یکی از بهترین مکان ها برای طرح اندیشه امام علی (ع) دانشگاه است. وی همچنین تأکید دارد استادی که نهج البلاغه را تدریس می کند باید در فضایی باز و آزاد دانشجویان را به سمت برداشتی شخصی از نهج البلاغه هدایت کند.

چه اقداماتی برای طرح نهج البلاغه به عنوان یک درس در دانشگاه صورت گرفته است؟

اقداماتی که در این زمینه صورت گرفته، بسیار ناچیز است. البته بر اساس مصوبه ای از سوی شورای انقلاب فرهنگی برخی دانشگاه ها به جای درس تفسیر موضوعی قرآن کریم می توانند تفسیر موضوعی نهج البلاغه را در دستور کارشان قرار دهند، اما تلقی من این است که چنین راهکاری نمی تواند در توجه دانشجویان در فضاهای دانشگاهی به نهج البلاغه موثر باشد، چرا که بسیاری از دانشگاه ها اساساً تدریس نهج البلاغه را در دستور کار خود قرار نداده اند. وزارت علوم هم در این زمینه مسئول است. شما در فهرست دروس اجباری وزارت علوم هیچ سرفصلی مرتبط با نهج البلاغه نمی بینید،

دکتر عباسعلی نقره:

استقبال دانشجویان از نهج البلاغه بی نظیر است

متأسفانه هیچ کتاب درسی نیز برای تدریس معارف نهج البلاغه وجود ندارد و مدرسان، این درس را بر مبنای کتاب هایی تدریس می کنند که مشخصاً برای تدریس دانشگاهی تألیف نشده اند؛ گرچه برخی آثار موجود در زمینه نهج البلاغه کتاب هایی درخشانند، اما ما باید آنها را متناسب با مسائل روز دانشگاه و دانشجویان به روز کنیم.

همان طور که اشاره کردید، تدریس نهج البلاغه از سوی وزارت علوم در دانشگاه ها اجباری نیست و برخی دانشگاه ها مثل دانشگاه تهران، این درس را در فهرست دروس عمومی ارائه می کنند. استقبال دانشجویان از تدریس نهج البلاغه در دانشگاه چگونه بوده است؟

استقبال دانشجویان نسبت به تدریس نهج البلاغه بی نظیر است. علت اصلی این امر تصورات نادرستی است که برخی از دانشجویان پیش از حضور در کلاس نسبت به نهج البلاغه دارند. به عنوان مثال هنگامی که در دانشکده علوم اجتماعی، نهج البلاغه را تدریس می کردم، با دانشجویانی روبه رو شدم که پس از حضور در کلاس متحول و شگفت زده می شدند. آنها دانشجوی سال آخر رشته علوم

اجتماعی بودند، اما اطلاعی نسبت به اندیشه های امام اول شیعیان نداشتند، یا تصورشان درباره اندیشه های ایشان کاملاً نادرست بود. پس از پایان ترم، این دانشجویان به من مراجعه می کردند و از دریچه نوری که با خواندن و مطالعه نهج البلاغه برایشان باز شده بود، می گفتند.

بنابراین برخی دانشجویان آگاهی چندانی درباره اندیشه امام علی (ع) ندارند.

بله. همین طور است، در برخی از موارد هم شاهد طرح برخی شبهات هستیم که اساتید تفسیر موضوعی نهج البلاغه باید به این شبهات پاسخ دهند.

منشاء چنین شبهاتی چیست؟

بیشتر شبهاتی که به روایات و اندیشه های حضرت علی (ع) وارد شده است، به دلیل بی توجهی در موقعیت زمانی و مکانی مولا علی (ع) است. به عنوان نمونه، شبهات زیادی درباره برتری ذاتی مرد بر زن در اندیشه امام اول طرح شده است در حالی که سخنانی که امام علی (ع) در مذمت مردان گفته اند به مراتب شدیدتر و فراوان تر از سخنانی است که ایشان درباره زن و شخصیت او فرموده اند. حقیقت این است که امام علی (ع) در مورد زنان بدبینی یا

خوشبینی خاصی نداشته اند، بلکه با توجه به شأن سخن و مقامی که روایت در آن ایراد شده است سخنی را فرموده اند که این هم امری کاملاً منطقی است. ما باید شأن صدور روایت را پیدا کنیم و در بستر شأن صدور روایت تفسیر کنیم. این نکته ای است که اساتید باید به آن توجه خاصی داشته باشند.

از مجموع سخنان شما این طور برمی آید که ما در زمینه تدریس دانشگاهی نهج البلاغه وضعیت مناسبی نداریم. چه راهبردی را برای بهبود وضعیت فعلی پیشنهاد می کنید؟

این بحث در دو زمینه قابل بررسی است؛ در زمینه دروس عمومی باید کتاب هایی تألیف و تدوین کنیم که در ایجاد آشنایی نسبت به اندیشه های امام علی (ع) موثر باشند و این کتاب ها را در قالب دروس اجباری به دانشجویان تدریس کنیم، اما اندیشه های امام علی (ع) در حوزه های مختلف علوم انسانی می تواند آشخور پژوهشگران، دانشجویان و اساتید نیز باشد؛ به این ترتیب پیشنهاد می کنم اندیشه های امام علی (ع) را در حوزه هایی مانند سیاست، اخلاق، مدیریت، تاریخ و ... طبقه بندی کنیم و در قالب دروس تخصصی به دانشجویان آموزش دهیم. چندی پیش از سوی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران به من پیشنهاد شد که در دو جلد کتاب، اندیشه های امام علی (ع) در باب مدیریت را با هدف تدریس، تدوین کنم و گمان می کنم این اتفاق در دیگر حوزه های علمی نیز باید رخ دهد.



مدیر بنیاد نهج البلاغه خبر داد

جذب دانشجو در مقطع دکتری نهج البلاغه

شریف پرداخته شود. همچنین با بهره گیری از کتب منتشره این بنیاد، از قبیل سرگذشت نهج البلاغه (نوجوانان)، با نهج البلاغه آشنا شویم (نوجوانان) و پیرامون نهج البلاغه (جوانان) اقدام به برگزاری مسابقات کتابخوانی در سطوح مختلف سنی کرده است. برگزاری دوره های آموزشی اعم از حضوری و مکاتبه ای از دیگر برنامه های این بنیاد برای آشنایی نوجوانان، جوانان با کتاب نهج البلاغه است.

آیا برنامه هایی برای مدارس و سایر مراکز آموزشی دارید؟

یکی از اهدافی که بنیاد نهج البلاغه به طور جدی پیگیری است و به آن اهتمام دارد، بحث آموزش این کتاب در مدارس و مراکز آموزشی است. برای نیل به این هدف، بنیاد ارتباط با مربیان آموزش و پرورش را برقرار کرده تا زمینه لازم برای تربیت مربیان آگاه و کارآزموده فراهم شود؛ چراکه اگر نهج البلاغه بخواند به عنوان یکی از دروس در مدارس مطرح شود کیفیت تدریس آن مستلزم تربیت و آموزش مربیان کارآمد خواهد بود. به همین دلیل چندین سال است که از این افراد دعوت شده و ضمن کسب آموزش و راهنمایی از اساتید، این افراد خود نیز به تحقیق و مطالعه پرداخته اند.

استقبال مراکز دانشگاهی از بنیاد چگونه بوده است؟

بنیاد نهج البلاغه همواره ارتباط خود را با دانشگاه ها حفظ کرده و در زمینه های مختلف اعم از آموزش، تحقیق و تالیف با آنان همکاری کرده است. به عنوان نمونه می توان به برگزاری کلاس های نهج البلاغه، تالیف و تدوین کتب اساتید مختلف برای آموزش و تدوین کتب درسی با موضوعات نهج البلاغه برای مراکز دانشگاهی مختلف اشاره کرد. همچنین این بنیاد برای اولین بار موفق به تاسیس رشته نهج البلاغه در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری با مجوز وزارت علوم شده که رشته های مذکور با همکاری دانشگاه پیام نور در حال جذب دانشجو و آموزش است.

آیا انتشار نسخ نفیس نهج البلاغه در برنامه های شما قرار دارد؟

این بنیاد اولین نسخه تصحیح شده نهج البلاغه را به صورت بسیار نفیس در قطع رحلی تحت عنوان «نهج البلاغه مصحح» به چاپ رسانده که مورد توجه و استقبال گسترده - چه در داخل و چه در خارج کشور - واقع شده است.

از برنامه های آتی خود بگوئید.

ما برنامه های گسترده ای را تا پایان سال پیش بینی کرده ایم که برپایی نمایشگاه های هنری با موضوع مفاهیم و مطالب کتاب شریف نهج البلاغه یکی از آنهاست. عنایت به موضوعات مورد علاقه و توجه جوانان و نوجوانان به طور تخصصی، کاربردی کردن موضوعات نهج البلاغه، تالیف کتب جدید با رویکرد مسائل روز جامعه مانند حقوق بشر، آزادی و عدالت در نهج البلاغه، ایجاد کتابخانه تخصصی نهج البلاغه برای محققان و دانشجویان، ایجاد بانک اطلاعاتی جامع درباره ترجمه ها، تالیفات، پایان نامه ها و مقالات، توجه و راه اندازی ستادهای نهج البلاغه در مراکز دولتی و عمومی، جمع آوری تمامی آثار منتشر شده و ارائه آنها در فروشگاه نهج البلاغه و راه اندازی نمایشگاه دائمی هنری در بنیاد نهج البلاغه از دیگر برنامه های ما است.

همچنین برای ترویج، توسعه و راه اندازی کتابخانه های نیمه تخصصی نهج البلاغه در سطح کشور نیز برنامه هایی داریم که امیدواریم این برنامه ها تا پایان سال محقق شود.



بوده است؟

بنیاد نهج البلاغه از هر فرصتی برای آموزش و آشنایی جوانان و نوجوانان با مفاهیم نهج البلاغه استفاده کرده است. بخش انتشارات این بنیاد کتاب های مختلفی را با ساختارهای گوناگون جهت دستیابی به اهداف خود منتشر کرد که از جمله این کتاب ها می توان به «مجموعه برابیم بگو» اشاره کرد. این کتاب در ۴ مجلد به چاپ رسیده و شامل داستان، حکایت و معما با موضوع نهج البلاغه و امیرالمؤمنین (ع) است. همچنین مجموعه داستان های نهج البلاغه برای آشنایی کودکان و نوجوانان با حوادث دوران زندگی حضرت امام علی (ع) تهیه شده است. از دیگر فعالیت های این بنیاد برگزاری مسابقات نهج البلاغه در سطح استانی و کشور است که در این مسابقات سعی شده با استفاده از خلاقیت کودکان و نوجوانان در زمینه نقاشی، خطاطی و... به معرفی مفاهیم این کتاب

جمله این آثار ترجمه نهج البلاغه به زبان های مختلف انگلیسی، آلمانی و فرانسه است، همچنین دانشمندی از کشور سوریه که کتاب نهج البلاغه را در دانشگاه دمشق از سطح فوق دیپلم تا دکتری به صورت کتب درسی در آورده به طور ویژه با ما همکاری دارد. به طور کلی هدف از تاسیس بنیاد نهج البلاغه را چه می دانید؟

بنیاد نهج البلاغه سال ۱۳۵۳ در اوج بحران و خفقان دوران طاغوت با هدف اجرای فعالیت های علمی و مفید که ثمره و بازتاب آن در تحول و تحرک و بینش جامعه اثر مستمری داشته باشد، تاسیس شد. هدف این بنیاد آگاه کردن جامعه نسبت به نیازهای خویش با استفاده از کتب و شیوه های خاصی بود که مردم با عطف و رغبت بیشتری به آنها روی آورند. به همین دلیل تشکیلات آن با موسسات انتشاراتی قابل مقایسه نبود تا بخواهد کتب پرروشی را انتخاب و چاپ کند، بلکه کار خود را با یکی از اساسی ترین نیازهای جامعه که همان لزوم آشنایی مردم با متون اسلامی از جمله کتاب شریف نهج البلاغه بود آغاز کرد که در این مسیر با استمداد از نویسندگان شناخته شده و با توجه به آثار برجسته ادبی سعی کرده است با بررسی و ارائه و شناسایی متون اسلامی نتایج ارزنده ای را کسب کند. با توجه به این که هدف اصلی بنیاد نهج البلاغه شناساندن نهج البلاغه به عنوان یکی از متون اسلامی در میان اقشار مختلف جامعه است، آشنایی نسل جوان و دانش آموز و دانشجویان با فرهنگ علوی و تربیت آنان بر مبنای ولایت اهل بیت علیهم السلام را می توان یکی از سیاست های مهم و خط مشی بنیاد به حساب آورد. همکاری با جریان فرهنگ کشور برای پر کردن خلأهای موجود از نظر تحقیق و تالیف در مراکز فرهنگی و آموزشی کشور و تلاش برای رشد فرهنگ علوی را می توان از دیگر اهداف بنیاد برشمرد.

بخش مهمی از مخاطبان نهج البلاغه جوانان و نوجوانان هستند. فعالیت شما در این عرصه چه

تاریخچه بنیاد نهج البلاغه

نهج البلاغه یکی از گرانبه ترین منابع فرهنگ اسلامی است که باید با داشتن توان علمی ویژه، همه ابعاد و زوایای آن را بررسی کرد تا به اعماق سخن امام علی (ع) راه یافت و آن گاه در زمینه های جهان بینی الهی و ایدئولوژی اسلامی و به دست آوردن راه و رسم زندگی سعادتبخش از آن بهره جست. طبیعی است که این کار از عهده یک فرد بیرون و گروهی از دانشمندان متعهد برای رسیدن به این هدف لازم است. متفکر بزرگ اسلامی، شهید مطهری از آن جهت که نهج البلاغه ناشناخته مانده و از فضای کتابخانه ها و مراکز علمی، به میان مردم راه نیافته بود خاطری رنجیده و دلی سوخته داشت و معتقد بود برای شناساندن این کتاب و استفاده همه جانبه از آن باید گروهی از دانشمندان گردهم آیند و موسسه ای بنا کنند. این تفکر زمانی ایجاد شد که رژیم طاغوت برای برخی کتاب های داستانی، موسسه و بنیادهایی تاسیس کرده بود، ولی قرآن و نهج البلاغه نه تنها مرکز و موسسه ای نداشتند بلکه تحقیق و شناسایی در این حوزه ها جرمی بزرگ بود. سرانجام در سال ۱۳۵۵ با راهنمدهای استاد شهید مطهری، بنیاد نهج البلاغه پا گرفت و با گردهم آمدن تعدادی از دانشمندان توسط سید جمال الدین دین پرور آغاز به کار کرد. وی در سال ۱۳۱۷ شمسی در یکی از محله های تهران به نام امامزاده یحیی در خانواده ای روحانی به دنیا آمد. سال های اول دبستان را در مدرسه محمدی به مدیریت مرحوم جلالی گذراند و سپس همراه پدر که برای تکمیل تحصیلات به قم می رفت به این شهر سفر کرد و تا کلاس ششم را در مدرسه باقریه که در مدرسه فیضیه قرار داشت. ادامه داد و در همان سال تحصیلات طلبگی را نزد مرحوم حاج شیخ علی اصغر کرباسچی شروع کرد و پس از یک سال همراه پدر و خانواده به تهران مراجعه و نزد حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ احمد مجتهدی به ادامه تحصیل پرداخت و در سن پانزده سالگی در تهران به لباس روحانیت ملبس شد. او برای طی مدارج بالای علمی از محضر اساتید و مراجع بزرگی مانند آیت الله العظمی بروجردی، اراکی، گلپایگانی، امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی بهره گرفت و از مدرسان اخلاق آن زمان مانند آیت الله حاج شیخ عباس تهرانی و عارف و عالم وارسته حاج آقا حسین فاطمی قمی استفاده کرد. وی در همین دوران با همفکری و همکاری آقایان حاج سید محسن خرازی، حاج شیخ رضا استادی، حاج سیدهادی خسروشاهی، حاج شیخ هادی معزی تهرانی و برخی دیگر از فضلا به تاسیس و اداره دو موسسه در راه حق و اصول دین پرداخت و در سال ۱۳۴۱ به علت فعالیت در مسیر نهضت امام خمینی (ره) دستگیر و زندانی شد. وی در سال ۱۳۵۰ به اتفاق همسر و فرزندان خویش به تهران بازگشت و به تاسیس بنیاد نهج البلاغه اقدام کرد.

بی شک نهج البلاغه یکی از مهم ترین کتاب های دینی ماست، با این همه و به گفته بسیاری از کارشناسان، هنوز زوایای ناشناخته بسیاری از این اثر برای ما وجود داشته است. بنیاد نهج البلاغه که کار خود را از اوایل دهه ۱۳۵۰ آغاز کرد، یکی از مهم ترین فعالیت هایی است که در این عرصه در ایران انجام شده و محققانی که با این بنیاد فعالیت دارند، درصددند تا آشنایی ما با این اثر مهم مذهب شیعه را عمق بیشتری ببخشند. در گفت و گویی که در ادامه می خوانید، آیت الله سید جمال الدین دین پرور، مدیر بنیاد نهج البلاغه، به سوال های کتاب هفته درباره این بنیاد پاسخ داده است.

بنیاد نهج البلاغه در کنار انتشار این اثر گران قدر، تا چه اندازه به آثار مرتبط با آن می پردازد؟ یعنی تا چه اندازه انتشار آثاری در شرح، تفسیر و تبیین نهج البلاغه مورد توجه شماست؟

فعالیت بنیاد نهج البلاغه بیشتر متکی به تحقیق بوده است؛ زیرا نیاز و ضرورت عصر حاضر ایجاب می کند تا مطالب را متناسب با زمان و متون اسلامی مورد بررسی قرار دهیم و بیشتر وقت خود را صرف تحقیق و تحقق اهداف اصلی خود کنیم. یکی از مشکلات موجود در معرفی نهج البلاغه، به عنوان یکی از متون اسلامی در میان اقشار مختلف جامعه، تالیف شروع مختلف این کتاب به زبان عربی بوده است. یعنی از ابتدای خطبه ها و نامه ها را یکی یکی شرح داده اند، در حالی که این گونه بررسی و جمع بندی به هیچ وجه صحیح نیست؛ زیرا برای استنباط موضوع خاصی باید تمام روایاتی را که در بخش های مختلف آمده کنار هم گذاشت و با بررسی نظام علمی آنها نظر امام را به دست آورد. بنیاد تمام سرمایه و نیروی خود را به کار گرفت تا تفسیری موضوعی از نهج البلاغه تدوین و عرضه کند و برای این مقصود اقدامات زیادی انجام و فیش های زیادی جمع آوری شد که نتیجه این فعالیت ها چاپ کتاب «بهج الصباغه» در ۱۴ مجلد است. علاوه بر این بنیاد به تحقیق درباره موضوعات مختلف نهج البلاغه نظیر جهاد، عدالت، سیاست و... پرداخته و کتب مجزایی را بر اساس عناوین و موضوعات مختلف تهیه و منتشر می کند.

پژوهشگران چگونه می توانند با آن بنیاد همکاری کنند؟

نخست باید تحقیقات پژوهشگران توسط هیئت علمی بنیاد مورد بررسی قرار گیرد، در صورتی که آثار از نظر علمی مورد قبول واقع شد، از آن حمایت می شود. بدیهی است که از هر گونه کار پژوهشی در حوزه نهج البلاغه بر اساس بضاعت بنیاد حمایت خواهد شد. همچنین پژوهشگران جوان می توانند با ارائه موضوع از سوی بنیاد با آن همکاری کنند.

آیا پژوهشگرانی از سایر کشورها با بنیاد نهج البلاغه همکاری دارند؟

بله، یکی از کارهای انجام شده در بنیاد نهج البلاغه ارتباط با محققان، دانشمندان و نویسندگان مختلف در ایران و دیگر کشورهای جهان برای دعوت به همکاری برای تالیف، ترجمه و تدریس نهج البلاغه است که خوشبختانه ارتباط با تعدادی از آنها آغاز و کارهایی نیز صورت گرفته است. بنیاد با برپایی چندین کنگره بین المللی و دعوت از اساتید مختلف از سایر کشورها نتایج بسیار خوبی از این رایزنی ها به دست آورده و توانسته ضمن برقراری ارتباط با این اساتید جو علمی و تحقیقی بسیار ارزنده ای به وجود آورد که نتیجه آن خلق آثار با ارزشی در رابطه با نهج البلاغه است. از



با نویسنده کتاب «خانه ای در همین نزدیکی ها»

گاهی به خودمان هم دروغ می‌گوییم

هدف این بود که بگویم آدم‌ها تا چیزی را به دست نیاورده‌اند دلشان می‌خواهد به آن دست پیدا کنند اما وقتی به دلخواهشان می‌رسند، دیگر مطلوبشان نیست.

شاید به این دلیل که آدم‌ها رو به کمال‌اند و هر روز خواسته‌ها و نیازهای تازه‌تری برایشان مطرح می‌شود؛ البته اگر این طور باشد در «تنگ بلورین» به این اصل روان‌شناسانه اشاره کرده‌اید که ترس از یک چیز، بدتر از خود آن است.

این داستان خواننده را با تاثیر افکار و اندیشه‌های بد بر زندگی اش آشنا می‌کند و در شرایط فعلی با وجود این همه فشارهای روانی که از بیرون بر ما وارد می‌شود، لازم است که انرژی‌های منفی را از خود دور کنیم.

و اما «قرعه»، توجه به قضا و قدر و تاثیر آن بر زندگی انسان هاست...

ما در زندگی به نشانه‌ها توجه نداریم و فکر می‌کنیم مرگ فقط برای همسایه است. از این رو در ذهنمان نمی‌گنجند که ممکن است ما هم صاحب یک فرزند عقب مانده شویم. به عبارتی، همه اتفاقات ناخوشایند را از آن دیگران می‌دانیم و برای آنها آسمان و ریسمان می‌فایم و از راضی بودن به تقدیر الهی دم می‌زنیم بدون این که تصور کنیم اگر خداوند ما را به هر یک از این سختی‌ها امتحان کند، چه واکنشی نشان می‌دهیم؟ اما گاهی به خودمان هم دروغ می‌گوییم.

و این همان چیزی است که در «دورترین نزدیک» به آن اشاره کرده‌اید؛ آنجا که زن تصویر خود را در آینه می‌بیند و تنها از خوبی‌های خود می‌گوید... یک چیز در همه این ۱۰ داستان مشترک است و آن این که لایه لای اتفاقاتی که برای ما می‌افتد رمز و رازی نهفته است که برای همه گروه‌های سنی جالب است.

کتاب «خانه ای در همین نزدیکی ها» با تصویرگری مژگان پارسا مقام از سوی انتشارات اشک در سه هزار نسخه منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.



خواننده را به آنچه در ذهن بود برسانم. و برای این کار از نمادهای آشنا استفاده کرده‌اید. برای مثال در همین داستان، پل، رمز انتقال آدم‌ها به دنیای دیگر است...

بخشی به سابقه ذهنی مخاطب برمی‌گردد و شناختی که او از نماد پل دارد و قسمتی به خود من برمی‌گردد که تشبیه دیگری نمی‌دانم و گرنه شاید از نشانه دیگری استفاده می‌کردم.

در داستان «صدای دهل» از ضرب‌المثل‌ها استفاده کرده‌اید. تا چه اندازه استفاده از مثل‌های عامیانه تعمدی بوده؟

هیچ... زمان نوشتن تنها به این فکر می‌کردم که وقتی از دور به آدم‌ها و پدیده‌ها نگاه می‌کنی بدی‌ها و کاستی‌هاشان را نمی‌بینی و در ارتباط نزدیک است که متوجه معایب دیگران می‌شوی.

بهرتر نبود نام دیگری را برای این داستان انتخاب می‌کردید که تمامی مفهوم «آوای دهل شنیدن از دور خوش است» را لو ندهد؟

مطرح شده تا چه اندازه دغدغه نوجوان امروز است؟ گویی شما به بیان دغدغه‌های خود پرداخته‌اید بدون آن که دنیای نوجوانان را در نظر بگیرید!

من تلاش کرده‌ام تا آنچه می‌نویسم به کار همگان بیاید و هرکس به اندازه درک خود از آن استفاده کند ضمن این که داستان «چشم انتظار» کاملاً به گروه سنی نوجوان تعلق دارد. در این داستان از بدی‌های محدودیت و آزادی نامحدود دادن به بچه‌ها صحبت شده است. در هر حال دلم می‌خواست مخاطب را با داستان کوتاه و امکانات آن آشنا کنم.

در داستان «خانه ای در همین نزدیکی ها» که نام مجموعه نیز از آن گرفته شده، به مرگ و دنیای دیگر اشاره و از نمادها استفاده کرده‌اید البته نمادهای آشنا برای همه حتی نوجوانان...

من به جای نماد از واژه میان‌بر استفاده می‌کنم، در واقع کوشیده‌ام تا در قالب کمترین لغات،

فاطمه آقاییاری در نخستین کتاب خود که «خانه ای در همین نزدیکی ها» نام دارد، سراغ موضوعاتی بنیادی در عرصه تفکر رفته است. مخاطبان این مجموعه داستان، نوجوانانی‌اند که همواره این سوال‌ها را در ذهن پرورانده‌اند، با این همه، مخاطبان بزرگسال نیز می‌توانند خوانندگان این کتاب باشند. در گفت‌وگویی که در پی می‌آید، آقاییاری به توضیح درباره این کتاب، مخاطبان آن و به طور کلی فضای نوشتن مفاهیم فلسفی برای نوجوان پرداخته است. وی معتقد است که باید به جای پرگویی، با استفاده از کمترین کلمات، فضای داستانی را پیش روی مخاطب گسترده.

ظاهراً کتاب برای گروه سنی نوجوان نوشته شده در حالی که دایره گسترده‌تری از مخاطبان را در برمی‌گیرد...

اگرچه اقوال متفاوتی درباره گروه سنی نوجوان وجود دارد و هنوز روان‌شناسان به نتیجه واحدی در این زمینه نرسیده‌اند اما اگر منظور سن و سال مخاطبان باشد که از ۱۳ تا ۱۹ سال را نوجوان می‌دانند، این تقسیم‌بندی، مرزبندی درستی نیست؛ چرا که بلوغ فکری بعضی نوجوانان پیش از دیگر هم سن و سالان خود است و برعکس، بعضی بزرگسالان هم هستند که خوانندگان جدی کتاب و داستان نیستند.

اما دایره واژگانی نوجوانان محدودتر از بزرگسالان است و آنها از اصطلاحات و عباراتی متفاوت با این گروه سنی استفاده می‌کنند.

موقع نوشتن خیلی به مخاطب و گروه سنی خاص توجه نکردم اما وقتی داستان‌ها به پایان رسیدند و قرار شد ویرایش شوند تصمیم گرفتم از واژگان ساده‌تری استفاده کنم تا برای نوجوانان قابل فهم باشد و گرنه می‌توانستم از لغات دشوارتر هم بهره ببرم.

اما توجه به گروه سنی مخاطب تنها به واژگان مربوط نمی‌شود. اندیشه‌ای که در این راستا

نرگس آبیاری از داستان‌هایش می‌گوید

ماهی سیاه عاشق می‌شود



«هیچ تا به حال شنیده بودید که یک ماهی سیاه دلش بخواهد توسط یک گربه خالمخالی خورده شود؟ به نظر عجیب و غریب می‌آید، اما همین طور بود. این آرزوی ماهی سیاه آسمون جل و شاید تنهای آرزوی او بود. آرزو که چه عرض کنم، ماهی سیاه آسمون جل شاعر پیشه در این اشتیاق می‌سوخت و می‌ساخت و دم بر نمی‌آورد...» نرگس آبیاری

در داستان «شعرهای یک ماهی سیاه آسمون جل» نیز مانند دیگر داستان‌هایش به آدم‌ها، تفاوت‌ها و تشابهاتشان اشاره کرده است. نویسنده در پاسخ به این پرسش که چرا مضمون کتاب‌هایش در «داستان دو پنج»، «افسانه چشمه لاغر مردنی» و «قهرمان قصه خل و چل» تازه نیست و بارها به آن پرداخته شده، می‌گوید: «ما هیچ مضمون تازه‌ای در این دنیا نداریم، اگر ذهن بشر، پیوسته در حال خلق و آفرینش است و حتی اگر موضوعات در طول تاریخ یکسان باشند، نوع روایتگری ما متفاوت است. برای مثال در «داستان دو

پنج» اگرچه مفهوم، کهنه است و بارها به آن پرداخته شده اما او - شخصیت - مرگ شکوهمندی را انتخاب می‌کند که مقدمه یک زندگی دوباره است.»

شخصیت‌های داستانی آبیاری، آزاد و مختارند و هیچ کاری را از روی اجبار انجام نمی‌دهند. آنها با تفکر، راه زندگی خود را برگزیده‌اند. برای نمونه، در قهرمان قصه خل و چل یک علامت منفی دلش می‌خواهد به علامت مثبت تبدیل شود از این رو باید عاشق یک منفی دیگر شود.»

نویسنده فکر می‌کند که انسان‌ها باید عادات اشتباه خود را کنار بگذارند و می‌گویند: «جامعه، جهان، زندگی روزمره و رسانه‌ها چیزهایی را به خورد ما داده و موجب شده‌اند تا دنیایی دروغین در ذهن ما شکل بگیرد؛ دنیایی که باید از نو ساخته شود.»

به گفته او، داستان باید باورپذیر باشد و حس مخاطب را برانگیزد. آبیاری همچنین فکر می‌کند این بزرگترها هستند که به شیوه‌های معمول داستان‌سرایی عادت کرده‌اند؛ در صورتی که کودکان و نوجوانان به راحتی می‌توانند شیوه‌های جدید را درک کنند.

نویسنده همچنین از ضرب‌المثل‌های گوناگون برای بیان مقصود و منظور خود استفاده کرده و معتقد است که به کاربردن امثال، موجب ملموس‌تر شدن داستان می‌شود و خواننده به راحتی

می‌تواند با اثر ارتباط برقرار کند و آن را از خود بداند. نخستین کتاب آبیاری «داستان دو خط موازی» است که سرانجام به هم می‌رسند، آنان هم در نقاشی پرسپکتیو. در واقع از نظر او بسیاری از غیرممکن‌ها در دنیای هنر و تخیل، ممکن می‌شود.

آبیاری همچنین از نخستین کتابی که خواننده است می‌گوید: «آن روزها پدر و مادرم اجازه نمی‌دادند که من کتاب داستان بخوانم چون فکر می‌کردند با خواندن قصه و داستان، از درس و مشق غافل می‌شوم. من هم به خانه دایی‌ام که طلبه بود و کلی کتاب داشت می‌رفتم و از بین کتاب‌های او، آنچه را مربوط به پیامبر (ص) و امامان بود و فهمش برابم راحت‌تر، انتخاب می‌کردم و می‌خواندم تا این که یک روز لایه لای کتاب‌ها «ماهی سیاه کوچولو» را دیدم و نه یک بار و دوبار که ۱۰ بار خواندم و از خواندنش لذت بردم. کتابی که هنوز فراموشش نکرده‌ام. به یاد می‌آورم که آن شب تا صبح نخوابیدم و به ماهی کوچکی فکر کردم که زندگی خود را فدا کرد تا به دریا برسد. به خاطر همین است که دوست دارم شخصیت‌های داستانم، مرگی شکوهمند را انتخاب کنند.»

«شعرهای یک ماهی سیاه آسمون جل» متنی دو زبانه (فارسی و انگلیسی) است که مانند داستان‌های دیگر این مجموعه، از سوی نشر اردال منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.



ضرورت بومی‌نویسی و بومی‌خوانی

می‌گوید: «بر اساس نتایج این تحقیق، باید بپذیریم که اغلب کتاب‌های این حوزه، یا به طور مستقیم ترجمه شده آثار خارجی‌اند یا به صورت غیرمستقیم ترجمه (گردآوری) شده‌اند، یعنی کتاب‌هایی که از منابع مختلف استخراج شده‌اند.»

نویسنده کتاب «بهداشت روانی خانواده» همچنین کتاب‌های ترجمه شده در این حوزه را با فرهنگ بومی و ملی متناسب نمی‌داند و معتقد است: «استخراج مباحثی چون ازدواج، روابط زناشویی و خانواده از کتاب‌های نویسندگان غربی، وابسته به فرهنگی غیرایرانی است که استفاده از شیوه‌ها و راهکارهای آنان گاهی در زندگی ما به جای سود و فایده، ضرر خواهد داشت. کتاب‌هایی در حوزه بهداشت روانی و ازدواج در فرهنگ آمریکایی و هندی کاملاً متفاوت با نمونه‌های ایرانی‌اند و سلامت خانواده به جای این که تأمین شود، تقلیل پیدا می‌کند.»

وی همچنین به ایجاد نگرشی جدید در بین صاحب‌نظران، نویسندگان و کارشناسان اشاره دارد و در این باره می‌گوید: «رسم بر این است که در پایان هر کتاب، فهرست منابع درج می‌شود. در ایران، اغلب نویسندگان برای کتاب‌های خود از فهرست کتاب‌ها و پژوهش‌های خارجی استفاده می‌کنند، در حالی که نمونه این تحقیقات در ایران انجام می‌شود اما بسیاری از محققان ما کمترین توجه را به چنین پژوهش‌هایی دارند و این موضوع، نشانه عدم خودباوری در علم و دانش است.»

نویسنده کتاب «آسیب‌شناسی خانواده» در دسترس نبودن کتاب‌های حوزه بهداشت روان را یکی دیگر از مشکلات آثار منتشر شده در این حوزه معرفی می‌کند و در این باره می‌گوید: «کتاب‌هایی که با این موضوع منتشر می‌شوند، متناسب با قشر مخاطب خود از جمله دانشجویان، استادان دانشگاه، خانه‌دار یا شاغل و... رتبه‌بندی نمی‌شوند و این موضوع موجب می‌شود برخی کتاب‌های دانشگاهی به عنوان کتاب عمومی به بازار راه یابند و مخاطب عمومی به دلیل نثر سنگین کتاب، از محتوای اثر بهره‌برداري مناسبی نکنند.»

کتابخوان نداریم؟!

مترجم کتاب‌های موفقیت «وین دایر» در ایران، دستی هم در ترجمه کتاب‌های خانواده دارد. محمدرضا آل‌یاسین وجود کتاب‌های حوزه بهداشت روان را مثبت ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «اکنون از نظر کیفیت کتاب در این موضوع مشکلی نداریم. مشکل اساسی این است که آیا مردم این کتاب‌های منتشر شده را می‌خوانند یا نه؟!»

وی ادامه می‌دهد: «اگر مردم کتابخوان باشند، به مرحله دیگری می‌رسیم که بر اساس آن باید دید مخاطبان پس از مطالعه کتاب، استنباط درستی از مطالب و محتوای کتاب دارند یا خیر و آیا آن اثر، توانسته کاربردی و اثرگذار باشد؟»

آل‌یاسین در این باره توضیح می‌دهد: «کتاب‌هایی که در حوزه روان‌شناسی منتشر می‌شوند، برای اثرگذاری مثبت بر خواننده باید بر اساس سلسله مراتبی نگارش شوند که با بهترین و بیشترین تأثیر همراه باشند.»

وی، تحلیل درست و اصولی را یکی از مباحث مهم کتاب‌های این حوزه می‌داند و می‌گوید: «کتاب‌های این بخش اغلب در ایران جزو پرفروش‌ها نیستند، زیرا تبلیغات درستی در این زمینه انجام نمی‌گیرد. این در حالی است که کتاب‌هایی با موضوع بهداشت روان اغلب در کشورهای خارجی با استقبال خوب مردم مواجه می‌شوند و پرفروش‌اند.»



اقدام به چاپ کتاب کنند، زیرا ناشر نیز مانند نویسنده و مترجم در انتشار یک اثر مسئولیت دارد.»

آشتیانی، همچنین به انتشار کتاب‌های حوزه خانواده با رویکرد تالیفی و بومی تأکید می‌کند و می‌افزاید: «کتاب‌هایی که بومی باشند و بر اساس نیاز خانواده‌های ایرانی تأمین شوند، بهتر می‌توانند به نیازهای خانواده‌ها پاسخ بگویند و حتی خواست‌های آنان را در زمینه‌های مختلف اجتماعی و خانوادگی تأمین کنند.»

به گفته مدیرمسئول انتشارات رسانه تخصصی، مترجمان نیز باید برای برگردان و ترجمه کتاب‌های حوزه روان‌شناسی، برخی مباحثی را که با دین و فرهنگ ایرانی سازگاری ندارند، حذف کنند و سراغ الگوها و مدل‌های داخلی بروند.

کتاب‌ها در چه بندی شوند

آیا کتاب‌هایی که در حوزه بهداشت روان خانواده منتشر می‌شوند، پاسخگوی نیاز خانواده‌ها هستند؟ آیا آثار منتشر شده در این حوزه، از نظر کمی و کیفی، در حالت تعادل قرار دارند؟ این کتاب‌ها تا چه میزان برای عموم مردم جامعه که مخاطبان آن هستند، در دسترس‌اند؟

خدابخش احمدی یکی دیگر از نویسندگان کتاب‌های حوزه خانواده، در این باره می‌گوید: «هیچ وقت نمی‌توانیم بگوییم درباره یک موضوع به غنای کامل رسیده‌ایم و کتاب در حوزه‌ای به اندازه کافی منتشر شده است و این موضوع، در حوزه کتاب‌های علمی بیشتر صدق می‌کند.»

وی روبه‌رو شدن با مسایل و شرایط جدید را یکی از دستاوردهای علم روز می‌داند و اظهار می‌دارد: «کتاب‌هایی که درباره مسائل روزند، باید بر اساس نیاز روز خانواده‌های ما تالیف، ترجمه و منتشر شوند تا کاربردی درست و اساسی در سطح جامعه داشته باشند.»

احمدی با بیان این که امروز در سال ۸۸ ما با موج جدیدی از مسائل و مشکلات مختلف در ایران و جهان روبه‌روایم، می‌افزاید: «متناسب با این تغییرات باید اطلاعات علمی و اجتماعی خانواده‌های ما نیز ارتقا پیدا کند. ما در هر سال به یک کتاب مشخص و جدا احتیاج داریم، کتابی با موضوع روز که دربردارنده مفاهیم عمیق انسانی آمیخته با مسائل روان‌شناسی باشد.»

این نویسنده به کارهای پژوهشی در حوزه کتاب‌های بهداشت روان و ازدواج اشاره می‌کند و

برای مثال برخی کتاب‌ها خودآموز یا به عنوانی دیگر، خودیاری و با ارائه مطلب، گام به گام به مخاطبان خود راهنمایی و مشاوره ارائه می‌دهند. مثلاً «اگر خشمگین شدید، چگونه رفتار کنید» یا «در لحظات اضطراب و ترس به چه شیوه‌هایی متوسل شوید» که این گونه آثار تأثیرات معمولاً مثبتی دارند.»

محمدخانی از این کتاب‌ها به عنوان «داروهای مُسکن مقطعی» نام می‌برد و می‌گوید: «شاید مطالعه این آثار تا حدودی در یک مقطع زمانی بر خواننده تأثیرگذار باشد، اما کتاب مقدمه‌ای برای شروع تحولی بزرگ در زندگی افراد به شمار می‌آید که آنان را به سوی استفاده از تجربیات و پیشنهادها مشاوران و روانشناسان رهنمون می‌کند.»

وی استفاده از این آثار در جلسات کتاب‌درمانی را یکی دیگر از مزیت‌های این آثار معرفی می‌داند و می‌افزاید: «گاهی اوقات یک روان‌شناس برای درمان بیماران خود از شیوه کتاب‌درمانی استفاده می‌کند؛ به این صورت که پس از تشخیص بیماری مراجعه‌کننده خود، کتابی مقدماتی به وی پیشنهاد می‌دهد و زمینه را برای درمان بیمار خود فراهم می‌کند. در ایران نیز این شیوه به تازگی رواج یافته است که می‌تواند با موفقیت بسیاری همراه شود.»

تأکید بر تالیف

کتاب‌های حوزه بهداشت روان و خانواده، کم و بیش در اغلب موضوعاتی که مورد نظر خانواده‌هاست، منتشر می‌شوند. در این میان، ناشران نقش بسزایی در انتشار آثار مناسب و کاربردی دارند.

مدیرمسئول انتشارات «رسانه تخصصی»، ناشر کتاب‌های حوزه روان‌شناسی و خانواده، در این زمینه می‌گوید: «کتاب‌هایی که در این حوزه منتشر می‌شوند، می‌توانند به نیازهای مخاطبان پاسخ گویند اما نکته مهم این است که خانواده‌ها چقدر برای مطالعه این آثار احساس نیاز می‌کنند و برایشان مهم است که مسائل زندگی‌شان را حل کنند.»

محمدرضا آشتیانی ادامه می‌دهد: «اکنون به دلیل بروز برخی مشکلات و ناهماهنگی‌ها در خانواده‌ها، تعدادی از ناشران در حوزه کتاب‌های خانواده، بازار کتاب را فرصت خوبی تلقی کرده‌اند و به تناسب آن دنبال انتشار کتاب‌های مناسب رفته‌اند که تالیف و ترجمه این آثار با قوت و ضعف بسیار دنبال می‌شود.» وی با اشاره به نقش اثرگذار ناشران در انتشار آثار مناسب این حوزه، می‌گوید: «ناشران باید قبل از انتشار کتاب، آثار را مطالعه و با توجه به سیاست نشر خود

خانواده، اصلی‌ترین بنیان تربیتی است که شخصیت افراد تا حد زیادی بر اساس وضعیت و سطح علمی و فرهنگی آن شکل می‌گیرد. اگر محیط خانواده‌ای سالم و پویا باشد، به یقین افراد حاضر در آن امکان بیشتری برای رسیدن به موفقیت دارند. ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری موجود در برخی خانواده‌ها نیز تا اندازه‌زیادی بر نگون بختی اعضای آن تأثیرگذار است. تاکنون کتاب‌های زیادی درباره خانواده و چگونگی حفظ و ارتقای سلامت روانی و فرهنگی خانواده‌ها منتشر شده است و این روزها به وفور می‌توان چنین کتاب‌هایی را پشت و پیشتر ویرتین کتاب‌فروشی‌ها تماشا کرد.

حال باید بررسی کرد که این کتاب‌ها تا چه اندازه پاسخگوی نیازهای خانواده‌ها از زاویه علمی‌اند و تا چه حد مطالب آنها کاربردی به حساب می‌آید.

ضرورت تلفیق دین و سلامت

از قدیم گفته‌اند «چون که صد آمد، نود هم پیش ماست». به یقین هنگامی که از معارف و توصیه‌های خداوند رحمان در قالب کتاب آسمانی اش قرآن کریم بهره‌بریم و در کنار استفاده از این منبع لایتناهی، از فرمایشات گرانقدر پیامبر خاتم(ص) و ائمه معصومین(ع) سودجوییم، ناخودآگاه از مبانی علمی و آنچه به آن علم روز گفته می‌شود، بهره‌مند خواهیم بود.

حسن علی میرزا بیگی، نویسنده بیش از ۵۰ عنوان کتاب در حوزه خانواده، در این زمینه با اشاره به ضرورت تلفیق دین و سلامت در متون روان‌شناسی معتقد است: «اگر کتاب‌های روان‌شناسی روز با آیات و احادیث بزرگان تلفیق شوند، بهترین راهکارها را برای زندگی خوب و سالم پیش روی خانواده‌ها قرار می‌دهند.»

وی ادامه می‌دهد: «واژه روان‌شناسی اسلامی از ترکیب دین و علم روز متبلور می‌شود و دربردارنده مفاهیم عمیق اسلامی همراه با علم روز است که خانواده‌ها با به‌کارگیری آن می‌توانند زندگی موفق‌تری داشته باشند.»

نویسنده کتاب «کلیدهای طلایی زندگی» با بیان این که کتابخوان نبودن خانواده‌ها یکی از مشکلات این حوزه به شمار می‌آید، اظهار می‌دارد: «اگر خانواده‌ها اهل مطالعه باشند، می‌توان ثمرات آن را در زندگی آنان مشاهده کرد اما مشکل اینجاست که بسیاری از افراد پس از مراجعه به کتابفروشی تنها به جلد و عنوان کتاب توجه می‌کنند.»

کتاب‌های مُسکن

شهرام محمدخانی یکی از مترجمان کتاب‌های حوزه بهداشت روان نیز در سخنانی با بیان این که کتاب‌های حوزه بهداشت روان کم شمارند و پاسخگوی نیاز خانواده‌ها نیستند، می‌گوید: «اغلب آثاری که در این حوزه منتشر شده‌اند، به صورت بسته‌های دولتی بوده‌اند که در میان برخی مراکز و سازمان‌ها توزیع می‌شوند.»

مترجم کتاب «مهارت‌های زندگی» به استقبال خانواده‌ها از برخی کتاب‌های منتشر شده اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «نباید انتظار داشت تمام کتاب‌هایی که در این حوزه منتشر می‌شوند، به گونه‌ای باشند که به تمامی نیازهای خانواده‌ها پاسخ بدهند، اما می‌توانند راهگشای بسیاری از مشکلات و درگیری‌های کوچک خانواده‌هایی باشند که با برخی مهارت‌ها و فنون زندگی آشنا نیستند.»

وی در این باره توضیح می‌دهد: «همه کتاب‌ها نمی‌توانند بر مخاطبان خود اثرگذاری مستقیم داشته باشند، زیرا تأثیر آثار به مسائل مختلفی بستگی دارد.



بازار داغ کتاب‌های پلیسی

بدهد، خشم و نفرت خود را بی دریغ بر سر مخالفانشان خالی می‌کنند، به عبارتی پیرو آن اصول اخلاقی پاکیزه‌ای که بر ذهن و رفتار خانم مارپل و هرکول پوارو غالب است، نیستند. به این جهت‌ها است که ادبیات پلیسی از نوع آمریکایی، با هر مخاطبی در هر جای جهان راحت ارتباط برقرار می‌کند. نویسنده‌های پلیسی در انگلستان و آمریکا، زندگی‌های کاملاً متفاوت و حتی متضادی داشتند. آگاتا کریستی و سر آرتور کنان دوئل، اشراف منش و از طبقات مرفه بودند و برعکس آن‌ها ادگار آلن پو، خراب و خراباتی بود. ریموند چندلر واقعا از ورشکستگی بود که به ادبیات پلیسی روی آورد تا نانی دست و پا کند و از گر سنگی نمیرد. داشیل همت از همان دوران کودکی، ناچار به کوچه و خیابان زد تا با روزنامه‌فروشی و دستفروشی کمک خرج خانواده اش باشد. باری، به هر حال، زندگی‌های متفاوت و یا متضاد، بیش‌ها و بیان‌های متفاوتی را در ادبیات پلیسی به وجود آورد و گفته شد که نوع آمریکایی از ادبیات پلیسی، ارتباط نزدیک با زندگی واقعیت مردم عادی دارد.

این نکته دریافت خود من است و درجایی ندیده و نخوانده‌ام که: گویا ادبیات پلیسی دو شعبه اصلی دارد، یکی انگلیسی و دیگری آمریکایی. نوع انگلیسی ادبیات پلیسی، چه با قهرمان‌هایی مثل خانم مارپل و یا هرکول پوارو و چه با شرلوک هولمز، در کاخ‌ها و مزارع و باغ‌های بزرگ و تئاترهای اشرافی می‌چرخند و اما نوع آمریکایی ادبیات پلیسی از همان آغاز با آثار ادگار آلن پو، قهرمان‌های ضد قهرمان و شکست خورده و حتی غیرقابل اعتنایی دارند که نه هوش سرشار دارند و نه دقت فراوان، این‌ها از میان جماعت عادی و عامی آمده‌اند و سر و کارشان هم معمولاً با مردم کوچه و بازار است و به این ترتیب قلابی و کلیشه‌ای جلوه نمی‌کنند. قهرمان‌های چندلر و داشیل همت و در ادامه آن‌ها، پل استر از زیرکی و فطانت خاص مردم بهره‌مند هستند که در مرز ورشکستگی از هر نوع، حتی ورشکستگی اخلاقی قرار دارند و اگر مرتکب جنایت می‌شوند یا برای بهبود زندگی‌شان است و پا در هجوم مکرر مصائب ویران شده‌اند. این‌ها نه مثل هرکول پوارو، نشسته رفته‌اند و نه مثل شرلوک هولمز، عصا قورت داده و نابغه، حتی مشکل می‌توان به کارآگاه‌های ادبیات پلیسی آمریکا، نام قهرمان داد. هیچ ویژگی عالی و آرمانی ندارند، برعکس، کتک خورده‌های بدی نیستند و نبوغ خاصی هم ندارند، منتها آدم‌های دست‌از جان‌نشسته‌ای هستند که خیلی پروای سلامت خود را ندارند و اگر راه

فیلم‌هایی مثل «گنج قارون» داشت در ساخت و پرداخت قهرمانی از طبقات پایین اجتماع که نان خوش قلبی خودش را می‌خورد و جوانمرد و عیار پیشه و عاشق تمام وقت بود و «نامردها» هر چه می‌کردند حریف این یکی نمی‌شدند. در یک کلام، ادبیات پلیسی به این سبک مزخرف بود و تنگ مایه... اما بازار فروش کتاب‌های پلیسی داغ بود و هست، خیلی از کتاب‌های آگاتا کریستی ترجمه می‌شود. ترجمه‌ها یا در واقع، تمرین زبان آموختن مترجمان هستند و یا مترجم بر هر دو زبان، زبان‌های مبدا و مقصد و به خصوص بر زبان مقصد، تسلطی نسبی دارد و از عهده برگردان کتاب برمی‌آید. در این صورت هم باز این موضوع باقی است که قهرمان‌های بیشتر آثار آگاتا کریستی، صبغه شبه اشرافی دارند. خیلی هاشان کارخانه‌دار و ملاک و وزیر و وکیل و قاضی و به هر حال جزو از ما بهتران هستند و معلوم است که در بیشتر آثار خانم آگاتا کریستی من ایرانی دچار به هزار و یک مشکل عرضی و غیره، نتوانم به راحتی با آثار او ارتباط برقرار کنم. بگذریم از این که بعدها کسانی مثل داشیل همت و ریموند چندلر که گویا هر دو نفرشان هم با مک کارتیم دچار مشکل، آن هم مشکلات اساسی بودند، ادبیات پلیسی را به میان مردم عادی و عامی کوچه و بازار بردند و اشخاص خود را از میان همین جماعت انتخاب کردند.

پلیسی نویسی در ایران، هنوز حتی شروع نشده است. به این یادداشت‌های سردستی و شتابزده پرونده‌های قتل و جنایت، نمی‌توان نام ادبیات گذاشت؛ زیرا شخصیت پردازی ندارند و مهمترین عنصر در داستان‌های پلیسی، یعنی تعلیق در آن‌ها کم و گم است. در تعدادی از این یادداشت‌های شتابزده، که در شمارگان انبوهی هم چاپ می‌شوند تا به اصطلاح هم عبرت آموز باشند و جوان‌های وطن‌خدای ناکرده به فکر جنایت نینفتند و هم به اصطلاح خوراک فکری عده‌ای آدم ساده لوح را تامین می‌کنند تا غبار از ملال زندگی روزمره بزایند، آری در تعدادی از این یادداشت‌های کتاب‌شکل، حتی غلط‌های انشایی و املائی را می‌بینیم و چه غم؟ در چند دهه قبل، یک آقای پلیسی نویسنده هم بود که قهرمان داستان‌هایش همه چیز بود به غیر از یک ایرانی، ماجراهای ذهنی آن داستان‌ها نه در ایران بلکه در هیچ جای جهان امکان وقوع نداشتند. قهرمان آن داستان‌ها فقط یک خوی و خصلت ایرانی، آن هم ایرانی موجود در خیالات - و نه در عالم واقع - را داشت، این که در جوانمردی تالی و ثانی پوریای ولی بود. هر چه بدمی دید جز خوبی به جای نمی‌آورد. در میان تبهکاران و در عین حال از عوامل عشق و عاشقی هم بدش نمی‌آمد! پر واضح بود که آن نوع از ادبیات پلیسی گوشه چشمی به فروش و موفقیت

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب‌های چاپ اول، انتشارات نشر نی با دوازده عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ قادر فاضلی با پنج عنوان پرکارترین مؤلف؛ و هایده گروی با سه عنوان پرکارترین مترجم بودند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۳۵۰۰ ریال	زیارت عاشورا و دعای نوسل، ناشر: لهر و اندیشه، چاپ ۲۲، ۲۲۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۲۵۰۰۰۰ ریال	مکاتیب سیالات، بروسی روی ماسون، بهار فیروزآبادی، ناشر: دانشگاه صنعتی سرفه، نفی، چاپ ۹۱۲، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۸۸ مرتبه	انگلیسی در سفر: مکاتبات و اسفلاطات روزمره انگلیسی، حسن اسرافکنلی، ناشر: انتشارات، ۲۴۰ نسخه، ۱۰۰۰۰ نسخه، ۲۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	دستور العمل کنترل علوات در فلداین‌تکنی، ناشر: مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، چاپ ۵۶، ۱ نسخه
کمترین شمارگان	۵۰ نسخه	شکوه نرماه، مجموعه روایت‌های استرالیایی، ناشر: لهر و اندیشه، چاپ ۱۸۸، ۱ نسخه، ۲۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۳۶۶ صفحه	مجموعه کامل قوانین و مقررات محضاتی مالیاتی (امانات‌های مستقیم و غیرمستقیم) با آخرین اصلاحات و الحاقات، علامه رضا مجلسی سرفی، ناشر: کتابخانه گنج دانش، چاپ ۲، ۲۰۰ نسخه، ۱۵۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۲۰ صفحه	گوش و گلو و بینی، مهرداد نوروزی، ناشر: نوبادپیشان آریساکن، چاپ ۱، ۱۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتاب‌های کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۱۸۰۰۰ ریال	آمادگی برای آزمون‌های استخدامی: زبان انگلیسی، لیلی میرمهدی تهرانی، ناشر: توسعه آموزش، چاپ ۵، ۱۲۸ نسخه، ۱۶۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۸۰۰۰۰ ریال	آمار و احتمالات مهندسی: ویژه گروه فنی - مهندسی، شامل: شروع درس، نکته، مثال‌های حل شده، نکات کلیدی، تست‌های طبقه‌بندی شده، پاسخ تشریحی تست‌های طبقه‌بندی شده، ناشر: نشر، چاپ ۲، ۴۴۰ نسخه، ۱۰۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۵ مرتبه	اصول حساب کل، عباس قاسمی‌کدخدایی، ناشر: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، چاپ ۲۴۶ نسخه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۳۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰ نسخه	ادبیات فارسی (۳)، علی ساجدی، ناشر: کمک علم ساجدی، چاپ ۷، ۲۲۲ نسخه، ۶۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	حسابداری بازرگانی: کنکور کارشناسی پیوسته، فنی حرفه‌ای، شامل: اصول حسابداری (۱) و (۲)، حسابداری شرکتی، حسابداری صنعتی، مطالب و روش‌های آماری (۱) و (۲)، علی‌اکبر شهرجاری، ناشر: پخش دانشگاهیان (گزینه‌های برتر)، چاپ ۱۲، ۴۴۰ نسخه، ۸۵۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتاب‌های بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان			
		مترجم	مؤلف	زن	مرد
۳۰۳	۵۵	۱۵۳	۴۰	۵۷۷	۱۰۵

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان باشد نویسنده، ناشر، گردآورنده، مترجم و ... به جز مترجم

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۸۸/۲/۲۰ تا چهارشنبه ۸۸/۲/۲۳، ۸۵۶ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع دین و سپس علوم عقلی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات ادبیات، کودک و نوجوان، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تعداد*	ترجمه	چاپ اول	جدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	صفحه متوسط
۱	کلیات	۲۲	۱۳	۹	۱۰	۱۲	۲۱	۱	۲۸۵۷	۲۴۳
۲	فلسفه و روانشناسی	۲۸	۲۰	۸	۶	۲۲	۲۱	۷	۲۲۵۴	۲۰۹
۳	دین	۱۸۷	۱۳۶	۵۱	۵۴	۱۰۳	۹۰	۶۷	۲۸۹۲	۲۸۸
۴	علوم اجتماعی	۷۴	۵۴	۲۰	۳۱	۴۳	۶۴	۱۰	۲۲۴۵	۳۰۴
۵	زبان	۳۳	۲۸	۵	۱۴	۱۸	۲۱	۱	۴۳۸۶	۲۵۸
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۴	۱۵	۹	۱۰	۱۴	۲۲	۲	۲۲۰۴	۳۱۶
۷	علوم عقلی	۱۴۷	۹۰	۵۷	۶۴	۸۳	۱۲۷	۳۰	۲۱۹۶	۲۹۲
۸	هنر	۲۸	۱۷	۱۱	۱۴	۱۴	۲۷	۱	۲۰۱۹	۲۲۲
۹	ادبیات	۱۲۷	۱۱۵	۱۲	۷۲	۶۵	۱۲۰	۱۷	۲۴۰۹	۲۲۷
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۶۳	۵۴	۹	۲۳	۴۰	۵۵	۸	۲۱۴۲	۳۴۴
۱۱	آموزشی و کمک‌درسی**	۳۹	۳۸	۱	۴	۳۵	۳۹	۰	۱۴۲۷	۲۸۲
۱۲	کودک و نوجوان	۱۰۵	۷۷	۲۸	۳۶	۶۹	۹۳	۱۲	۴۷۱۶	۵۰
	جمع بندی	۸۵۶	۶۵۷	۱۹۹	۲۳۸	۵۱۸	۶۱۰	۱۴۶	۲۶۶۱	۶۶۲

* «جدید» به معنی اثری انقلابی می‌باشد که ترجمه باشد، اثری جدید، نویسنده، گردآورنده، مترجم، ناشر و غیره آن.
** منظور از موضوع آموزشی و کمک‌درسی، کلیه کتاب‌هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی تمام سطوح تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط باشد و مطالب آن‌ها دانش‌آموزان از پیش‌بینی تا می‌رسد باشد.

شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
گرانترین کتاب	۸۰۰۰۰ ریال	بستانداران، یان مک‌کولن، زهرا غمنازاده، ناشر: علم و فرهنگ، چاپ ۱، ۱۵۰ نسخه، ۳۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۳۹ مرتبه	ایده و تفکرات، کتاب کمک‌آموزشی شیوهی انبار، سیدمحمد مهدی طباطبایی، ناشر: جامعه افکار لکتریب، ۴۰۰ نسخه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۵۰۰۰ نسخه	ایده محمد تقی (۱)، اسماعیل خرم‌مندی، ناشر: سایه‌گستر، چاپ ۱، ۳۲، ۱۰۱ نسخه، ۷۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	ساده جان سلام (پیش از «دستان» و «پایه اول»)، علی طهماسبی، ناشر: مهر یکسوز، چاپ ۳، ۲۸ نسخه، ۹۰۰۰ نسخه
بیشترین صفحه	۴۹۶ صفحه	هری پاتر و زندانی از کابان، جوان کتین روایتنگ، ویلا اسلامی، ناشر: کتابسرای تندیس، چاپ ۲۰، ۳۰۰۰ نسخه، ۷۵۰۰۰ ریال



جی.ام. کوئنز برنده جایزه نوبل ادبیات ۲۰۰۳، متولد سال ۱۹۴۰ آفریقای جنوبی است. بسیاری از آثار او ناظر به سال های حکومت رژیم نژادپرستانه در کشورش است. گرچه او از خانواده ای آلمانی تبار است، ولی سانسور و فضای رعب و وحشت موجود در سال های نژادپرستی به وضوح در آثارش دیده می شود؛ به خصوص این که سال های جوانی کوئنز همزمان با اوج مبارزات ضد نژادپرستی در آفریقای جنوبی به شمار می آید. از ویژگی های خاص کوئنز «همیشه در صدر بودن» اوست. به این معنا که نویسنده مورد بحث، از همان ابتدا که نخستین آثارش را منتشر کرد، مورد توجه و اعتنای مجامع ادبی واقع شد. گرچه کوئنز به سختی درباره آثارش سخن می گوید، اما به گفته برخی از منتقدان شناخته شده، بسیاری از آثار او خود زندگی نامه اش هستند. کوئنز علاوه بر رسیدن به جایگاه های ادبی شناخته شده، در زمینه حضور در دانشگاه و فعالیت های نظری نیز شخصیتی مطرح به شمار می آید. او دارای مدرک دکترای زبان شناسی از دانشگاه تگزاس است و سابقه تدریس ادبیات در دانشگاه نیویورک را نیز در کارنامه دارد. نوشته حاضر که در آن به بن مایه های فکری آثار کوئنز و فضای فرهنگی محافل آکادمیک غرب پرداخته شده، حاصل گفت و گوی مجله «جامعه انسانی» با اوست.

جی.ام. کوئنز؛ برنده جایزه نوبل ادبیات:

تلاش روشنگری عمومی است

علمی به راه انداخته اند. مطابق این بحث ها دانشگاهیان برای چاپ و همین طور پاسخگویی نسبت به نوشته هایشان تحت فشار بیشتری قرار خواهند گرفت. استادان نیز باید در قبال آنچه آموزش می دهند، یا تحقیقاتشان، مورد پرسش و ارزشیابی قرار گیرند. نظر شما درباره ایجاد چنین فضایی چیست؟

من از شما سوالی می پرسم و پیش از هر چیز به شما نسبت به نوع پاسختان هشدار می دهم. از شما سوالی می پرسم و سریعاً یادآور می شوم که نسبت به پاسختان نگاهی حسابگرانه دارم و اگر پاسختان مطابق میل من نباشد با شما برخوردی خشن خواهم داشت. این وضعیتی است که می کنند. برنامه هایی که برای دانشگاه داشته اند کمترین تاثیر را در ایجاد استانداردهای بالا داشته است؛ در واقع همه چیز به نفع تحمیل فضایی کاسب کارانه بر دانشگاه است. در نگاهی منصفانه این روزها دانشگاه در بدبختی کامل به سر می برد. کدام استاد؟ کدام روشنفکر؟ کی و کجا چنین روشنفکران و آکادمیسین هایی آزادی بیان داشته اند؟ دانشگاه هیچ وقت آزادی بیان نداشته و ندارد.

به همین دلیل بود که شما به استرالیا مهاجرت کردید؟ به این دلیل که امکان بیشتری برای نوشتن داشته باشید و در فضایی راحت تر بنویسید؟

بله، دقیقاً به همین دلیل بود.

کسب جایزه ای مانند نوبل چه تا حد بر کار شما در نگاهی شخصی و بر کار یک نویسنده در حالتی کلی موثر بوده است؟

نویسنده بزرگ کسی است که در شغلش تقوا، بصیرت و بهرپزگاری داشته باشد. کسی بدون هیچ منیت و خودپرستی و کسی که می تواند جهانی را هم ارز و به قدرت زندگی اخلاقی مان ترسیم کند. اما یکی از مهم ترین ابعاد شهرت ادبی که همیشه برای من شگفت آور بوده، این است که نویسنده بزرگ با اتکا به شایستگی اش، خود را ثابت می کند. او با خلق داستانی ادبی خود را ثابت می کند و پس از آن، بلافاصله، مردم شروع به سر و صدا و غوغا درباره نویسنده می کنند، او را تشویق می کنند که جلساتی برگزار کند و به آنها بگوید که درباره جهان چه فکر می کند.



باید در حاشیه حضور داشته باشد و به عنوان منتقد عمل کند. به بیان دیگر برخی می خواهند این بیداری جمعی تنها نگاه سلبی داشته باشد و نقد کند، اما در حاشیه هیچ گاه در متن اجتماع به عنوان عنصری ایجابی حضور نداشته باشد. شما به عنوان یک رمان نویس، آکادمیسین و روشنفکر علاقه ای به اشغال چنین موقعیتی حاشیه ای دارید؟

بسیار دشوار است که نویسنده به اصطلاح موقفی باشنید و اگر این اتفاق بیفتد هم بسیار سخت است که حتی در همان حاشیه، حضوری انتقادی داشته باشنید. از به کاربردن اصطلاح «نقد» در مورد حضور نویسندگان و متفکران تردید دارم؛ چون کسی که نقش بازی می کند بر اساس متنی که از پیش نوشته شده، رفتار خواهد کرد. گرچه حتی ما نیز در مقام نویسنده جزئی از یک نقشه بزرگ هستیم. رفتار ما را نمی توان به نقشی که بر صحنه بازی می کنند تقلیل داد، اما به هر تقدیر ما را در برنامه و راه هایی نامرئی قرار داده اند.

اخیراً در آمریکا و انگلستان بحث های دامنه داری پیرامون حرفه ای گری در دانشگاه و موسسات

در حالی که برخی دیگر از هنرمندان امور دیگری را مهم می دانند و آنها را در کارشان مطرح می کنند. آثار شما در سرزمین هایی که روزگاری مستعمره بودند بسیار مورد توجه قرار گرفته است. آیا ایجاد یک گفتمان استقلال طلبانه برای شما جذاب بوده است؟

من با قصد ایجاد چنین گفتمانی رمان ننوشته ام. راستش را بخواهید من چندان نقدهای آکادمیک را نمی خوانم. اما نوشته های من می تواند چنین برداشتی هایی ربه دست دهد. شما از من می خواهید که به شما تعریف هایی یا نظراتی ارائه دهم؛ حال آن که کار نویسنده ایجاد راهی است که به یک تعریف منتهی می شود و نه خود تعریف. روشنفکری عمومی، چیزی است که من برای احیای آن تلاش می کنم؛ پدیده جذابی که سال هاست جایی در گفتمان جامعه ما ندارد. برای از میان رفتن این پدیده چه توضیحی داریم؟ شاید روشنفکری عمومی از آن جهت حذف می شود که کم و بیش پوششی بر نقص های پیکره نظام سیاستمان بگذاریم.

گفته می شود که این روشنفکری جمعی همیشه

اجازه دهید در ابتدا درباره تفکر اساسی شما صحبت کنیم؛ آنچه در آثارتان دنبال می کنید. حتی یکی از آثار من، ایده و تفکر مشخصی را دنبال نمی کند. نمی پذیرم که فلان کتابم یکسره در مخالفت با سانسور است. هر چند که می پذیرم یک تنفر شدید نسبت به سانسور در کتاب هایم هویدا است. آنچه نسبت به آن بی میل پشت نویسی کتاب، به عنوان کتابی ضد سانسور یا هر چیز دیگری است. در رمان «وضعیت بنیادین» یکی از شخصیت های اصلی نسبت به احیا و استحکام مخالفت ارتدکس با نظام آپارتاید هشدار می دهد.

یک داستان زمانی که سعی کند چیزی جز یک داستان خوب باشد، راه به تباهی می برد. داستان باید یکسره در خدمت ذات خود باشد و نه در پی هدف دیگری.

می توانید نظرتان را درباره حقیقت آفریقای جنوبی و فرمان آشتی ملی بگویید؟ و این که نقش دادگاه ها در رژیم نژادپرستانه گذشته چگونه بود؟

در کشوری بدون هیچ مذهب رسمی، سیستم قضایی مانند آنچه در آفریقای جنوبی وجود داشت، امری غیرعادی بود. هر دادگاهی بر پایه آموزه های دینی مشخص، مانند آموزه های مسیح یا پیامبران دیگر استوار می شود و بر اساس اصولی که به واسطه دینی فراگیر در میان مردم پذیرفته شده است، حکم می دهد. نمی توان بر مبنای آموزه ها یا اصولی که تنها در میان نسبت اندکی از شهروندان پذیرفته شده است، نظامی قضایی را ایجاد کرد، اما نظام قضایی آفریقای جنوبی، چنین وضعی داشت یعنی بر مبنای عقایدی شکل گرفته بود که عموم مردم به آن اعتقاد نداشتند و تنها آینده به ما خواهد گفت که برای دستیابی به چه چیز ساخته شد.

فکر می کنید مثبت شکست ها و ناامیدی های اجتماعی یا فجایع بشری تا چه حد می تواند برای یک هنرمند یا نویسنده مهم باشد؟ مقصود مثبت وقایع و مصیبت هایی چون نژادپرستی است.

ترجیح می دهم در این موارد حکمی صادر نکنم. این مسئله ای شخصی است و هر نویسنده و هنرمندی شخصاً اهمیت این مسائل را تعیین می کند. برخی این مصیبت ها را مهم می دانند و به آنها می پردازند،

پیتر دال اسکات شاعر کانادایی و از اساتید پیشکوس ادبیات انگلیسی دانشگاه برکلی کالیفرنیا است. او بیش از هر چیز به دلیل عقاید ضد جنگ و نگاه انتقادی اش به سیاست های دولت آمریکا معروف شده است. تاریخچه نگاه های ضد جنگ او به دوران ویتنام بازمی گردد؛ او در کتاب های اخیر خود به تئوری توطئه که پس از یازده سپتامبر در آمریکا شکل گرفت تاخته است. برخی از آثار اسکات در نشریات ایران منتشر شده است. آخرین اثر او «جاده ای به سوی ۹/۱۱» در سال ۲۰۰۷ منتشر شد. گفت و گوی حاضر از سایت examined ترجمه شده است.

شما در دیدگاه هایتان اغلب از پاسخ به سوالات کوچک و بی اهمیت امتناع می کنید؛ اما باید پذیرفت که این سوالات گاهی ذهن مردم عادی را متوجه خود می کنند، در عوض و به جای طرح این سوالات

پیتر دال اسکات: شاعر کانادایی:

انگار ۱۱ سپتامبر را پیش بینی کرده بودند

شناخت. COG در سال ۱۹۸۱ توسط چنی و رامسفلد تأسیس شد.

هدف از تأسیس این نهاد، مدیریت کشور در شرایطی بود که دیگر قانون اساسی کارایی نداشته باشد البته یازده سپتامبر حادثه دردناکی بود که به فرض در آن چند هزار نفر کشته شدند؛ اما آیا این به آن معنا است که قانون را معلق کنیم و هر چه خواستیم انجام دهیم؟ ... علاوه بر این کی قبل از ۱۱ سپتامبر قانونی را مصوب کردند که مطابق آن تنها با اجازه رئیس جمهور هر گونه عمل نظامی مشروعیت می یافت؟ پس هواپیماهایی که آن انفجار بزرگ را به وجود آوردند با اجازه چه کسی از زمین بلند شدند؟ اینها همه سوالاتی اساسی

که اهمیت دارند، شما به سراغ تاریخ می روید و تلاش می کنید با طرح پرسش هایی تاریخی و اساسی، تحلیل خود را آغاز کنید. با این شیوه، شما قصد القاء چه چیزی را دارید؟

پیش از هر چیز به شما بگویم که آنچه در یازده سپتامبر رخ داد برای من اتفاق یا واقعه ای مهم و تاثیرگذار بود. پس از انفجار های ساختمان های سازمان تجارت جهانی، در بیانیه سازمان حوادث غیر مترقبه نام نهادی آورده شده بود که مردم آمریکا تا آن زمان اسمی از این نهاد نشنیده بودند؛ COG.

COG را که حول و حوش همه حوادث ۱۱ سپتامبر حضور داشت، نمی توان بدون یک نگاه تاریخی

و تحلیلی هستند که برای طرح آنها نگاه تاریخی الزامی است.

به این ترتیب در گزارش ۹/۱۱ هنگامی که از تغییر آرایش قدرت نظامی صحبت کردند، در واقع نظرشان تغییر و دست بردن در قانون بوده است. این گونه نیست؟

آنها مدارکی را ارائه کردند. در واقع، مقام های مسئول برای این که به نقش واسطه گرانه شان در تصویب قانونی که از آن سخن رفت، سرپوش بگذارند، مدارکی را جمع و جور کردند؛ مدارکی که در آینده هرگز مورد بازرسی و کاوش قرار نگرفت. گرچه در این بین واقعیتی وجود دارد که هر ذهنی را تحریک می کند و آن این که تاریخ تصویب این قانون (قانونی که به واسطه آن انجام هر عمل نظامی به تصویب رئیس جمهور احتیاج دارد) یکم ژوئن (سه ماه قبل از حادثه) تصویب شده است. این عجیب نیست؟



روایت اول شخص

ویرایش برای کودکان

■ شهرام اقبال زاده، نویسنده و مترجم



چندی است به علت کارهای جانبی زیادی که به شدت مشغول کرده فعالیت زیادی در زمینه تالیف کتاب انجام نداده‌ام. با این حال یکی از این کارهایم ویرایش برخی از آثار ترجمه شده است، به عنوان

مثال ویرایش کتاب «ترجمه برای کودکان» ترجمه حسین ابراهیمی با مقدمه‌ای از من و افزودن دو مقاله اخیرا به پایان رسیده که توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر می‌شود. این اثر جزو کتاب‌های نظری و مطالعاتی مرجع به حساب می‌آید.

چند ماه پیش نیز کتابی با عنوان «گاندی» نوشته «دمی» نویسنده آمریکایی الاصل هندی را با همراهی دخترم پگاه اقبال زاده برای نوجوانان ترجمه کردم که توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد. این کتاب با شیوه‌ای روایی، زندگی این رهبر بزرگ سیاسی را که با شیوه مبارزه معروفش «ساتیاگراها» (مقاومت و مبارزه بدون خشونت) و ایجاد جنبشی مردمی، هند را قادر ساخت بر سلطه و تجاوز استعمار انگلیس غلبه کند و به استقلال دست یابد، بازگو می‌کند.

اخیرا دو کتاب دیگر هم از من چاپ شده است، یکی از آن‌ها که در آخرین روزهای نمایشگاه منتشر شد، «روان شناسی نوجوان» کار مشترکی با اکرم پدram نیا بود که توسط نشر قطره منتشر شد. تحقیق اصلی را پدram نیا انجام داد و مقدمه تحلیلی و ویرایش کتاب بر عهده من بود. این کتاب هم از جنبه عمومی و هم از جنبه آکادمیک و علمی برخوردار است. پدر و مادرها، معلمان و تمام افرادی که بانوجوانان سروکار دارند، می‌توانند از خواندن این کتاب که زبانی ساده و کاربردی دارد، استفاده کنند. کتاب دیگر «دولت‌های فرومانده» ترجمه اکرم پدram نیا بود که ویرایشش را من انجام داده بودم. این کتاب یکی از آخرین آثار نوام چامسکی است. این برای نخستین بار است که کپی رایت یکی از آثار چامسکی از پیش از انقلاب تاکنون توسط نشر افق خریداری شده است.

اجتماع، عشق و پاییز

■ عبدالعظیم ساعدی، شاعر

این روزها چند کتاب را در دست تالیف یا در نوبت انتشار دارم؛ از جمله مجموعه شعرهای «صبح پشت پنجره» و «وقت هلاک خواب» که اولی مجموعه اشعار عاشقانه است که به نوعی جلد دوم و تکمیل کتاب «باغ پیراهن تو بود» به حساب می‌آید. این مجموعه حدود ۴۰ قطعه شعر عاشقانه در قالب سپید را دربرمی‌گیرد. «وقت هلاک خواب» نیز ۴۰ قطعه شعر موزون و سپید با موضوع شعرهای اجتماعی را شامل می‌شود. هر دو این کتاب‌ها توسط موسسه انتشاراتی رسانه‌ار دیهشت منتشر خواهند شد. انتشارات رسالت قلم نیز به زودی این کتاب را منتشر می‌کند.

«خرد خیزی‌های سعدی» عنوان یکی دیگر از کتاب‌هایم است که در آن پندهای سعدی استخراج شده و مقدمه کاملی بر آن نوشته‌ام.

کتاب دیگر «ابلیل به نواسازی حافظ به غزل گویی» است که مرحله لیتوگرافی را سپری می‌کند. این کتاب شامل شرح لغات حافظ با مقدمه‌ای در توصیف شخصیت عرفانی او می‌شود.

دنباله مجموعه شعر «پرسه در پاییز» با عنوان «پاییز میهن من است» شامل ۷۰ قطعه شعر سپید و موزون

درباره پاییز از چشم اندازهای مختلف نیز مراحل اداری انتشار را طی می‌کند و توسط موسسه اردیهشت منتشر خواهد شد.

در چند ماه گذشته نیز چند اثر به قلم من توسط انتشارات اردیهشت منتشر شد که آخرین آن‌ها «پله‌های آفتاب» بود. این کتاب گذری از منظر عرفان و توحید در شعر دو تن از شاعران زن معاصر ایران، پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد داشت که اثبات توحیدی بودن شعر این دو را با تکیه بر کدهای موجود در اشعار آن‌ها بررسی می‌کرد.

کتاب دیگر، مجموعه شعری با موضوع مرید و مراد در قالب سپید و مثنوی با مقدمه ابراهیم ضرابی‌ها با عنوان «ارتفاع بیدار عشق» است. این کتاب اشعاری را شامل می‌شود که در ۲۵ سال اخیر سروده‌ام. انتشارات تکا نیز گزیده‌ای از شش مجموعه شعر سابقم را با عنوان «ایستادن روی بال‌ها» منتشر و در نمایشگاه کتاب امسال ارائه کرد.

تصحیح انتقادی

■ عباسعلی وفاپی، نویسنده



تابستان امسال تصحیح از کتاب «روضه خلد» مجد خوافی روانه بازار کتاب می‌شود. در ایران این اثر پیش از این حدود ۴۰ سال قبل منتشر شده بود، اما اثر حاضر تصحیحی

است از روی پنج نسخه که برخی از آن‌ها در کتابخانه‌های خارج از کشور موجود بوده است. این تصحیح نیز مانند سایر کارهایم از جمله تصحیح «مفتاح الاسرار» در شرح مثنوی به قلم شیخ آدینه مجد خوارزمی و تصحیح «مرادالعارفین» اثر صوفی الهه یار یک تصحیح انتقادی است.

کتاب تحت تأثیر گلستان سعدی در ۱۶ باب و درباره مسائل مختلف از جمله درویشی، پادشاهی، عشق و جوانی با نثری مسجع تالیف شده است، اما نثر آن به پای گلستان نمی‌رسد و با اشعار تمثیلی نویسنده و دیدگاه‌ها در زمینه‌های مختلف آمیخته است.

اهمیت این کتاب به قدری است که یکی از دانشجویانم در مقطع کارشناسی ارشد موضوع پایان‌نامه خود را تحقیق و مقایسه تصحیح‌های مختلف «روضه خلد» برگزید. از سوی دیگر مشغول تالیف سه جلد دستور زبان فارسی هستم که مجلد اول آن به «کلیات تمرین پیشرفته» اختصاص دارد. البته امیدوارم با تعطیلی دانشگاه‌ها در تابستان فرصت بیشتری برای انجام آن داشته باشم و تا شروع ترم تحصیلی آینده این کار را به پایان برسانم. این مجموعه برای تمامی دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی و سایر علاقه‌مندان به این حوزه قابل استفاده است. در نمایشگاه امسال نیز کتابی با عنوان «فرهنگ لغات مخفف» توسط انتشارات سخن منتشر و ارائه شد.

دایرة المعارف مکه و مدینه

■ حسین واتقی، نویسنده و پژوهشگر قرآن



سال‌ها پیش در مجله «آینه پژوهش» (شماره ۹۷) طرحی را منتشر کردم و در آن وجود یک دایرة المعارف درباره مکه و مدینه را ضروری شمردم؛ دایرةالمعارفی که جامع باشد و به

نقاط مشترک شیعه و سنی بپردازد. از سوی دیگر اما با توجه به روایت‌ها و تاریخ شیعه و سنی، با گرایش شیعی تدوین شود.

این روزها پیر و آن طرح در حد توانم به بخشی از آن که برای دیگران شناخته شده نیست، می‌پردازم؛ بخشی که تاریخ تشیع در حریم شریفین را شامل می‌شود.

حاصل این امر یک سری کتاب با عنوان‌های «ذخائر الحرمین الشریفین» است که آن‌چه راجع به تشیع در مکه مکرمه و مدینه منوره است را دربرمی‌گیرد. در حقیقت این کتاب‌ها خلأیی را که در زمینه تاریخ تشیع

در مکه، مدینه و حوالی آن‌ها وجود دارد، جبران می‌کند. تاریخ معاصر و کهن این سرزمین‌ها را با موضوعاتی از جمله شرح حال علمای شیعه و حرکت علمی آن‌ها در حجاز، تالیفات شیعه درباره تاریخ و جغرافیای مکان‌های مقدس، خاطرات ائمه معصومین (ع) و سفرنامه‌های شیعی به مکه به زبان‌های مختلفی مانند فارسی، عربی و اردو را توضیح می‌دهد.

جلد نخست این مجموعه نوشته عبدالرحیم حربی از نویسندگان معاصر اهل مدینه، شامل سه کتاب در یک مجلد است که ویرایش و تنظیم آن بر عهده من بوده.

جلد دوم این کتاب با عنوان «بهجه الجلساء فی تعریف الخمسه اهل الکساء» در دست چاپ است و شامل منظومه بلند، روان و شیرینی در فضائل پنج تن آل عبا علیه السلام می‌شود که بیش از هزار بیت دارد و این اشعار را خضرین عطاءالله موصلی مکی در سال ۹۹۶ هجری برای سلطان مکه که از سادات حسینی بوده سروده است. چند جلد دیگر این مجموعه نیز حروفچینی شده و در حال ویرایش نهایی است که تا پایان امسال توسط نشر دانش حوزه در قم منتشر خواهند شد.

شاه نشین نمایشنامه‌ها

■ چیستا یربوی، نمایشنامه نویس



نمایشنامه «جنایات و مکافات» در قطع جیبی توسط نشر نامیرا در دست چاپ است. اجرای این نمایشنامه در جشنواره کلاسیک‌های روسی مسکو جایزه بهترین بازیگری زن را به

خود اختصاص داد. انتشارات قطره نیز اخیرا نمایشنامه «زنی که تابستان گذشته رسید» را منتشر کرده که با استقبال خوب علاقه‌مندان به مطالعه نمایشنامه روبرو شده است. این نمایشنامه پیش از انتشار تنها برای دو شب با فروش بالایی اجرا شده بود.

مرکز هنرهای نمایش، تصویب کرده یکی دیگر از آخرین نمایشنامه‌هایی که نوشته‌ام با عنوان «عاشقانه تا ۸ بشمار» را اجرا کند. این نمایشنامه طنزی بالا در ساختاری پلیسی و جنایی دارد که به نظر مناسب تئاتر ایوانی است. اگر روند اجرای این اثر روی صحنه طول بکشد ابتدا نمایشنامه را منتشر و سپس آن اجرا می‌کنم. «عروسی در مریخ» عنوان نمایشنامه جدید دیگری است که در ژانر طنز اجتماعی نوشته شده و در آن مسائل و معضلات ازدواج جوانان را نشان داده‌ام. از آن جایی که همیشه در جستجوی واقعیت از منظر جدیدی بوده‌ام و به تأثیر شفابخشی قصه‌های مدرن اعتماد دارم این نمایشنامه را که شامل هفت روایت از ماجرا است در متنی چند صدایی نوشته‌ام. این اثر درونمایه پلیسی و جنایی دارد، چرا که از تراژدی مدرن الهام گرفته و پر از شیوه نقلی و پرده خوانی است.

اما این روزها مشغول نگارش نمایشنامه‌ای تلخ با عنوان «این موبایل چه کسی است زنگ می‌زند» هستم، نوشتن این نمایشنامه کمی دشوار است. گویی روحم را آزرده می‌کند، اما شاه‌نشین نمایشنامه‌هایی است که تاکنون نوشته‌ام و حرف آخر من در زندگی است. در نگارش آن از قصه مولانا الهام گرفته‌ام و با تصاویر مسائل روز، تراژدی مدرنی را ساخته‌ام. همزمان با نگارش آن تحقیقاتی درباره موضوع این نمایش که کشتن والدین است، انجام می‌دهم.

خودم یک دختر ۱۲ ساله دارم، با بچه‌های مدرسه دخترم در ارتباطم و گاهی نفرت از پدر و مادرها را در برخی از بچه‌هایم بینم؛ بنابراین درباره این موضوع پژوهش می‌کنم و می‌نویسم.

به تازگی از کارگاه آموزشی سه روزه نمایشنامه نویسی که در لرستان برگزار شد بازمی‌گردم. در آن جایز سوژه‌های درخشانی برای نوشتن نمایشنامه به ذهنم رسید که اغلب آن‌ها آیینی و سنتی بود.

در آینده قصد دارم برخی مسائل آیینی و بومی را در هفت منطقه ایران جنوب، لار، ترکمن صحراء، کیش، اندیمشک، گیلان و مشهد در قالب یک نمایش در چند اپیزود بنویسم؛ اپیزودهایی راجع به مراسم اقوام ایرانی درباره عاشق شدن و مرگ. به عبارتی دیگر نمایش، نمایش مراسم مردگان و عاشقان است.

یادداشت

عبدالله کوثری

مترجم و برنده جایزه کتاب سال



مرزهای بی پایان ادبیات



جهانی از ادبیات پیش روی ماست. دنیایی بی حد و مرز که مرزهای سیاسی و جغرافیایی را پس می‌زند و یگانگی بشریت را نوید می‌دهد. گاه خیال می‌کنیم نسبت بالای انتشار آثار ادبی

ترجمه شده از سایر زبان‌ها در مقابل کتاب‌های تالیفی و تحقیقی نشان از ضعف ما دارد. هر چند برای چنین برداشتی می‌توان آمار نشر را مثال نقض آورد که نشان می‌دهد تالیف چندان هم از ترجمه عقب نیست و گاه پیش است، اما باید یادآور شد که این تصور باطل است و چنین مقایسه‌ای از اساس ناصحیح. اگر هم کمیت تالیف، از ترجمه عقب باشد چندان اتفاق غریبی رخ نداده. دنیای عریض و طویلی از ادب و هنر در مقابل ما قرار دارد که ما تنها بخشی از آنیم. برای تمام جهان چنین است و هیچ خطه‌ای نمی‌تواند از نظر کمیت تولیدات ادبی با تمام جهان رقابت کند. آنچه اهمیت دارد تلاش برای افزایش کیفیت آثار ادبی است که کمیت هرگز نه توان رقابت دارد و نه کسی خواهان چنین رقابتی است. هنر و ادبیات رقابت نمی‌شناسد، اما پیشرفت چرا و برای پیشرفت کیفیت ادب و هنر سرزمینمان چه چیز بهتر از شناخت آنچه خارج از حوزه زبان فارسی می‌گذرد.

ترجمه ادبی نیز خود پدیده‌ای فاقد اهمیت و جایگاه هنری نیست. یک مترجم مانند یک نویسنده عمل می‌کند، اما با محدودیت بیشتر. نویسنده با واژه‌های خودش فکر می‌کند و می‌نویسد، اما کار مترجم نه فقط برگردان واژه‌ها، که انتقال معنا و مفهوم و فرهنگ و تمام لذایذ ادبی اثر یک نویسنده دیگر است. این است که مترجم نه تنها باید زبان نویسنده اصلی را نیک بداند، بلکه لازم است قلمی در حد نویسنده پدید آورد، فرهنگ و تاریخ و جامعه خالق اصلی اثر را بکاود و مهم‌تر اینکه در زبان مقصد خبره و کارشناس باشد.

مترجم، پژوهشگر زبان خودش است و آنچه برای او بیشتر اهمیت دارد زبان نهایی اثر است. نویسندگان چون ویلیام فاکنر و ارنست همینگوی و ویرجینیا وولف و دیگران، هر یک استاد زبان و ادبیات خود بوده‌اند، اما ما با کمک

آشنایی اندکی با یک زبان خارجی و استفاده از انواع لغت‌نامه‌ها آثار این نویسندگان را به فارسی برمی‌گردانیم و این جای تأسف دارد. بسیاری از افراد به مجرد اینکه لیسانس زبان گرفته‌اند و یا آشنایی مختصری با یک زبان خارجی دارند، دست به ترجمه آثار ادبی می‌زنند. درحالی که دانستن زبان، تنها یکی از شرط‌های آغاز ترجمه است و حتی مهم‌ترین شرط نیست. مهم‌ترین اصل برای ترجمه به فارسی، آشنایی با زبان فارسی است. مترجم اول باید یک نویسنده باشد و فارسی را به خوبی بشناسد. هرگاه قلمش به تمام زیر و بم‌های زبان فارسی استوار شد، آنگاه می‌تواند اثر دیگری را به زبان فارسی ترجمه کند. حال اگر مترجمانی از این دست دروازه‌های دنیای ادبیات را به روی خواننده و نویسنده فارسی‌زبان بگشایند،

اتفاقی فرخنده رخ داده است. هر چه بیشتر از ادب و هنر سایر ملت‌ها و سرزمین‌ها ترجمه کنیم، ادبیات خودمان را غنی‌تر کرده و ارزش‌های ادبیات کهن سال سرزمینمان که از پس نسل‌ها و قرن‌ها به دوش ما افتاده را افزون کرده‌ایم. نهایت می‌ماند رعایت اصل ویرایش، وفادار ماندن به اصول حرفه‌ای و حرکت در چارچوب اخلاق تا از گزند پدیده‌هایی چون ترجمه همزمان یک اثر، کتاب‌سازی به نام ترجمه و چاپ و نشر کتاب‌های بی‌کیفیت، مضر و فرهنگ‌ستیز در امان باشیم.